

بخش دوم

نکات مهم حقوق تجارت

تجار و اعمال تجاری

- نکته ۱:** تجار بر دو قسم هستند: تاجر حقیقی و تاجر حقوقی (شرکت‌ها و موسسات).
- نکته ۲:** اشخاص حقیقی: وفق ماده ۱ قانون تجارت تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد. منظور این ماده صرفاً اشخاص حقیقی است.
- نکته ۳:** وفق ماده ۱ قانون تجارت ضابطه‌ی شناسایی تاجر؛ انجام اعمال مذکور در ماده ۲ قانون تجارت است. البته در صورتی که انجام آن، شغل معمول فرد باشد.
- نکته ۴:** در صورتی با انجام اعمال مذکور شخص زمانی تاجر قلمداد می‌شود که اعمال تجاری را به حساب خود انجام دهد.
- نکته ۵:** قائم مقام تجاری و قیم یا ولی که به نیابت و نمایندگی از دیگری عمل تجاری انجام می‌دهند تاجر شناخته نمی‌شوند چون به حساب خودشان نیست.
- نکته ۶:** صغیر ممیز و سفیه می‌توانند با اذن ولی یا قیم معامله کنند. لذا این اشخاص مجازند با اذن ولی یا قیم به اعمال تجاری ذاتی مبادرت ورزند و متعاقباً تاجر شناخته می‌شوند (اختلافی است).
- نکته ۷:** چنانچه شخصی چند شغل داشته باشد به منظور تعیین تاجر بودن یا نبودن، باید شغل معمول او تعیین گردد. در صورتی که شغل معمول تجاری باشد، تاجر خواهد بود و در صورتی که غیر تجاری باشد، تاجر قلمداد نمی‌شود.
- نکته ۸:** معیار تشخیص شغل معمول از غیر معمول بنابر نظر غالب، میزان درآمد شخص از هر یک از مشاغل است. بنابراین مقدار زمانی که شخص جهت اشتغال به این مشاغل صرف می‌کند در تشخیص شغل معمول از غیر معمول مؤثر نیست.
- نکته ۹:** صاحبان برخی مشاغل از جمله قضات دادگستری و سران دفاتر اسناد رسمی از اشتغال به تجارت یعنی اعمال تجاری ذاتی ممنوع‌اند. با وجود این تخلف از این ممنوعیت مانع از این نیست که دادگاه در صورت اشتغال به تجارت این اشخاص را تاجر قلمداد کند.
- نکته ۱۰:** شرکای شرکت تجاری، تاجر محسوب نمی‌شوند مگر آنکه شغل معمول آنها شخصاً اعمال تجاری مصرح در ماده ۲ قانون تجارت باشد. انجام اعمال تجاری برای خود شخص و به حساب خود وی انجام می‌شود. در نتیجه معامله‌ی وکیل برای موکل یا مدیر شرکت برای شرکت و مواردی از این قبیل موجب تاجر قلمداد شدن شخص محسوب نمی‌شود.
- نکته ۱۱:** تاجر می‌تواند شخصاً یا توسط قائم مقام خود فعالیت کند. موقعیت قائم مقام در مقابل امر مانند موقعیت وکیل در مقابل موکل است.
- نکته ۱۲:** قائم مقام می‌تواند واحد یا متعدد باشند. در این حالت اگر به اجتماعی بودن قائم مقامان تصریح نشود برخلاف وکالت هر کدام از قائم مقامان مستقلاً دارای اختیارات لازم برای نمایندگی امور تجارت‌خانه است. یعنی اصل بر استقلالی بودن است.
- نکته ۱۳:** در صورت تصریح به اجتماعی بودن، این قید در مقابل اشخاص ثالث بی‌اطلاع مؤثر نیست مگر اینکه طبق مقررات وزارت عدلیه ثبت و آگهی شده باشد.
- نکته ۱۴:** قائم مقام اصولاً کلیه اختیارات نمایندگی تجاری را دارد و محدود کردن اختیارات او در مقابل اشخاص ثالث معتبر نیست مگر اینکه ثابت شود ثالث از آن مطلع بوده است. قائم مقامی تجاری برخلاف دلالی و حق العمل کاری جز اعمال تجاری نیست.
- نکته ۱۵:** قائم مقام تجاری جزو عقود رضایی است. با وجود این اگر قائم مقامی به ثبت رسیده باشد عزل قائم مقام در صورتی در

مقابل اشخاص ثالث معتبر است که عزل، مطابق قوانین وزارت عدلیه به ثبت رسیده باشد مگر اینکه طرف ثالث از عزل او مطلع باشد.

نکته ۱۶: اعمال تجاری بر سه قسم اند: ۱- ذاتی یا مطلق ۲- حکمی یا تشبیهی ۳- فرعی یا تبعی

نکته ۱۷: تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره موضوع بند ۱ ماده ۲ ق ت عمل تجاری ذاتی است.

نکته ۱۸: منظور از تحصیل مال؛ تملک مال از طریق عمل حقوقی دو طرفه و معوض است به شرط آنکه به قصد فروش یا اجاره باشد اعم از آنکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

نکته ۱۹: منظور از تحصیل در بند ۱، تحصیلی است که منشأ آن عمل حقوقی دو طرفه‌ی معوض باشد. بنابراین تحصیل مال ناشی از واقعه‌ی حقوقی، مانند ارث یا عمل حقوقی غیر معوض مانند هبه مشمول بند ۱ ماده ۲ ق.ت نیست لذا ذاتاً عمل تجاری شناخته نمی‌شود.

نکته ۲۰: منظور از تصرفات، تصرفات جزئی است اما اگر تغییرات کلی و اساسی باشد و پس از ایجاد تغییرات کلی مال فروخته یا اجاره داده شود، از مصادیق اعمال تجاری نخواهد بود.

نکته ۲۱: تصدی به حمل و نقل به هر طریقی که باشد عمل تجاری ذاتی است. تصدی به حمل و نقل اعم از اینکه حمل و نقل مسافر یا اشیا باشد تجاری است ولی قواعد قرارداد حمل و نقل موضوع مواد ۳۷۷ تا ۳۹۳ قانون تجارت ویژه حمل و نقل اشیا است.

نکته ۲۲: عملیات دلالی و حق العمل کاری، عمل تجاری ذاتی محسوب می‌شوند.

نکته ۲۳: تفاوت عمده‌ی حق العمل کاری با دلالی در این است که دلال اصولاً واسطه‌ی انجام معامله است و اراده‌ی او در انعقاد قرارداد برای امر مؤثر نیست ولی حق العمل کار به حساب آمر قرارداد منعقد می‌کند و اراده‌ی او در صحت قرارداد مؤثر است.

نکته ۲۴: عاملیت نیز مانند دلالی و حق العمل کاری از اقسام معاملات تجاری غیر بنگاهی یا غیرمستمر است.

نکته ۲۵: تصدی به تأسیسات خدماتی مندرج در بند ۳ ماده‌ی ۲ ق ت خدمات عمل تجاری ذاتی است که باید در پوشش یک موسسه انجام شوند هرچند موضوع آن خدمات تجاری نباشد مانند تسهیل معاملات ملکی که به صراحت ماده‌ی ۴ ق.ت در خصوص معاملات غیر منقول عمل تجاری محسوب نمی‌شوند اما تسهیل معاملات آن عمل تجاری می‌باشد.

نکته ۲۶: حمل و نقل از اعمال تجاری ذاتی بنگاهی یا مستمر است. لذا حمل و نقل در صورتی ذاتاً تجاری است که در قالب تشکیل بنگاه باشد. پس مالک چند دستگاه خودرو اعم از باری یا سواری که آنها را به منظور حمل بار یا مسافر به دیگران اجاره داده است، تاجر نیست و عمل او هم ذاتاً تجاری نیست.

نکته ۲۷: تأسیس کارخانه به تنهایی مشمول بند ۴ ماده‌ی ۲ ق.ت نمی‌باشد بلکه منظور عملیات ساخت یا تکمیل یک کالا به منظور فروش یا به کار بردن آن در کالای دیگر در کارخانه می‌باشد. به علاوه مانند سایر اعمال تجاری وجود قصد انتفاع در ایجاد آن ضروری است.

نکته ۲۸: در خصوص حراجی موضوع بند ۵ ماده‌ی ۲ ق.ت، منظور از عملیات حراجی عملی است که مطابق آیین و مقررات خاص به منظور فروش اموال دیگران صورت می‌گیرد.

نکته ۲۹: حراجی باید به همراه تصدی باشد و متصدی باید در مقابل دریافت حق حراجی، عملیات حراجی را انجام دهد.

نکته ۳۰: درخصوص تصدی به نمایشگاه عمومی موضوع بند ۶ ماده ی ۲ ق.ت، اگر برگزاری نمایشگاه به قصد انتفاع نباشد و یا به همراه تصدی و مستمر نباشد، عمل تجاری نیست.

نکته ۳۱: هر قسم نمایشگاه عمومی با هر موضوعی در صورتی که به آن **تصدی** گردد ذاتاً عمل تجاری است. در نتیجه برپایی نمایشگاه آثار هنری نیز در صورت جمع شرایط فوق عمل تجاری ذاتی است.

نکته ۳۲: تصدی به نمایشگاه عمومی در صورتی ذاتاً عمل تجاری است که عموم برای تماشای آنچه به نمایش گذاشته شده است **وجه** بپردازند. به عبارت دیگر تماشای موضوع نمایش رایگان نباشد (سالن های سینما و تئاتر و موزه ها و گالری ها و از اقسام نمایشگاه عمومی است).

نکته ۳۳: عملیات صرافی، تبدیل پول کشوری به پول کشور دیگر است و عملیات صرافی و بانکی نیز مطلقاً تجاری محسوب می شوند.

نکته ۳۴: صراف یا بانکدار، واسطه ی وجوه و اعتبار می باشد و گردش کالا مطرح نیست مگر در صورتی که وجوه و اعتبار مجازاً کالا تلقی شود.

نکته ۳۵: تبدیل ارز و معاملات راجع به آن، خرید و فروش سهام به دستور مشتری، قبول سپرده تحت ضوابط خاص، اعطای وام و اعتبار یا تسهیلات بانکی موضوع قانون عملیات بانکی بدون ربا، مبادله و معامله بروات از مصادیق عملیات صرافی و بانکی موضوع بند ۷ ماده ی ۲ (ق.ت) است.

نکته ۳۶: بانک موسسه ای است که بر طبق قانون پولی و بانکی، لایحه قانونی اداره ی امور بانک ها و سایر مقررات مربوط تشکیل و به عملیات بانکی اشتغال ورزد. اگر چه طبق اصل چهل و چهارم قانون اساسی بانکداری در بخش دولتی منظور شده است لکن قوه ی مقننه به استناد حکم مقرر در ذیل اصل مذکور تاسیس بانک غیر دولتی را تحت ضوابط معین، مجاز اعلام نموده است.

نکته ۳۷: مطابق قانون پولی و بانکی کشور، مصادیق عملیات بانکی باید توسط شورای پول و اعتبار تعیین گردد.

نکته ۳۸: با توجه به قانون پولی و بانکی کشور، عملیات بانکی در حال حاضر باید **لزوماً** در قالب **شرکت سهامی عام** انجام پذیرد. برای تشکیل این شرکت اساسنامه آن باید به شورای پول و اعتبار برسد و مرجع ثبت شرکت ها نمی تواند آن را ثبت کند مگر اینکه مجوز را از بانک مرکزی اخذ کند.

نکته ۳۹: منظور از معاملات برواتی که عمل تجاری ذاتی است معاملات مربوط به سند برات است و در صورتی است که **موضوع معامله** سند برات باشد.

نکته ۴۰: معاملات برواتی، عمل تجاری حکمی (تشبیهی) است.

نکته ۴۱: معاملات اسناد سفته و چک را شامل نمی شود. پس معامله ای که **مورد معامله** آن بروات باشد مشمول بند ۸ ماده ۲ محسوب می شود.

نکته ۴۲: معاملات برواتی ممکن است بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

نکته ۴۳: عملیات بیمه در حال حاضر مطابق قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه گری باید مانند عملیات بانکی در قالب تشکیل شرکت سهامی عام انجام پذیرد.

- نکته ۴۴:** انجام عملیات بیمه، مطابق قانون فوق در حال حاضر مستلزم اخذ پروانه از بیمه‌ی مرکزی ایران است.
- نکته ۴۵:** در خصوص کشتی سازی و کشتی رانی موضوع بند ۱۰ ماده، همه‌ی اقسام معاملات راجع به کشتی صرف‌نظر از قصد طرف، ذاتاً تجاری است. به عنوان مثال اجاره‌ی کشتی یا معاوضه و ودیعه یا عاریه کشتی همگی ذاتاً تجاری‌اند.
- نکته ۴۶:** در یک تقسیم دیگر اعمال تجاری بر دو قسم هستند: اعمال تجاری که به محض انجام تجاری تلقی می‌شوند و اعمال تجاری که باید در قالب بنگاه و تکرار انجام شود.
- نکته ۴۷:** برخی اعمال تجاری به محض انجام تجاری قلمداد می‌شوند که شامل دلایلی، حق العمل کاری، خرید و تحصیل مال منقول به قصد فروش و عملیات صرافی و بانکی و بیمه می‌باشند.
- نکته ۴۸:** برخی اعمال تجاری در صورت تکرار تجاری قلمداد می‌شوند که شامل تصدی به حمل و نقل، تصدی به عملیات حراجی و تصدی به نمایشگاه‌های عمومی و تصدی به رسانیدن ملزومات و تأسیس و بکار انداختن کارخانه می‌باشند.
- نکته ۴۹:** اعمال تجاری حکمی، با توجه به ضوابط پذیرفته شده در مورد اعمال تجاری، ذاتاً تجارتی محسوب نمی‌شوند اما قانونگذار بنا به مصالحی احکام و آثار اعمال تجاری را بر آنها بار نموده است.
- نکته ۵۰:** اعمال تجاری حکمی عبارتند از: تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام برخی از امور ایجاد می‌شوند به علاوه معاملات برواتی.
- نکته ۵۱:** دسته‌ی سوم اعمال تجاری، اعمال تجاری فرعی یا تبعی است که در ماده‌ی ۳ ق.ت در ۴ بند احصاء گردیده است.
- نکته ۵۲:** در این ماده ضابطه‌ی تشخیص تجاری بودن ضابطه مختلط می‌باشد. یعنی تلفیقی از ضابطه‌ی شخصی و ضابطه‌ی موضوعی می‌باشد (البته به نظر برخی، ضابطه شخصی است نه مختلط).
- نکته ۵۳:** اماره‌ی قانونی: کلیه معاملات تجار؛ تجاری محسوب می‌شود و این امر اماره‌ی قانونی است و اثبات خلاف آن با کسی است که ادعای غیرتجاری بودن معامله را دارد.
- نکته ۵۴:** معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی‌شود حتی اگر توسط تاجر و برای حوائج تجاری باشد مگر معاملات غیر منقول شرکت‌های ساخت و ساز ساختمان که زمین را برای ساخت و فروش خریداری می‌کنند.
- نکته ۵۵:** هر تاجری به استثنای کسبه‌ی جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می‌دهد داشته باشد.
- نکته ۵۶:** کسبه‌ی جزء تاجر محسوب می‌شوند اما الزامی به داشتن دفاتر تجاری ندارند.
- نکته ۵۷:** کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آنها در صورتی که میزان فروش سالیانه‌ی آنها از مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال تجاوز نکند کسبه‌ی جزء هستند.
- نکته ۵۸:** ارائه‌دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای مشروط بر اینکه مبلغ دریافتی آنها در قبال خدمات ارائه شده در سال از ۵۰ میلیون ریال تجاوز نکند کسبه‌ی جزء هستند.
- نکته ۵۹:** دفتر روزنامه، دفتری است روزانه و تاجر باید کلیه مطالبات و دیون و معاملات تجاری و برواتی و جمیع واردات و صادرات را و وجوه برداشتی برای مخارج شخصی خود را در این دفتر وارد نماید.
- نکته ۶۰:** دفتر کل، دفتر هفتگی است و تاجر باید کلیه معاملات خود را هفته‌ای یکبار از دفتر روزنامه استخراج و در آن وارد کند.

نکته ۶۱: دفتر دارایی دفتری سالیانه است و بیلان مالی تاجر محسوب می‌شود.

نکته ۶۲: دفتر کلیه دفتر مراسلات و مخابرات صادره‌ی تاجر است و باید به ترتیب تاریخ تنظیم شود. این دفتر نیاز به پلمپ توسط نماینده‌ی اداره‌ی ثبت ندارد. نامه‌های وارده نیاز به دفتر ندارد و در لفاف پیچیده می‌شوند.

نکته ۶۳: کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود.

نکته ۶۴: تراشیدن، حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است.

نکته ۶۵: تاجر مکلف است این دفاتر را از ختم هر سال به مدت ۱۰ سال نگهداری نماید.

نکته ۶۶: ضمانت اجرای نداشتن دفاتر تجاری یا عدم رعایت مقررات مربوط به آن: جزای نقدی و اخذ مالیات به صورت علی‌الرأس می‌باشد.

نکته ۶۷: چنانچه تاجری دفاتر نداشته یا دفاتر وی نامنظم باشد و در عملیات وی توقف حاصل شود، اگر نداشتن دفاتر با قصد تقلب باشد دادگاه وی را به ورشکستگی به تقلب محکوم می‌نماید اما اگر قصد تقلبی وجود نداشته باشد دادگاه می‌تواند وی را به ورشکستگی به تقصیر محکوم نماید (و به نظر برخی ورشکستگی به تقصیر اختیاری).

نکته ۶۸: در صورتی که دو طرف دعوی تاجر باشند و دفتر هر دو واجد کلیه شرایط شکلی و تنظیمی باشد و مندرجات آنها با هم اختلاف پیدا کنند هیچ کدام از دفاتر به عنوان سند قابل استناد نخواهد بود و هر دو از سندیت خارج می‌شوند و باید مدعی ادعا و خواسته‌ی خود را با استناد به ادله دیگر به اثبات برساند.

نکته ۶۹: دفتر مذکور و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجارتی خود بکار می‌برند در صورتیکه مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر، در امور تجارتی سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود. به علاوه در مقابل غیر تاجر می‌تواند قرینه محسوب شوند.

نکته ۷۰: دفتر تجاری، اسناد عادی می‌باشند.

نکته ۷۱: دفتر ثبت تجارتی: در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته دفتر ثبت تجارتی تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارتی اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه‌ی جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسانند والا به جزای نقدی از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

نکته ۷۲: برخلاف دفاتر بازرگانی دفتر ثبت تجارتی، سند رسمی است زیرا توسط اداره‌ی ثبت تنظیم و نگهداری می‌شود. بنابراین مرجع تنظیم و نگهداری دفتر ثبت تجارتی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است.

نکته ۷۳: کلیه بازرگانان و شرکت‌ها باید ظرف یک ماه از شروع به کار یا تاسیس؛ اظهارنامه‌ی ثبت نام را در نسخه‌ی چاپی مخصوص تنظیم و به دفتر ثبت تجاری تقدیم کنند تا نام ایشان را در دفتر ثبت کنند.

نکته ۷۴: نام و علامت تجاری: محتمل است تاجر برای خود نام تجاری برگزیند. اسم تجاری مقرر در ماده ۵۷۶ قانون تجارت با علامت تجاری و نام شرکت تجاری کاملاً متفاوت می‌باشند.

نکته ۷۵: نام تجاری با نام تاجر در دفتر ثبت شرکت‌ها متفاوت است: تاجر نام و مشخصات واقعی و سجلی خود را به عنوان یک تاجر در دفتر ثبت تجاری ثبت می‌کند اما نام تجاری می‌تواند هر عنوان یا نامی متفاوت از نام واقعی تاجر باشد.

نکته ۷۶: نام تجاری، عبارت است از هر اسم یا عنوانی که معرف و مشخص کننده‌ی شخص حقیقی یا حقوقی باشد و الزامی ندارد که نام تجاری تاجر با نام خانوادگی وی یکی باشد.

نکته ۷۷: تاجر نمی‌تواند اسمی برای تجارتخانه‌ی خود انتخاب کند که موهوم وجود شریک باشد. به عنوان مثال آقای «ب» نمی‌تواند نام تجارتخانه خود را و نام تجاری خود را تاجر شریف قرار دهد چون اسم جمع است.

نکته ۷۸: اسم تجارتی ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی‌تواند اسم تجارتی خود قرار دهد ولو اینکه اسم تجارتی ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.

نکته ۷۹: اسم تجارتی قابل انتقال است و مدت اعتبار ثبت اسم تجارتی پنج سال است و قابل تمدید است.

نکته ۸۰: علامت تجاری: عبارت است از هر نشان قابل رویتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد. برندها یا مارک‌های لباس یا لوازم خانگی و.... همان علامت تجاری هستند. مثل علامت مارک‌های آدیداس، نایک، چی توز و.....

نکته ۸۱: نام شرکت تجاری: اصولاً عنوان یا عبارات سه سیلابی است که شرکاء برای شرکت انتخاب می‌کنند مانند شرکت دیده گستران فردا.

نکته ۸۲: امکان انتخاب علامت و اسم تجاری واحد: یکی بودن اسم تجاری و علامت تجاری ممنوعیت قانونی ندارد اما چنانچه شخصی بخواهد اسم تجاری‌اش، علامت تجاری وی هم باشد یا بالعکس، باید هریک را به طور جداگانه به عنوان یک علامت و اسم تجاری ثبت کند.

نکته ۸۳: مدت اعتبار نام تجاری پنج سال است و مدت اعتبار علامت تجاری ده سال است اما اسامی شرکت‌ها یا موسسات (اسامی تجاری) فاقد مدت اعتبار هستند و تا زمانی که شخص حقوقی منحل نشده و حتی سال‌ها پس از انحلال، اعتبار دارد.

نکته ۸۴: مرجع ثبت علامت، اداره‌ی مالکیت صنعتی است. مرجع ثبت نام تجاری، در اداره ثبت شرکت‌ها است و نام شرکت نیز مستقلاً به ثبت نمی‌رسد بلکه در ضمن ثبت شرکت در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها، نام شرکت نیز به ثبت می‌رسد.

نکته ۸۵: نام تجاری می‌تواند یک یا دو یا چند سیلابی باشد ولی نام شرکت باید سه سیلابی باشد. علامت تجاری نیز می‌تواند به شکل اسم و با حروف و عدد و یا به صورت اشکال معنا دار یا بی معنی باشد ولی نام شرکت باید معنادار و فقط با حروف باشد.

نکته ۸۶: اگر از علامتی حداقل سه سال استفاده نشود، قانوناً قابل ابطال است اما در خصوص نام تجاری و نام شرکت چنین نصی وجود ندارد.

نکته ۸۷: ثبت علامت‌های تجاری متعدد از سوی یک شخص منع قانونی ندارد اما هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از یک نام تجاری برای خود اختیار کند.

نکته ۸۸: علامت تجاری قابل انتقال به طور موقت یا دائمی می‌باشد (قرارداد فروش یا بهره‌برداری) اما انتقال نام تجاری تقریباً غیر ممکن است و در صورت امکان نیز انتقال نام تجاری باید همراه با انتقال شرکت یا بخشی از آن باشد که با نام تجاری شناخته می‌شود.

نکته ۸۹: انتخاب و ثبت علامت تجاری قانوناً اجباری نیست اما اختیار یک نام به هنگام ثبت شرکت، اجباری است.

نکته ۹۰: حق استفاده انحصاری و متعاقباً حق تعقیب اشخاصی که حقوق انحصاری صاحب علامت یا نام تجاری را نقض کنند

وجود دارد.

نکته ۹۱: استفاده از الفاظ بیگانه، استفاده از الفاظ سایر زبانها به عنوان نام یا علامت تجاری و نام شرکت ممنوع است. البته معادل نویسی الفاظ فارسی به خط بیگانه و استفاده از الفاظ خارجی برای صادرات کالاهای داخلی با داشتن کارت بازرگانی، مجاز است.

نکته ۹۲: مبادرت به امر صادرات و واردات کالا به طور تجاری، مستلزم داشتن کارت بازرگانی است که بر اساس ضوابط قانونی توسط وزارت بازرگانی صادر می گردد.

شرکت های تجاری

نکته ۹۳: اشخاص حقوقی: وفق ماده ی ۵۸۳ ق.ت کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

نکته ۹۴: شخص حقوقی، متشکل از اجتماع اشخاص حقوقی است که به منظور فعالیت های مختلف تشکیل می شوند.

نکته ۹۵: زمان ایجاد شخصیت حقوقی در شرکتهای با مسؤولیت محدود، تضامنی، نسبی و مختلط غیرسهامی: شرکت زمانی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه ی غیرنقدی تقویم و تسلیم شده باشد.

نکته ۹۶: در شرکتهای سهامی عام، پس از قبول کتبی سمت از سوی مدیران و بازرسان در جلسه ی مجمع عمومی موسس و در شرکت سهامی خاص، از زمان امضاء صورتجلسه ماده ی ۲۰ ل.ا.ق.ت شرکت تشکیل شده محسوب می شود.

نکته ۹۷: در شرکت مختلط سهامی شرکت زمانی تشکیل می شود که تمام سرمایه ی شرکت تعهد و لااقل یک سوم آن پرداخت شده باشد.

نکته ۹۸: آثار شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری: داشتن اقامتگاه+وجود تابعیت برای شرکت+تفکیک دارایی شرکت از شرکاء+ تفاوت نحوه ی اداره ی شرکت و تصمیم گیری.

نکته ۹۹: شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارا باشد مانند ابوت.

نکته ۱۰۰: اقامتگاه شخص حقوقی، محلی است که اداره ی شخص حقوقی در آنجا است.

نکته ۱۰۱: اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

نکته ۱۰۲: به موجب ماده ی ۱ قانون ثبت شرکتهای هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد ؛ شرکت ایرانی محسوب می شود.

نکته ۱۰۳: وفق ماده ۹۴ قانون شرکتهای سهامی هیچ مجمعی با هیچ اکثریتی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد. در نتیجه حتی اگر کلیه شرکای شرکتی که در ایران تشکیل شده تبعه خارجه باشند باز هم شرکت ایرانی محسوب می شود و از لحاظ حقوق و تکالیف مانند سایر اشخاص حقوقی ایرانی می باشند.

نکته ۱۰۴: استثنائاً طبق تبصره ۱ ماده ۴ قانون بانکداری، بانکهایی که در ایران تأسیس می شوند و بیش از چهل درصد سهام آن متعلق به اتباع بیگانه باشد از لحاظ این قانون، بانک خارجی محسوب می شود.

نکته ۱۰۵: هر شرکت خارجی برای این که بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجارتي یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره‌ی ثبت تهران هم به ثبت رسیده باشد.

نکته ۱۰۶: **شرکت سرمایه:** شرکتی است که اعتبار و هویت شرکت به سرمایه ثبت شده آن است و مسؤولیت شرکاء و سهامداران در قبال دیون آن به میزان و محدود به آورده آنها است.

نکته ۱۰۷: این شرکت‌ها عبارتند از سهامی و با مسؤولیت محدود.

نکته ۱۰۸: **شرکت شخص:** اعتبار و هویت شرکت به شرکای آن است - اعم از تمام یا بعض آنها - مسؤولیت شرکاء در قبال دیون شرکت در این شرکت‌ها نامحدود است و دارایی شخصی شرکاء وثیقه‌ی قروض شرکت است و حتی توافق برخلاف آن در مقابل ثالث فاقد اثر است.

نکته ۱۰۹: **شرکت‌های مختلط:** شرکت نسبت به بعض شرکاء شخصی محسوب می‌شود و نسبت برخی سرمایه محسوب می‌شود. به عبارت دیگر در این شرکت‌ها دو گروه شریک وجود دارد مسؤولیت برخی از شرکا به میزان آورده‌ی آنها و محدود است و مسؤولیت برخی دیگر نامحدود است از این رو این شرکت‌ها را مختلط گویند. این شرکت‌های دو نوع‌اند: ۱- مختلط سهامی؛ ۲- مختلط غیرسهامی.

نکته ۱۱۰: قوانین فرعی همچون قانون برنامه‌ی توسعه، اقسام دیگری از شرکت‌ها را نیز در نظر گرفته اند منجمله شرکت‌های تعاونی سهامی و شرکت های دانش بنیان.

نکته ۱۱۱: **تعاونی سهامی عام:** نوعی شرکت سهامی عام است.

نکته ۱۱۲: تشکیل بانک فقط در قالب شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت سهامی عام امکانپذیر است.

نکته ۱۱۳: شرکت‌های تعاونی سهامی عام شرکت‌هایی هستند که، با اخذ مجوز از وزارت تعاون ایجاد می‌شوند.

نکته ۱۱۴: **شرکت تعاونی فراگیر ملی:** نوعی تعاونی متعارف یا سهامی عام است که برای فقرزدایی از سه دهک پایین درآمدی تشکیل می‌شود. عضویت سایر افراد در این تعاونی آزاد است ولی در بدو تشکیل حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) اعضای آن باید از سه دهک پایین درآمدی باشند.

نکته ۱۱۵: هر شرکت سهامی یا تعاونی می‌تواند با اصلاح اساسنامه در چارچوب قوانین و مقررات مربوط و با مجوز وزارت تعاون به شرکت تعاونی سهام عام تبدیل شود .

نکته ۱۱۶: شرکت سهامی، مطلقاً تجاری محسوب می‌شود ولو آنکه موضوع عملیات آن تجاری نباشد.

نکته ۱۱۷: تعداد اعضای شرکت در سهامی عام حداقل ۵ نفر و در سهامی خاص حداقل ۳ نفر است.

نکته ۱۱۸: مسؤولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهامشان می‌باشد.

نکته ۱۱۹: شرکت سهامی عام، شرکتی است که بخشی از سرمایه آن توسط عموم (از طریق پذیره نویسی) تأمین می‌شود.

نکته ۱۲۰: پذیره نویسی از طریق عرضه‌ی عمومی سهام ممکن است. ایجاد و انتشار سهام اولیه این نوع شرکت باید نزد **سازمان بورس و اوراق بهادار** به ثبت برسد.

نکته ۱۲۱: اجازه‌ی انتشار اعلامیه پذیره نویسی توسط مرجع ثبت شرکت ها، پس از موافقت سازمان صادر می‌شود.

نکته ۱۲۲: برای تشکیل این شرکت باید موسسین حداقل ۲۰٪ سرمایه شرکت را خود تعهد نموده و حداقل ۳۵٪ مبلغ را در حین تشکیل شرکت به صورت نقدی تأمین نمایند.

نکته ۱۲۳: آورده‌ی غیر نقدی باید توسط کارشناس رسمی ارزیابی شود و اسناد مالکیت آن در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی آن به ضمیمه‌ی اظهارنامه و ضمایم تسلیم اداره ثبت شرکت ها شود.

نکته ۱۲۴: ماده‌ی ۸ قانون اصلاحی قانون تجارت (قانون شرکت های سهامی) به بیان طرح اساسنامه و مواردی که باید در آن ذکر شود پرداخته است.

نکته ۱۲۵: اساسنامه‌ی شرکت طبق ماده ۸ ل.ا.ق.ت در حکم قانون اداره شرکت است و وجود آن در شرکت‌های سهامی الزامی است.

نکته ۱۲۶: در اساسنامه‌ی شرکت، طبق بند ۵ ماده ۸ تعیین مبلغ سرمایه و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک الزامی است.

نکته ۱۲۷: در اساسنامه شرکت، طبق بند ۶ ماده ۸ تعیین تعداد سهام بی نام و با نام و مبلغ اسمی آن و تعیین تعداد و خصوصیات سهام ممتاز در صورت وجود الزامی است اما تعیین اقسام دیگر سهام از جمله موسس و انتفاعی در اساسنامه قید نمی شود.

نکته ۱۲۸: درخصوص تعیین تعداد سهام اساسنامه نمی تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. در شرکت سهامی عام حداکثر مبلغ اسمی سهام ۱۰ هزار ریال می‌باشد. به علاوه مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه، باید متساوی باشد. در شرکت‌های سهامی خاص، مبلغ اسمی سهام حداکثر ندارد.

نکته ۱۲۹: طبق بند ۷ ماده‌ی ۸ باید مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه‌ی مطالبه بقیه‌ی مبلغ اسمی هر سهم در اساسنامه‌ی شرکت، تعیین می‌شود و همچنین مدتی که باید ظرف آن مبلغ باقی مانده مطالبه شود که این مهلت نباید بیش از ۵ سال باشد.

نکته ۱۳۰: چنانچه مبلغ پرداخت نشده ظرف مدت مقرر در اساسنامه پرداخت نشود هیات مدیره‌ی شرکت مکلف است مجمع عمومی فوق العاده را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت نماید. در غیر این صورت هر دینفعی حق دارد برای تقلیل سرمایه تا میزان پرداخت شده به دادگاه مراجعه کند.

نکته ۱۳۱: طبق بند ۸ این ماده نحوه انتقال سهام باید در اساسنامه شرکت ذکر شود.

نکته ۱۳۲: در خصوص نحوه‌ی انتقال سهام اساسنامه نمی تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. ثبت انتقال سهام با نام در دفتر سهام شرکت الزامی است. به علاوه در شرکت سهامی عام، نقل و انتقال سهام نمی تواند منوط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی باشد.

نکته ۱۳۳: طبق بند ۹ ماده‌ی ۸ طریقه‌ی تبدیل سهام با نام و بی نام و بالعکس در اساسنامه شرکت، تعیین می‌شود.

نکته ۱۳۴: در خصوص تبدیل سهام رعایت مقررات مواد ۴۳ الی ۴۹ الزامی است و اساسنامه نمی تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. تبدیل سهم بی نام به سهم با نام باید در روزنامه‌ی کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌شود در سه نوبت چاپ شود.

نکته ۱۳۵: فاصله‌ی بین هر نوبت انتشار باید ۵ روز باشد و از تاریخ اولین آگهی باید حداقل ۶ ماه به صاحبان سهام برای مراجعه به شرکت و تبدیل سهام مهلت داده شود.

نکته ۱۳۶: در تبدیل سهام بی نام به نام در صورتی که صاحب سهم بعد از ۱۰ سال مراجعه نکند، سهام او در حکم اموال بلاصاحب است ولی در تبدیل سهام با نام به بی نام سهام با نام صادر شده در صندوق شرکت نگهداری می شود و هیچگاه در زمره ی اموال بلاصاحب نمی شود.

نکته ۱۳۷: طبق بند ۱۰ ماده ۸ امکان صدور اوراق قرضه باید پیش بینی شود.

نکته ۱۳۸: درخصوص مقررات صدور اوراق قرضه در اساسنامه، رعایت مواد ۵۵ الی ۷۱ الزامی است و اساسنامه نمی تواند برخلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. انتشار اوراق قرضه در صورتی ممکن است که کلیه سرمایه ی شرکت به ثبت رسیده باشد و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد و دو ترازنامه آن نیز به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد و مقررات اساسنامه نمی تواند ترتیب دیگری مقرر نماید.

نکته ۱۳۹: طبق بند ۱۱ ماده ی ۸ شرایط و ترتیبات افزایش و کاهش سرمایه شرکت می بایست در اساسنامه ی شرکت ذکر شود. این ضوابط نمی تواند مخالف مواد ۱۵۸ الی ۱۹۸ باشد و اساسنامه نمی تواند برخلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد.

نکته ۱۴۰: افزایش سرمایه در صورتی امکان دارد که سرمایه ی قبلی شرکت تماماً تأدیه شده باشد.

نکته ۱۴۱: مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیأت مدیره اجازه دهد در مدتی که **بیش از ۵ سال** نباشد سرمایه ی شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق قانونی افزایش دهد.

نکته ۱۴۲: طبق بندهای ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ مواقع و ترتیبات دعوت از مجامع عمومی و اکثریت های لازم جهت شرکت در مجامع و اتخاذ تصمیم باید در اساسنامه شرکت قید شود و این اکثریتها قابل کاهش نمی باشد و اساسنامه نمی تواند برخلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. البته افزایش در مواردی قابل پذیرش است.

نکته ۱۴۳: محتمل است اساسنامه شرکت مقدار معینی سهام را برای رأی دادن در نظر گرفته باشد مانند آنکه هر ۵۰ سهم ۱ رأی محسوب شود. در چنین حالتی فردی که ۴۰ سهم دارد حق رأی در مجامع را ندارد.

نکته ۱۴۴: طبق بند ۱۵ ماده ی ۸ ذکر تعداد مدیران در شرکت و طرز انتخاب ایشان و مدت مأموریت آنها و نحوه ی تعیین جانشین برای مدیران در اساسنامه شرکت ذکر می شود.

نکته ۱۴۵: در خصوص بند مذکور رعایت مواد ۱۰۷ الی ۱۲۸ قانون الزامی می باشد و اساسنامه نمی تواند برخلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. مدت مدیریت مدیران در اساسنامه تعیین می شود اما این مدت نمی تواند بیش از ۲ سال باشد اما تمدید مدت مدیریت ولو کراراً بلا مانع است.

نکته ۱۴۶: طبق بند ۱۶ ماده ۸، وظایف و اختیارات مدیران باید در اساسنامه درج شود.

نکته ۱۴۷: در خصوص تعیین وظایف مدیران در اساسنامه، رعایت مواد ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۴۱ و ۱۶۲ قانون الزامی است و اساسنامه نمی تواند برخلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد.

نکته ۱۴۸: محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیم مجامع عمومی فقط در روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث **باطل** و کان لم یکن می باشد. این خصوصیت ویژه مدیران شرکت های سهامی است.

نکته ۱۴۹: مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نمی تواند به هیچ وجه حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسؤولیت علیه مدیران شرکت محدود کند و شرط رفع مسؤولیت از مدیران یا تحدید مسؤولیت مدیران نافذ نمی باشد.

نکته ۱۵۰: طبق بند ۱۷ ماده‌ی ۸، تعداد سهامی که مدیران باید به عنوان تضمین در صندوق شرکت بگذارند در اساسنامه مشخص می‌شود. در این خصوص رعایت مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ الزامی است.

نکته ۱۵۱: تعداد این سهام را اساسنامه تعیین می‌کند. این سهام با نام است و قابل نقل و انتقال نمی‌باشد. البته مالکیت آن همچنان متعلق به مدیر است و سود آن نیز وثیقه نیست و مدیر می‌تواند سود آن را دریافت کند.

نکته ۱۵۲: طبق بند ۱۸ ماده‌ی ۸ تعیین تعداد بازرسان و نحوه‌ی انتخاب و مدت مأموریت ایشان در اساسنامه ذکر می‌شود. رعایت مواد ۱۴۴ الی ۱۴۷ در این زمینه الزامی است و اساسنامه نمی‌تواند برخلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد.

نکته ۱۵۳: طبق بند ۱۹ ماده‌ی ۸، آغاز و پایان سال مالی و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان در اساسنامه شرکت باید قید شود.

نکته ۱۵۴: در این خصوص رعایت ماده ۱۳۷ و ۱۳۸ الزامی است و اساسنامه نمی‌تواند برخلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد.

نکته ۱۵۵: هیأت مدیره باید بعد از انقضای سال مالی مقرر در اساسنامه، مجمع عمومی عادی را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.

نکته ۱۵۶: طبق بند ۲۰ ماده‌ی ۸ موارد انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه آن را اساسنامه تعیین می‌نماید.

نکته ۱۵۷: طبق بند ۲۱ ماده‌ی ۸؛ نحوه‌ی تغییر اساسنامه باید در اساسنامه شرکت ذکر شود و رعایت ماده ۸۳ در این خصوص الزامی است.

نکته ۱۵۸: تغییرات در اساسنامه یا سرمایه‌ی شرکت یا انحلال پیش از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می‌باشد.

نکته ۱۵۹: تشکیل شرکت سهامی عام: جهت تشکیل شرکت سهامی عام؛ اجازه انتشار پذیره نویسی با مرجع ثبت شرکت‌ها است که پس از مطالعه‌ی اظهارنامه و ضمایم آن و تطبیق آن با قانون اجازه آن را صادر می‌کند.

نکته ۱۶۰: عرضه‌ی عمومی اوراق بهادار در بازار اولیه منوط به ثبت آن نزد سازمان با رعایت مقررات قانون بورس می‌باشد و عرضه‌ی عمومی اوراق بهادار به هر طریق بدون رعایت مفاد این قانون ممنوع است.

نکته ۱۶۱: سازمان پس از بررسی تقاضای ثبت اوراق بهادار و ضمایم آن و اطمینان از انطباق آنها با مقررات، نسبت به تایید اعلامیه‌ی پذیره نویسی اقدام می‌کند.

نکته ۱۶۲: مؤسسين پس از اخذ مجوز انتشار اعلامیه پذیره نویسی، این اعلامیه را باید در جراید منتشر کنند. بنابراین مطابق لایحه‌ی قانونی لازم نیست اعلامیه‌ی پذیره نویسی سهام شرکت در زمان تشکیل آن در روزنامه‌ی کثیرالانتشار آگهی گردد بلکه کافی است که انتشار از طریق یکی از جراید باشد.

نکته ۱۶۳: برای عرضه‌ی سهام شرکت پس از تشکیل آن در مرحله‌ی افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید اعلامیه پذیره نویسی سهام باید در دو روزنامه‌ی کثیرالانتشار منتشر شود که یکی از آن دو حتماً باید روزنامه‌ی کثیرالانتشار شرکت باشد.

نکته ۱۶۴: برای تشکیل این شرکت باید موسسین حداقل ۲۰٪ از ۱۰۰٪ سرمایه شرکت را خود تعهد نموده و حداقل ۳۵٪ از ۲۰٪ را در حین تشکیل شرکت، در حساب شرکت در شرف تاسیس بسپارند.

نکته ۱۶۵: آورده‌ی موسسین: می‌تواند نقدی یا غیر نقدی باشد. آورده‌ی نقد در حساب شرکت در شرف تاسیس سپرده می‌شود و آورده‌ی غیر نقدی توسط کارشناس رسمی ارزیابی می‌شود و اسناد مالکیت آن در همان بانکی که آورده نقدی در آن سپرده شده است، تودیع می‌شود.

نکته ۱۶۶: آورده‌ی سپرده گذاران: در قانون سابق برای پذیره نویسان دو قسم سهام در نظر گرفته شده بود. سهام نقد و غیر نقد اما در قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت چنین نصی وجود ندارد و پذیره نویسی باید نقدی باشد اما لزومی ندارد تمام مبلغ مورد پذیره نویسی نقداً تأدیه شود. نحوه‌ی پرداخت وفق بند ۱۱ ماده‌ی ۹ در طرح اعلامیه پذیرهنویسی ذکر می‌شود.

نکته ۱۶۷: در اعلامیه‌ی پذیره نویسی فقط حداقل تعداد سهامی که اشخاص بر اساس پذیره نویسی می‌توانند خریداری کنند ذکر می‌شود و قانوناً محدودیتی برای خرید سهام بیشتر وجود ندارد اما در برخی موارد محدودیتهایی برای حداکثر های سهام وجود دارد. به عنوان مثال حداکثر سهم هر شخص حقیقی، در زمان تأسیس و طول فعالیت شرکت تعاونی سهامی عام، نباید

از نیم درصد سرمایه شرکت تجاوز کند و اشخاص حقوقی اگر خود شرکت تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی

سهامی عام باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد سهام را دارند و سایر اشخاص حقوقی یعنی سایر شرکت‌ها و

مؤسسات متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت پنج درصد از سهام را دارند. در

خصوص شرکت‌های بیمه، هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند بیش از ۲۰ درصد سهام یک موسسه بیمه

ایرانی را دارا باشد. نصاب ۲۰ درصد شامل اقارب نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول صاحب سهم نیز خواهد بود.

نکته ۱۶۸: فرآیند خرید اوراق بهادار از ناشر و یا نماینده‌ی قانونی آن و تعهد پرداخت وجه کامل آن طبق قرارداد که عمل حقوقی است که طی آن شخص تعهد می‌کند با تأمین قسمتی از سرمایه‌ی شرکت در حدود مبلغ آورده در شرکت سهامی عام شریک شود. در نتیجه پذیره نویس باید اهلیت داشته باشد و یا از طریق نماینده قانونی وی انجام شده باشد.

نکته ۱۶۹: کلیه اشخاص اعم از اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی خصوصی یا دولتی می‌توانند در پذیره‌نویسی سهام شرکت سهامی عام مشارکت کنند. اصولاً مؤسسین می‌توانند اشخاص ذی‌حق در مشارکت در پذیره‌نویسی را محدود کنند و شرایط خاصی را برای آنها در اعلامیه پذیره‌نویسی معین نمایند.

نکته ۱۷۰: پذیره‌نویسی سهام شرکت‌های سهامی عام توسط عموم باید با امضای سند به نام ورقه‌ی تعهد سهام انجام شود بنابراین عمل پذیره‌نویسی سهام شرکت سهامی عام قراردادی است تشریفاتی زیرا اولاً باید مکتوب باشد ثانیاً در تنظیم متن قرارداد ورقه تعهد سهم مندرجات الزامی مقرر باید به موجب ماده ۱۳ لایحه قانونی در متن سند قید گردد.

نکته ۱۷۱: برخلاف اوراق سهام لازم نیست ورقه‌ی تعهد سهم چاپی و دارای نمره ترتیبی باشد.

نکته ۱۷۲: ورقه‌ی تعهد سهم باید در دو نسخه تنظیم گردد. یک نسخه از آن نزد بانک می‌ماند و نسخه‌ی دیگر با قید رسید وجه و مهر و امضای بانک به پذیره‌نویس تسلیم می‌گردد.

نکته ۱۷۳: پس از انقضای مدت پذیره نویسی، موسسین حداکثر ظرف یک ماه تعهدات پذیره نویسان را رسیدگی نموده و پس از احراز تعهد صحیح سرمایه اولیه و پرداخت ۳۵٪ آن توسط موسسین، تعداد سهام تعهدکنندگان را تعیین نموده و مجمع عمومی موسس را دعوت می نمایند.

نکته ۱۷۴: مؤسسین باید پس از پایان مهلت پذیره نویسی و در صورت تمدید آن پس از پایان مدت تمدید شده به نتایج پذیره نویسی رسیدگی کنند و ظرف یک ماه از تاریخ پایان مهلت پذیره نویسی گزارشی در مورد نتایج آن تنظیم نمایند.

نکته ۱۷۵: پس از تنظیم این گزارش و احراز اینکه تمام سرمایه صحیحاً تعهد شده و اقسای و پنج درصد آن پرداخت شده است، مؤسسین تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان (پذیره نویسان) را تعیین می کنند و پذیره نویسی را تصدیق می کنند. تصدیق خلاف واقع جرم می باشد.

نکته ۱۷۶: پس از تصدیق پذیره نویسی، موسسین اقدام به دعوت مجمع عمومی مؤسسین می نمایند و در صورت امتناع مؤسسین، الزام آنها به دعوت و تشکیل مجمع مؤسس امکان پذیر نیست. البته چنانچه امتناع آنها از دعوت مجمع و به تبع آن عدم تشکیل شرکت موجب ورود زیان به پذیره نویسان شود، متضامناً مسؤول جبران خسارت اند.

نکته ۱۷۷: فاصله ی زمانی بین انتشار آگهی دعوت مجمع و تاریخ تشکیل جلسه اصولاً، حداقل ۱۰ و حداکثر ۴۰ روز می باشد.

نکته ۱۷۸: اگر پس از انتشار اولین آگهی دعوت مجمع عمومی مؤسس نصاب قانونی برای رسمیت جلسه ی این مجمع حاضر نشود، مؤسسین می توانند تا دو مرحله ی دیگر مجمع عمومی مؤسس را دعوت کنند. در آگهی های مرتبه دوم و سوم تاریخ انتشار آگهی دعوت با تاریخ جلسه ی مجمع حداقل ۲۰ روز باید فاصله داشته باشد.

نکته ۱۷۹: مجمع عمومی مؤسس می تواند از تصویب و پذیرش مزایای مورد تقاضای موسسین و آورده ی غیر نقد آنها امتناع کند.

نکته ۱۸۰: مؤسس یا مؤسسینی که مزایای مورد مطالبه ی آنها رد شده است می توانند فقط با صرف نظر کردن از این مزایا در شرکت باقی بمانند. در غیر این صورت تعهد آنها نسبت به سهامی که خریداری نموده اند باطل می گردد و سایر پذیره نویسان می توانند سهام آنها را با آورده ی نقد خریداری کنند.

نکته ۱۸۱: چنانچه پس از تشکیل جلسه ی دوم مجمع عمومی مؤسس معلوم گردد به جهت باطل شدن تعهد مؤسسین و عدم خریداری سهام آنها از سوی سایر پذیره نویسان بخشی از سرمایه ی شرکت تأمین نشده باقی مانده است، مؤسسین باید عدم تشکیل شرکت را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کنند.

نکته ۱۸۲: مجمع عمومی موسس پس از تشکیل، طرح اساسنامه را تصویب نموده و اولین مدیران و بازرسان را انتخاب می کنند و مدیران و بازرسان باید کتباً قبول سمت نمایند. چنانچه قبل از تشکیل شرکت، موسسین معامله ای انجام داده باشند و شرکت آن را نپذیرد، موسسین مسؤول خواهند بود.

نکته ۱۸۳: نصاب اعضای مجمع عمومی موسس: حضور دارندگان حداقل نصف سرمایه در مرتبه ی اول و در مرتبه ی دوم حضور دارندگان حداقل یک سوم سرمایه.

نکته ۱۸۴: نصاب تصمیم گیری: تصمیمات با اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه مجمع، رسمیت خواهد داشت.

نکته ۱۸۵: در سایر مجامع محتمل است دارندگان برخی از سهام شرکت حق حضور و رأی نداشته باشند اما در مجمع عمومی موسس کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور و رأی دارند و هر سهم یک رأی دارد.

نکته ۱۸۶: در شرکت‌های تعاونی سهامی عام برگزاری مجمع عمومی مؤسس برای آن دسته از شرکت‌هایی که در زمان تأسیس بیش از پانصد نفر سهامدار داشته باشند نیز با بلوک‌بندی و بر اساس طرح اساسنامه تهیه شده از سوی هیأت مؤسس خواهد بود.

نکته ۱۸۷: با قبول سمت توسط مدیران و بازرسان، شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.

نکته ۱۸۸: تقاضای ثبت شرکت و تسلیم اسناد لازم برای ثبت آن در شرکت‌های سهامی عام، برعهده‌ی اولین مدیران منتخب مجمع عمومی مؤسس است که کتباً قبول سمت کرده‌اند و از وظایف مؤسسین نمی‌باشد.

نکته ۱۸۹: ثبت شرکت سهامی عام باید حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ارائه اظهارنامه ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها به عمل آید. در غیر این صورت هر یک از مؤسسین و پذیره‌نویسان می‌توانند با مراجعه به مرجع ثبت شرکت‌ها صدور گواهی عدم ثبت شرکت تا آن تاریخ را تقاضا کنند.

نکته ۱۹۰: مرجع ثبت شرکت باید این گواهی را صادر و به بانکی که وجوه نزد آن تودیع شده است ارسال کند.

نکته ۱۹۱: پس از آن هر یک از مؤسسین و پذیره‌نویسان می‌توانند با مراجعه به آن بانک مبالغی را که پرداخته‌اند پس بگیرند و بدین ترتیب شرکت تشکیل نمی‌شود.

نکته ۱۹۲: عدم رعایت ضوابط ثبت شرکت موجب بطلان نسبی است. یعنی شرکت باطل است و قابلیت درخواست بطلان و عملیات وجود دارد.

نکته ۱۹۳: در شرکت سهامی خاص، تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست و صورتجلسه‌ی مندرج در ماده‌ی ۲۰ کفایت می‌کند.

نکته ۱۹۴: اظهارنامه‌ی ثبت شرکت باید توسط **همه مؤسسین** امضا شده باشد.

نکته ۱۹۵: صورتجلسه‌ای حاکی از انتخاب اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان قانونی شرکت، باید توسط همه مؤسسین امضا شده باشد.

نکته ۱۹۶: در شرکت‌های سهامی خاص برخلاف شرکت‌های سهامی عام، مؤسسین باید همه‌ی سرمایه شرکت را شخصاً تعهد کنند زیرا در این شرکت‌ها پذیره‌نویسی سهام توسط اشخاص غیر از مؤسسین مطرح نیست.

نکته ۱۹۷: در شرکت‌های سهامی خاص، لازم نیست مؤسسین تمام سرمایه‌ی شرکت را در بدو تأسیس آن نقداً تأمین کنند بلکه آنچه الزامی است صرفاً تأمین ۳۵٪ سرمایه‌ی اسمی شرکت با آورده‌ی نقد است. مازاد بر ۳۵٪ سرمایه اسمی شرکت را مؤسسین می‌توانند به صورت **نقد** تعهد کنند که در این صورت باید ظرف پنج سال از تاریخ تشکیل شرکت مبلغ باقی مانده را تأدیه نمایند.

نکته ۱۹۸: همچنین مؤسسین می‌توانند مازاد بر ۳۵٪ مبلغ اسمی سرمایه را با آورده‌ی غیرنقد تأمین کنند که در این صورت تمام آورده‌ی غیرنقد باید در بدو تشکیل شرکت تقویم و تسلیم گردد.

نکته ۱۹۹: در شرکت‌های سهامی خاص مانند سهامی عام، آورده‌ی نقد مؤسسین باید نزد بانک در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس تودیع گردد ولی تودیع آورده‌های غیرنقد نزد بانک الزامی نیست. آورده‌ی غیرنقد در شرکت سهامی خاص باید به اولین مدیران شرکت تسلیم گردد.

نکته ۲۰۰: تقویم آورده‌های غیرنقد در شرکت‌های سهامی خاص مانند سهامی عام باید براساس نظر کارشناس رسمی دادگستری باشد. این کارشناس توسط مؤسسين تعيين می‌شود با اتفاق آرا و برای تعیین آن مراجعه به دادگاه الزامی نیست.

نکته ۲۰۱: در شرکت‌های سهامی خاص، برای تصویب اساسنامه موافقت کلیه مؤسسين لازم است ولی در شرکت‌های سهامی عام، تصویب اساسنامه با اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه‌ی رسمی مجمع عمومی مؤسس به عمل می‌آید ولی تغییر اساسنامه در هر دو شرکت با اکثریت صورت می‌گیرد و منوط است به موافقت اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه‌ی رسمی مجمع عمومی فوق‌العاده.

نکته ۲۰۲: در شرکت‌های سهامی خاص، انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان قانونی منوط است به موافقت همه‌ی مؤسسين ولی در شرکت‌های سهامی عام، انتخاب آنها با اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه‌ی مجمع عمومی مؤسس به عمل می‌آید.

نکته ۲۰۳: انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان بعدی شرکت در هر دو شرکت سهامی عام و خاص، توسط مجمع عمومی عادی و با اکثریت نسبی صورت می‌گیرد.

نکته ۲۰۴: مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمالی که برای تأسیس شرکت انجام می‌دهند **مسئولیت تضامنی** دارند.

نکته ۲۰۵: شرکت‌های سهامی عام و خاص تا زمانی که به ثبت نرسیده‌اند از انجام امور ذیل ممنوع‌اند:

۱. برداشت وجوهی که نزد بانک برای تأسیس شرکت تودیع می‌شود منوط است به ثبت شرکت.

۲. شرکت‌ها تا زمانی که به ثبت نرسیده‌اند از صدور اوراق سهام ممنوع‌اند اعم از سهام با نام و یا بی‌نام.

۳. شرکت‌های سهامی عام و خاص قبل از ثبت از صدور گواهینامه‌ی موقت سهم ممنوع‌اند.

۴. شرکت‌های سهامی عام قبل از ثبت از صدور هر گونه ورقه قرضه اعم از اوراق قرضه ساده یا مرکب ممنوع‌اند.

۵. شرکت‌های سهامی عام و خاص قبل از ثبت از صدور هر نوع ورقه مشارکت ممنوع‌اند.

نکته ۲۰۶: **اوراق بهادار در شرکت سهامی:** سهام قسمتی از سرمایهی شرکت است که مشخص کننده‌ی میزان **مشارکت**

و تعهدات و منافع صاحب آن است. منظور از مشارکت، حق رای است که ممکن است در برخی موارد سهامدار از آن منع شود:

۱. مابقی مبلغ تعهد شده را که توسط مدیران مطالبه شده نپرداخته باشد.

۲. در موعد مقرر سهام بی نام خود را به نام و یا بالعکس تبدیل نکرده باشد.

۳. در موعد مقرر گواهینامه‌ی موقت سهام را به ورقه‌ی سهم تبدیل نکرده باشد.

نکته ۲۰۷: ورقه‌ی سهم، **سند قابل معامله‌ای** است که نماینده‌ی تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

نکته ۲۰۸: در شرکت‌های تعاونی سهامی عام، حداکثر سهم هر شخص حقیقی، مستقیم و غیرمستقیم در زمان تأسیس و طول فعالیت نباید از **نیم درصد سرمایه** شرکت تجاوز کند.

نکته ۲۰۹: در شرکت‌های تعاونی سهامی عام **اشخاص حقوقی** سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود شرکت **تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی سهامی عام** باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد سهام را دارند. سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت پنج درصد از سهام را دارند.

نکته ۲۱۰: سهم یا به صورت با نام است یا بی نام.

نکته ۲۱۱: سهام با نام ممکن است با اسم شخص باشد و یا صرفاً ذکر سهام با نام بر روی برگه سهم باشد ولی اگر این چنین باشد نام صاحب سهم در دفتر سهام شرکت ثبت می گردد. دفتر سهام شرکت دلیل مالکیت در مورد این نوع سهام است.

نکته ۲۱۲: مزیت سهم بی نام در نقل و انتقال سریع آن است و به صرف قبض و اقباض منتقل می شود.

نکته ۲۱۳: مزیت سهم با نام در این امر است که در صورت مفقود شدن یا سرقت شدن یا جعل امکان اثبات ادعا آسان است

نکته ۲۱۴: انتقال سهم بانام باید در دفتر سهام شرکت ثبت شود و الا در مقابل **شرکت** و **اشخاص ثالث** معتبر نخواهد بود اما بین طرفین معتبر است.

نکته ۲۱۵: مزیت سهم با نام در این امر است که در صورت مفقود شدن یا سرقت شدن یا جعل امکان اثبات ادعا آسان است.

نکته ۲۱۶: شرکت های سهامی که سهامشان بی نام است نمی توانند در بورس اوراق بهادار وارد شوند و باید سهام خود را به بانام تبدیل نمایند.

نکته ۲۱۷: در شرکت های تعاونی سهامی عام کلیه سهام، **بانام** بوده و تملک یا نقل و انتقال آن منوط به ثبت در دفتر سهام شرکت و رعایت سقف مالکیت سهام مقرر در اساسنامه به تشخیص هیأت مدیره است که نباید از سقف مقرر تجاوز کند. هر توافقی بر خلاف حکم این بند، باطل و بلااثر خواهد بود.

نکته ۲۱۸: اوراق سهام باید متحد الشکل و چاپی و دارای شماره ترتیبی بوده و به امضای حداقل دو نفر از صاحبان امضاء شرکت که اساسنامه تعیین می کند برسد.

نکته ۲۱۹: در این موارد صدور سهام با نام الزامی است :

۱. مادامی که تمام مبلغ اسمی هر سهم بی نام پرداخت نشده باشد.

۲. سهام وثیقه ی مدیران که تا خاتمه ی مفاصا حساب دوره تصدی مدیران غیر قابل انتقال می باشد.

۳. سهام محجورین و صغار به منظور حمایت از حقوق آنها.

نکته ۲۲۰: سهم موسسی: سهمی است برای موسسانی که به دلیل ارائه خدمات انجام داده در زمان تأسیس شرکت، مزایایی از قبیل قسمتی از منافع شرکت یا قسمتی از دارایی اضافه بر سرمایه باقی مانده ی شرکت در حین تصفیه تخصیص می دهد. این سهام در آگهی اعلامیه ی پذیره نویسی پیش بینی می شود. تغییر امتیازات این نوع سهام با تصویب مجمع عمومی خاص موضوع ماده ۹۳ قانون تجارت است.

نکته ۲۲۱: سهم ممتاز: موضوع ماده ی ۴۲ ل.ا.ق.ت که یا در اساسنامه پیش بینی می شود یا طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت در خصوص آن تصمیم گیری می شود و به موجب آن امتیاز یا امتیازاتی خاص به دارنده ی آن اعطا می شود. این امتیازات می تواند درصد معینی از سود یا سود بیشتر یا حق تقدم در طرف معامله شدن یا حق رأی بیشتر باشد. تغییر امتیازات این نوع سهم منوط به تصویب مجمع عمومی فوق العاده با موافقت نصف + ۱ دارندگان سهام ممتاز است.

نکته ۲۲۲: سهم جایزه: سهمی است که در ازاء اضافه ارزشی که از سهامداران جدید دریافت و به سهامداران سابق شرکت اختصاص داده می شود.

نکته ۲۲۳: سهام وثیقه: این سهام برای تضمین خسارات احتمالی مدیران می باشد. مدیران باید تعداد سهام لازم به موجب اساسنامه را که برای رأی دادن در شرکت مقرر گردیده است دارا باشند. در غیر این صورت باید ظرف یک ماه اقدام به تهیه آن نمایند.

نکته ۲۲۴: در صورت عدم تهیه آن و در صورتیکه قهراً سهام انتقال یابد یا در اثر افزایش یافتن تعداد سهام لازم، مدیر اقدام به تهیه و سپردن آن به صندوق شرکت نکند، مستعفی محسوب می شود.

نکته ۲۲۵: سهام وثیقه با نام است و قابل نقل و انتقال نمی باشد و تا پایان مدت مدیریت و ارائه حساب دوره‌ی تصدی و تصویب ترازنامه در صندوق شرکت به عنوان وثیقه می ماند و با تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره‌ی مالی تصدی مدیر این سهام خود به خود از قید وثیقه آزاد می شود.

نکته ۲۲۶: سود سهام وثیقه، متعلق به مدیران است و جزء وثیقه منظور نمی شود.

نکته ۲۲۷: فروش سهام وثیقه برای جبران خسارات مدیران باید از طریق مراجع قضایی انجام شود. اگر شرکت وکالت در فروش داشته باشد می تواند اقدام به فروش نماید.

نکته ۲۲۸: وثیقه‌ی سهام: چنانچه سهم بی نام به رهن گذاشته شود باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می گردد داده شود (ماده ۷۷۲ ق.م) و در مورد رهن سهم با نام مراتب در دفتر سهام شرکت ثبت می گردد و الا از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار خواهد بود.

نکته ۲۲۹: حقوق مالی مربوط به سهام: حق تقدم در خرید سهام جدید، حق تصرف مالکانه در سهام و حق مالکیت نسبت به اموال شرکت پس از تصفیه.

نکته ۲۳۰: حقوق غیرمالی سهام: حق شرکت در مجامع، دعوت و حضور در جلسات و مجامع، حق اطلاع از حساب های شرکت و اقامه دعوی.

نکته ۲۳۱: تکالیف مربوط به صاحب سهام: پرداخت مبلغ اسمی سهم + قبول اساسنامه و تصمیمات شرکت به مجرد امضاء و خرید ورقه سهم..

نکته ۲۳۲: در برخی موارد صاحبان سهام نمی توانند حقوق ناشی از سهام خود را به اجرا گذارند: در صورتی که صاحب سهم بقیه بهای تعهد شده سهام را در مهلت مقرر پرداخت ننماید، علاوه بر تعلق خسارت دیر کرد به نرخ رسمی بهره به علاوه چهار درصد در سال، دارندگان سهام مذکور حق حضور و حق رای در مجامع عمومی را ندارند و تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد تا در تصمیم گیری ها منظور نشوند و در صورت پرداخت بدهی خود مجدداً حق حضور و رای در مجامع عمومی را خواهند یافت.

نکته ۲۳۳: مبلغ اسمی سهم: مبلغی که در اساسنامه برای تعیین سهم معین شده است.

نکته ۲۳۴: مبلغ اسمی سهم در شرکت سهامی عام نباید از ۱۰ هزار ریال بیشتر باشد. در سهامی خاص محدودیتی برای حداکثر مبلغ اسمی وجود ندارد.

نکته ۲۳۵: مبلغ واقعی سهم: این مبلغ بر اساس میزان فعالیت شرکت و سود و زیان آن و طبق ترازنامه تعیین می شود. این ارزش اصولاً با توجه به فعالیت شرکت در حال نوسان است.

نکته ۲۳۶: ارزش بورسی سهم بر اساس ارزش واقعی و برخی موارد دیگر مثل شرایط اقتصادی و تبلیغات تعیین می‌شود.

نکته ۲۳۷: تا زمانی که تمام مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است، صدور ورقه سهم بی نام یا گواهی نامه‌ی موقت بی نام ممنوع است و به تعهدکنندگان این گونه سهم، گواهینامه‌ی موقت با نام داده می‌شود و نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهم با نام است.

نکته ۲۳۸: گواهی نامه‌ی سهم بی نام در حکم سهم بی نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهم بی نام است و انتقال آن هم مثل سهام بی نام است.

نکته ۲۳۹: نقل و انتقال سهام در شرکت سهامی عام بر خلاف شرکت سهامی خاص نمی‌تواند منوط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی شرکت باشد.

نکته ۲۴۰: در صورتی که قسمتی از مبلغ اسمی سهم با نام پرداخت نشود، منتقل الیه قائم مقام ناقل خواهد بود.

نکته ۲۴۱: **اوراق قرضه:** ورقه‌ی قرضه، ورقه‌ی قابل معامله‌ای است که معرف **مبلغی وام** است با بهره‌ی معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد گردد. برای ورقه‌ی قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود. فقط شرکت سهامی عام می‌تواند اوراق قرضه منتشر کند.

نکته ۲۴۲: دارندگان اوراق قرضه در اداره‌ی امور شرکت هیچگونه **دخالتی نداشته** و فقط **بستانکار** شرکت محسوب می‌شوند.

نکته ۲۴۳: انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که **کلیه سرمایه** ثبت شده شرکت **تأدیه** شده و **دو سال** تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و **دو ترازنامه** آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

نکته ۲۴۴: اوراق قرضه دو نوع هستند: ۱- اوراق قرضه ساده ۲- اوراق قرضه مرکب (۱- قابل تبدیل به سهام ۲- قابل تعویض با سهام)

نکته ۲۴۵: هیات مدیره می‌تواند پیشنهاد اعطای مجوز صدور اوراق قرضه را به مجمع عمومی دهد و مجمع عمومی در صورت تشکیل با حد نصاب قانونی نسبت به آن تصمیم‌گیری و به هیات مدیره اجازه صدور اوراق قرضه می‌کند.

نکته ۲۴۶: **اوراق مشارکت:** وفق آیین نامه اجرایی قانون نحوه‌ی انتشار اوراق مشارکت، اوراق بهادار با نام یا بی نامی است که به موجب قانون یا مجوز بانک مرکزی به قیمت اسمی مشخص **برای مدت معین** و برای تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز طرح‌های عمرانی - انتفاعی دولت توسط دولت، شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و... شرکت‌های سهامی عام و خاص و شرکت‌های تعاونی تولید منتشر می‌شود و به سرمایه‌گذارانی که قصد مشارکت در اجرای طرح‌های یاد شده را دارند از طریق عرضه عمومی واگذار می‌گردد.

نکته ۲۴۷: دارندگان این اوراق به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت، در سود حاصل از اجرای طرح مربوط شریک خواهند بود که ممکن است این سود کمتر یا بیشتر از سود سهام شرکت باشد. خرید و فروش این اوراق مستقیماً و یا از طریق بورس اوراق بهادار مجاز است.

نکته ۲۴۸: در اوراق مشارکت، ناشر باید وجوه حاصل از مشارکت را الزاماً در طرح‌های اعلامی به مصرف برساند اما در اوراق قرضه ناشر می‌تواند به صلاحدید خود و در هر زمینه اقتصادی که لازم می‌داند وجوه حاصله را مصرف کند.

نکته ۲۴۹: وجوه حاصل از اوراق مشارکت به مالکیت شرکت در نمی آید برعکس وجوه حاصل از اوراق قرضه به شرکت ناشر تملیک می شود.

نکته ۲۵۰: اوراق مشارکت سود مشخص ندارند بلکه بر اساس قیمت اسمی و در نتیجه اجرای طرح و مدت زمان مشارکت حاصل می شود اما اوراق قرضه در زمان انتشار دارای سود معلوم و مقطوع می باشند و به همین دلیل یعنی قطعی بودن سود از طرف شورای نگهبان غیر شرعی و ربوی شناخته شد.

نکته ۲۵۱: دارندگان اوراق قرضه، طلبکار شرکت محسوب می شوند اما دارندگان اوراق مشارکت همانگونه که از نام آن معلوم است، شریک شرکت می باشند (شریک مدنی با موسسه ناشر).

نکته ۲۵۲: در اوراق مشارکت، بازپرداخت اصل و سود علی الحساب الزاماً تضمین می شود ولی در اوراق قرضه، تضمین اصل و سود بستگی به صلاحدید ناشر دارد که می تواند تضمین بدهد یا ندهد.

نکته ۲۵۳: انتشار اوراق مشارکت توسط دولت، منوط به انتفاعی بودن آن بخش از طرحهای عمرانی دولتی است که فهرست آنها در طرحهای عمرانی مربوط به قوانین بودجه سنواتی، با علامت مشخص درج خواهد شد.

نکته ۲۵۴: براساس مادهی ۳ قانون مزبور انتشار اوراق مشارکت از طرف دولت به میزانی که در قوانین بودجه سالانه کل کشور پیش بینی می شود مجاز خواهد بود.

نکته ۲۵۵: ارکان اجرایی یا مجامع عمومی شرکت سهامی سه قسم می باشند: مؤسس، عادی و فوق العاده.

نکته ۲۵۶: اولین رکن، مجمع عمومی مؤسس است که این مجمع از اجتماع موسسین و پذیره نویسان و قبل از ثبت شرکت تشکیل می شود و با تشکیل شرکت این مجمع، موجودیت خود را از دست می دهد.

نکته ۲۵۷: وظایف مجمع عمومی مؤسس:

۱. رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و احراز پذیره نویسی و تأدیه مبالغ لازم

۲. تصویب طرح اساسنامه و اصلاح آن

۳. انتخاب اولین مدیران و بازرسان و روزنامه کثیرالانتشار شرکت که تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی آگهی های شرکت در آن منتشر می شود.

نکته ۲۵۸: هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسین آوردهی غیر نقد داشته باشند مؤسسین باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی

مؤسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده های غیر نقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند. در صورتی که مؤسسین برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه ی گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقدیم شود.

نکته ۲۵۹: دارندگان آوردهی غیر نقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده اند در موقعی که تقویم آوردهی غیر نقدی که تعهد کرده اند یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند و آن قسمت از سرمایه ی غیر نقدی که موضوع مذاکره و رأی است از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد.

نکته ۲۶۰: در مجمع عمومی مؤسس، کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور و رأی دارند و هر سهم یک رأی دارد.

نکته ۲۶۱: در شرکت سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست و صورتجلسه‌ی مندرج در ماده‌ی ۲۰ کفایت می‌کند اما در این شرکت نیز جلب نظر کارشناس رسمی برای آورده‌های غیر نقد الزامی است.

نکته ۲۶۲: در شرکت‌های سهامی خاص برای تصویب اساسنامه، موافقت کلیه مؤسسين لازم است ولی در شرکت‌های سهامی عام تصویب اساسنامه با اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه‌ی رسمی مجمع عمومی مؤسس به عمل می‌آید ولی تغییر اساسنامه در هر دو شرکت با اکثریت صورت می‌گیرد و منوط است به موافقت اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه‌ی رسمی مجمع عمومی فوق‌العاده.

نکته ۲۶۳: در شرکت‌های سهامی خاص، انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان قانونی منوط است به موافقت همه‌ی مؤسسين ولی در شرکت‌های سهامی عام انتخاب آنها با اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه‌ی مجمع عمومی مؤسس به عمل می‌آید. انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان بعدی شرکت در هر دو شرکت سهامی عام و خاص توسط مجمع عمومی عادی و با اکثریت نسبی صورت می‌گیرد.

نکته ۲۶۴: **مجمع عمومی فوق‌العاده:** برای رسیدگی به اموری تشکیل می‌شود که به صورت فوق‌العاده ای برای شرکت حادث شده و نیاز به تصمیم‌گیری و تغییر در اساسنامه یا اصلاح آن در مجمع دارد.

نکته ۲۶۵: **وظایف این مجمع عبارت است از:**

۱. تغییر مواد اساسنامه و اصلاح اساسنامه

۲. تغییر در سرمایه شرکت از طریق افزایش یا کاهش سرمایه

۳. انحلال قبل از موعد

۴. ترتیب دادن سهام ممتاز

۵. اعطاء مجوز به هیأت مدیره برای صدور اوراق قرضه

۶. تبدیل شرکت سهامی عام به خاص

۷. تصویب تبدیل سهام با نام به بی نام و بالعکس

نکته ۲۶۶: این مجمع نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد و یا تغییری در اساسنامه ایجاد کند که باعث افزایش تعهدات سهامداران شود مگر آنکه با تصویب همه‌ی سهامداران شرکت باشد ضمناً تغییر در اساسنامه نمی‌تواند به محروم شدن سهامداران از حقوق شناخته شده ایشان منجر شود.

نکته ۲۶۷: **حد نصاب حضور:** در مرتبه‌ی اول حضور دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند و اگر این حد نصاب حاصل نشد، در مرتبه‌ی دوم حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند برای رسمیت جلسه الزامی است.

نکته ۲۶۸: **حد نصاب تصمیم‌گیری:** تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمیت دارد.

نکته ۲۶۹: مجمع عمومی عادی: وظایف این مجمع عام است و نسبت به کلیه امور شرکت حق تصمیم گیری دارد مگر اموری که در صلاحیت مجامع عمومی مؤسس و فوق العاده شرکت می باشد و بر خلاف مجمع عمومی فوق العاده که تشکیل آن جز دو مورد مقرر شده ضرورتی ندارد، تشکیل مجمع عمومی عادی سالی یک بار اجباری است.

نکته ۲۷۰: وظایف مجمع عمومی عادی: رسیدگی به حساب سود و زیان و تصویب ترازنامه، عزل و نصب مدیران، تصویب معاملات موضوع ماده ۱۲۹، تقسیم سود و اندوخته قابل تقسیم و....

نکته ۲۷۱: حد نصاب حضور: در مرتبه ی اول حضور دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند و در مرتبه ی دوم با حضور هر عده از سهامدارانی که حق رأی دارند.

نکته ۲۷۲: حد نصاب تصمیم گیری: تصمیمات با اکثریت نصف به علاوه ی یک آراء حاضر در جلسه رسمیت دارد مگر در خصوص انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی حاکم است.

نکته ۲۷۳: اولین مجمع عمومی فوق العاده شرکت که از قبل از تشکیل اولین مجمع عمومی عادی سالانه تشکیل جلسه می دهد باید از طریق نشر آگهی در دو روزنامه ی زیر دعوت شود: ۱. روزنامه ی کثیرالانتشار تعیین شده توسط مجمع عمومی مؤسس ۲. روزنامه ی کثیرالانتشار تعیین شده توسط وزارت فرهنگ

نکته ۲۷۴: مجامع عمومی که بعد از تشکیل اولین مجمع عمومی عادی سالانه تشکیل جلسه می دهند، از طریق نشر آگهی در روزنامه ی کثیرالانتشار تعیین شده توسط مجمع عمومی عادی تعیین خواهد شد.

نکته ۲۷۵: تشکیل مجمع عمومی به دعوت صاحبان سهام: دارندگان حداقل یک پنجم سهام شرکت (۲۰٪) می توانند از هیأت مدیره، تقاضای تشکیل مجمع عمومی را نمایند.

نکته ۲۷۶: چنانچه هیأت مدیره حداقل ظرف ۲۰ روز مجمع را تشکیل ندهد، درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازررس یا بازرسان شرکت تقاضا نمایند.

نکته ۲۷۷: بازرسان مکلفند ظرف ۱۰ روز مجمع را تشکیل دهند در غیر این صورت صاحبان سهام می توانند مستقیماً و به شرط رعایت کلیه تشریفات دعوت و قید عدم اجابت هیأت مدیره و بازرسان در آگهی، اقدام به تشکیل این مجمع کنند.

نکته ۲۷۸: فاصله ی زمانی بین تاریخ انتشار آگهی دعوت مجمع و تاریخ تشکیل جلسه ی آن باید حداقل ۱۰ و حداکثر ۴۰ روز باشد مگر در دو حالت:

۱. چنانچه پس از انتشار اولین آگهی دعوت مجمع عمومی مؤسس نصاب قانونی برای رسمیت جلسه ی این مجمع حاضر نشود. مؤسسين می توانند تا دو مرحله ی دیگر مجمع عمومی مؤسس را دعوت کنند. در آگهی های مرتبه ی دوم و سوم تاریخ انتشار آگهی دعوت با تاریخ جلسه ی مجمع حداقل ۲۰ روز باید فاصله داشته باشد.

۲. در صورتی که مجمع عمومی مؤسس، مزایای مطالبه شده از سوی مؤسسين یا آورده های غیرنقد آنها را نپذیرد این مجمع برای بار دوم باید تشکیل جلسه دهد. حداکثر فاصله ی زمانی برای تشکیل جلسه ی دوم مجمع عمومی مؤسس در این مورد یک ماه است.

نکته ۲۷۹: در آگهی دعوت کلیه مجامع عمومی باید این موارد ذکر شود:

۱. تاریخ تشکیل جلسه ی مجمع با قید روز و ساعت (زمان تشکیل جلسه ی مجمع ممکن است روز غیرکاری و یا تعطیل

باشد).

۲.نشانی دقیق محل تشکیل جلسه

۳.دستور جلسه‌ی مجمع

نکته ۲۸۰: کلیه مجامع باید تحت نظر هیأت ریسه‌ای مرکب از چهار عضو اداره گردد که شامل یک رییس، یک منشی و دو ناظر است. یعنی برای هر مجمع باید یک هیأت ریسه تشکیل گردد. هیأت ریسه مجامع موقت‌اند و با پایان یافتن مجمع هیأت ریسه نیز منحل می‌گردد.

نکته ۲۸۱: اعضای ناظر همیشه در کلیه مجامع باید از بین سهامداران حاضر در مجمع با اکثریت نسبی انتخاب شوند. منشی نیز با اکثریت نسبی انتخاب می‌شود و می‌تواند از بین سهامداران یا غیر از سهامداران باشد. استثنائاً در صورتی که مجمع عمومی در موارد خاص به درخواست و دعوت دارندگان یک‌پنجم سهام شرکت دعوت شده باشد (ماده ۹۶ لایحه) منشی نیز باید از بین صاحبان سهام انتخاب شود.

نکته ۲۸۲: در کلیه مجامع عمومی شرکت‌های سهامی حضور نماینده‌ی صاحب سهم به منزله‌ی حضور خود سهامدار است و نماینده از همان حقوقی برخوردار است که خود سهامدار در صورت حضور شخصی از آن برخوردار می‌گردد. بنابراین نماینده‌ی سهامدار حاضر در مجمع می‌تواند به عنوان عضو ناظر هیأت ریسه انتخاب گردد.

نکته ۲۸۳: از مذاکرات و تصمیمات مجامع، صورت جلسه تنظیم می‌گردد. صورت جلسه‌ی مجامع اصولاً در یک نسخه تنظیم می‌شود و در مرکز شرکت نگهداری می‌گردد مگر در موارد استثنایی که تنظیم صورت جلسه در دو نسخه الزامی شده است.

نکته ۲۸۴: صورت جلسات مجامع توسط عضو منشی هیأت ریسه مجمع تنظیم می‌شود و باید به امضاء کلیه اعضای هیأت ریسه برسد. بنابراین امضاء صورت جلسات مجامع توسط سهامداران حاضر در مجمع یا نمایندگان آنها و همچنین اعضای هیأت‌مدیره شرکت لازم نیست.

نکته ۲۸۵: در برخی موارد صورت جلسه باید در دو نسخه تنظیم گردد که یک نسخه‌ی آن در مرکز شرکت نگهداری می‌شود و نسخه‌ی دوم جهت ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم می‌گردد.

نکته ۲۸۶: تصمیماتی که باید به مرجع ثبت شرکت‌ها برای ثبت ارسال شود عبارتند از:

۱.انتخاب مدیران و بازرسان

۲.تصویب ترازنامه

۳.کاهش یا افزایش سرمایه و تغییرات در اساسنامه

۴.انحلال شرکت و نحوه‌ی تصفیه آن

نکته ۲۸۷: هیأت مدیره: شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده‌ی اعضای هیأت مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

نکته ۲۸۸: عده‌ی اعضاء هیأت مدیره: در شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر و در سهامی خاص ۳ نفر است (البته برخی اساتید ۲ نفر را نیز صحیح می‌دانند).

نکته ۲۸۹: اعضای هیات مدیره باید از سهامداران شرکت باشند. تعیین اعضای هیات مدیره برعهده‌ی مجمع عمومی عادی شرکت است و همین مجمع حق عزل آنها را دارد.

نکته ۲۹۰: مدت مدیریت مدیران، حداکثر دو سال است و قابل تمدید است.

نکته ۲۹۱: نماینده‌ی شخص حقوقی که به نمایندگی از شخص حقوقی در هیأت مدیره حضور دارد همان وظایف و اختیارات شخص حقیقی را دارد.

نکته ۲۹۲: این نماینده توسط شخص حقوقی عضو هیأت مدیره قابل عزل است به شرط اینکه جانشینی را کتباً به شرکت معرفی کند. در غیر این صورت غایب محسوب می‌شود.

نکته ۲۹۳: **اشخاص ممنوع از مدیریت شرکت:** افرادی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده و محجورین + افرادی که به جهت ارتکاب سرقت، خیانت در امانت کلاهبرداری یا جرایم در حکم آن از حقوق اجتماعی محروم شده اند **در مدت** محرومیت از حقوق اجتماعی.

نکته ۲۹۴: همچنین رییس جمهور و معاونان وی و وزیران و کارمندان دولت نمی توانند در شرکت‌های تجاری غیر از تعاونی ها سمت مدیر عامل و مدیریت داشته باشند.

نکته ۲۹۵: سردفتران و دفتریاران نیز نمی توانند عضویت در هیات مدیره و مدیریت عامل شرکت ها را داشته باشند.

نکته ۲۹۶: اعمال و اقدامات مدیرانی که ممنوع از مدیریت بوده اند در مقابل اشخاص ثالث معتبر است ولی به تقاضای هر ذینفع و از طرف دادگاه قابل عزل است.

نکته ۲۹۷: انتخاب عضو علی البدل هیات مدیره، اختیاری است و اعضای علی البدل برای موارد اضطراری است و در صورت عزل مدیر، مجمع موظف است ضمن عزل، مدیر دیگری انتخاب کند.

نکته ۲۹۸: محدود کردن اختیارات مدیران به موجب اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط در روابط **مدیران و صاحبان سهام** معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن محسوب می‌شود.

نکته ۲۹۹: **وظایف و اختیارات هیأت مدیره:**

۱. انتخاب رییس و نایب رییس هیأت مدیره / انتخاب مدیر عامل و تعیین حدود اختیارات وی

۲. دعوت مجامع عمومی در مواعد مقرر در مواد ۹۱ و ۱۳۸ و ۱۴۱

۳. تنظیم حساب های شرکت و ارائه آن به بازرسان و مجمع عمومی عادی (مواد ۱۳۷ و ۲۳۳ و ۲۴۳)

۴. تهیه گزارش و ارائه به مجمع عمومی (مواد ۶۱ و ۷۱ و ۱۵۶ و ۱۸۹ و تبصره‌ی ماده ۱۶۷)

۵. تجویز معاملات مذکور در ماده ۱۲۹

۶. موضوع نمودن یک بیستم از سود خالص شرکت به عنوان اندوخته‌ی قانونی ماده ۱۴۰

۷. تقاضای افزایش سرمایه از مجمع عمومی فوق العاده (ماده ۱۶۲)، عملی نمودن افزایش سرمایه و اعلام آن به مرجع

ثبت شرکت ها (ماده ۱۶۳)، رسیدگی به تعهدات پذیره نویسان (ماده ۱۸۱)

۸. انتشار آگهی مربوط به کاهش سرمایه قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه (ماده ۱۹۲)

۹. امر تصفیه شرکت (ماده ۲۰۴)

نکته ۳۰۰: **نصاب تشکیل جلسات هیأت مدیره:** با حضور بیش از نصف اعضای هیأت مدیره جلسات تشکیل می‌شود.

نکته ۳۰۱: **نصاب تصمیم گیری:** تصمیمات با اکثریت آراء حاضرین اتخاذ می‌شود.

نکته ۳۰۲: در جلسات هیأت مدیره صورت جلسات تنظیمی باید به امضاء اکثریت مدیران حاضر برسد.

نکته ۳۰۳: مدیرانی که با تصمیمات اتخاذی در جلسات مخالف باشند نظر مخالفشان در صورت جلسه قید می‌شود و مسؤولیت کفیری و مدنی تخلفات هیأت مدیره از مدیر مخالف رفع می‌شود.

نکته ۳۰۴: حق الزحمه اعضای هیأت مدیره: حق حضور توسط مجمع عمومی عادی تعیین می‌شود. حق حضور یا اجرت، متناسب با ساعات حضور اعضا در جلسه هیأت مدیره تعیین می‌شود و باید مقطوع باشد. چنانچه حق حضور به صورت مقطوع تعیین نشده باشد برای مثال درصدی از سود خالص یا قابل تقسیم شرکت باشد، قابل مطالبه نخواهد بود و در این صورت مدیران مستحق اجرت‌المثل هستند.

نکته ۳۰۵: در شرکت‌های سهامی مجمع عمومی می‌تواند علاوه بر اجرت مبلغی به عنوان پاداش اعضای هیأت مدیره تعیین کند.

نکته ۳۰۶: مبلغ حضور یا اجرت باید مقطوع باشد و در هر حال جزو بدهی‌های شرکت به اعضای هیأت مدیره خواهد بود اعم از اینکه شرکت سودده باشد یا زیان‌بر. در صورتی که پاداش حتماً باید به صورت درصد یا نسبتی از سود خالص شرکت باشد و پاداش نمی‌تواند به صورت مقطوع تعیین گردد. بنابراین هیأت مدیره زمانی مستحق پاداش است که شرکت سود خالص داشته باشد. درصد پاداش اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عام نباید بیش از ۵٪، سود خالص و در شرکت‌های سهامی خاص، نباید بیش از ۱۰٪ سود خالص باشد.

نکته ۳۰۷: مدیر عامل: مدیر عامل توسط اعضای هیأت مدیره انتخاب می‌شود و در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به وی تفویض نموده است، نماینده شرکت محسوب می‌شود و از طرف شرکت حق امضا دارد. مدیر عامل می‌تواند غیر سهامدار باشد، می‌تواند بیشتر از یک نفر باشد. نیاز به تودیع سهام وثیقه ندارد و حتماً باید شخص حقیقی باشد.

نکته ۳۰۸: حدود اختیارات مدیر عامل و مدت تصدی وی و حق الزحمه وی، توسط هیأت مدیره تعیین می‌شود.

نکته ۳۰۹: اقدامات و اعمال مدیران در مقابل اشخاص ثالث معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم رعایت تشریفات مربوط به انتخاب آنها، اعمال ایشان را غیر معتبر دانست.

نکته ۳۱۰: مسؤولیت انفرادی یا اشتراکی مدیران: در صورت تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت (موضوع ماده ۱۴۲) این مسؤولیت ایجاد می‌شود و در صورتی ایجاد می‌شود که ارکان سه گانه مسؤولیت یعنی وجود ضرر و فعل زیان بار و وجود رابطه‌ی علیت بین ضرر وارده و فعل زیان بار مدیران وجود داشته باشد.

نکته ۳۱۱: مسؤولیت انفرادی یا تضامنی مدیران: در صورت ورشکستگی شرکت (موضوع ماده ۱۴۳) و در صورتی است که در اثر تخلفات مدیران، شرکت دچار ورشکستگی شود یا دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کافی نباشد.

نکته ۳۱۲: مسؤولیت اشتراکی تا زمانی است که شرکت ورشکست نشده یا دارایی آن برای پرداخت قروضش کافی باشد. در غیر این صورت مسؤولیت تضامنی است.

نکته ۳۱۳: درخصوص طرح دعوی حقوقی علیه مدیران یا مدیرعامل، عده ای از سهامداران که حداقل یک پنجم (۲۰٪) سهام شرکت را دارا می‌باشند، می‌توانند به نام شرکت یا از طرف شرکت و به هزینه‌ی خود علیه رییس یا تمام اعضای هیأت مدیره اقامه دعوی نمایند و در صورتی که در دعوی پیروز شوند خواندگان دعوی به جبران خسارت و پرداخت هزینه‌های دادرسی محکوم شده و هزینه‌ی طرح دعوی از مبلغ محکوم به، به اقامه کنندگان پرداخت می‌شود.

نکته ۳۱۴: در خصوص طرح دعوی کیفری محدودیتی از نظر اقامه کنندگان دعوی وجود ندارد.

نکته ۳۱۵: معاملات مدیران با شرکت مشمول کنترل است که به دو دسته تقسیم میشوند:

۱. معاملات که مطلقاً باطل است (موضوع ماده ۱۳۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت).

۲. معاملات که قابل ابطال هستند (موضوع مواد ۱۲۹ تا ۱۳۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت).

نکته ۳۱۶: انتخاب اولین بازرسان شرکت با مجمع عمومی موسس و در سهامی خاص در صورت عدم تشکیل مجمع فوق، طبق صورت جلسه ماده ۲۰ است.

نکته ۳۱۷: انتخاب و عزل بازرسان بعدی با مجمع عمومی عادی خواهد بود، تعیین حق الزحمه‌ی بازرسان با مجمع عمومی عادی می‌باشد.

نکته ۳۱۸: تعداد بازرسان می‌تواند واحد یا متعدد باشد. بازرسان سالانه انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است. انتخاب بازرس علی‌البدل، اجباری است.

نکته ۳۱۹: مرجع عزل بازرسان مجمع عمومی عادی است به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.

نکته ۳۲۰: مجبورین و افرادی که به واسطه‌ی جرایم مذکور در ماده ۱۱۱ از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند را نمی‌توان به سمت بازرسی منصوب کرد.

نکته ۳۲۱: مدیران و مدیر عامل شرکت و اقربای سببی و نسبی آنها تا درجه سوم از طبقه‌ی اول و دوم را نیز نمی‌توان به بازرسی منصوب نمود به علاوه اشخاصی که از اشخاص مذکور موظفاً حقوق دریافت می‌نمایند.

نکته ۳۲۲: مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرسی انتخاب می‌کند تا برطبق این قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرسی یا بازرسان بلامانع است.

نکته ۳۲۳: مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرسی یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.

نکته ۳۲۴: مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرسی یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند.

نکته ۳۲۵: وظایف بازرسان:

الف. تشکیل مجمع عمومی به درخواست یک پنجم سهامداران در عرض ۱۰ روز

ب. اعلام تخلف مدیران به اولین مجمع عمومی و اعلام جرم به مراجع قضایی

ج. اظهارنظر در خصوص صحت صورت داری و صورت حساب دوره‌ی عملکرد مدیران و حساب سود و زیان و ترازنامه و اظهارنظر در خصوص صحت اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی قرار می‌دهند.

نکته ۳۲۶: تصویب صورت داری و ترازنامه توسط مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرسان یا با دریافت گزارش بازرسانی که ممنوع از بازرسی بوده‌اند، اثر قانونی ندارد و از درجه اعتبار ساقط است.

نکته ۳۲۷: بازرسان در صورت لزوم می‌توانند از نظر کارشناسان استفاده نمایند به شرط آنکه کارشناسان را به شرکت معرفی نموده باشند.

نکته ۳۲۸: بازرسان در صورت تعدد باید گزارش واحدی را به مجمع ارائه دهند اما باید موارد اختلاف نظرشان را در آن قید نمایند.
نکته ۳۲۹: بازرسان نمی توانند با شرکت یا به حساب شرکت مستقیم یا غیرمستقیم معامله کنند و ضمانت اجرای آن مطالبه‌ی خسارت است.

نکته ۳۳۰: تعیین حق الزحمه‌ی بازرس با مجمع عمومی عادی است.

نکته ۳۳۱: بازرس نمی تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم ذینفع شود.

نکته ۳۳۲: مسؤولیت بازرسان در مورد اقدامات خود در برابر شرکت و اشخاص ثالث اشتراکی است.

نکته ۳۳۳: تغییرات در سرمایه شرکت: تغییر در سرمایه به دو صورت است: افزایش سرمایه و یا کاهش سرمایه.

نکته ۳۳۴: در صدور اوراق قرضه هم مجمع عمومی فوق العاده و هم اساسنامه می تواند صدور اوراق را اجازه دهد ولی در افزایش سرمایه فقط مجمع عمومی فوق العاده می تواند این اجازه را به هیأت مدیره دهد که ظرف مدت معینی که نباید از ۵ سال تجاوز کند سرمایه‌ی شرکت را افزایش دهد. حتی اساسنامه هم نمی تواند مجوز افزایش سرمایه به هیأت مدیره دهد.
نکته ۳۳۵: در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می گیرد، کلیه‌ی افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می شود باید هنگام پذیره نویسی بر حسب مورد کلاً پرداخته یا تهاتر شود. در شرکت سهامی خاص پرداخت مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد جایز است.

نکته ۳۳۶: در خرید سهام جدید سهامداران شرکت حق تقدم + سهام به مبلغ اسمی به آنها فروخته می شود اما اگر حق تقدم سهامداران به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سلب شده باشد، سهام به مبلغ واقعی فروخته می شود و مابه التفاوت مبلغ واقعی و اسمی یا بین سهامداران سابق تقسیم می شود و یا بابت همان مبلغ به سهامداران سابق شرکت سهم می دهند.

نکته ۳۳۷: در هنگام افزایش سرمایه، خود شرکت نمی تواند هنگام افزایش سرمایه سهام خود را بخرد.

نکته ۳۳۸: در زمان تشکیل شرکت، تأدیۀ مبلغ اسمی سهام به صورت غیر نقدی مجاز است به علاوه در افزایش سرمایه در شرکت های سهامی خاص، تأدیۀ مبلغ اسمی سهام جدید می تواند غیر نقد باشد اما در سهامی عام تأدیۀ مبلغ اسمی سهام جدید در افزایش سرمایه است باید نقدی باشد.

نکته ۳۳۹: در افزایش سرمایه انتقال اندوخته‌ی قانونی به سرمایه ممنوع است.

نکته ۳۴۰: اتخاذ تصمیم و اجازه افزایش سرمایه پس از پیشنهاد هیأت مدیره مبنی بر افزایش سرمایه و پس از قرائت گزارش بازرسان، به عهده‌ی مجمع عمومی فوق العاده شرکت می باشد.

نکته ۳۴۱: اساسنامه‌ی شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیات مدیره باشد.

نکته ۳۴۲: افزایش سرمایه زمانی امکانپذیر است که کلیه سرمایه شرکت تأدیه شده باشد.

نکته ۳۴۳: افزایش سرمایه از چندین راه امکان پذیر است: صدور سهام جدید، انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته اختیاری به سرمایه شرکت و تبدیل اوراق قرضه به سهام شرکت.

نکته ۳۴۴: افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید: انتشار سهام جدید با پذیره نویسی که در این صورت تأدیه‌ی مبلغ اسمی از سوی پذیره نویسان فقط به صورت نقدی امکانپذیر است اما در شرکت سهامی خاص تأدیه‌ی مبلغ اسمی سهام جدید به صورت غیر نقدی نیز جایز است.

نکته ۳۴۵: پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد که فقط در صورتیکه برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند امکان پذیر نمی باشد مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند.

نکته ۳۴۶: صاحبان سهام شرکت در خرید سهام جدید حق تقدم دارند، مجمع عمومی فوق العاده می تواند این حق تقدم را سلب نماید. این حق قابل نقل و انتقال است و محدودیت هایی دارد.

نکته ۳۴۷: چنانچه نقل و انتقال سهم دارای محدودیت هایی باشد مانند آنکه منوط به موافقت مدیران و مجامع عمومی باشد (در شرکت سهامی خاص)، انتقال حق تقدم در خرید سهام جدید نیز منوط به موافقت مدیران است.

نکته ۳۴۸: افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود: مبلغ اسمی سهام را می توان در سهامی عام حداکثر تا ۱۰ هزار ریال بالا برد. پس اگر در ابتدای تاسیس شرکت مبلغ اسمی سهام هزار تومان باشد افزایش سرمایه از این طریق ممکن نیست اما در سهامی خاص محدودیتی وجود ندارد.

نکته ۳۴۹: تأدیه‌ی مبلغ اسمی جدیدی به یکی از طرق ذیل است و در مواردی که این تأدیه برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند فقط با توافق همه‌ی سهامداران امکانپذیر است:

۱. تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید

۲. انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته اختیاری به سرمایه شرکت

۳. انتقال عواید حاصل از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت.

نکته ۳۵۰: افزایش سرمایه از تبدیل اوراق قرضه به سهام شرکت: در صورت قابل تبدیل بودن اوراق قرضه به سهام شرکت مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش خاص بازرسان اجازه‌ی انتشار اوراق قرضه را می دهد و ضمن تعیین شرایط و مهلتی به هیات مدیره اجازه می دهد تا سرمایه‌ی شرکت را افزایش دهد و هیات مدیره نیز در پایان مهلت تعیین شده معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق قرضه ای که برای تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از انجام تشریفات ثبت افزایش مزبور در مرجع ثبت شرکت ها، سهام جدید انتشار و به صاحبان اوراق مذکور معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق به شرکت تسلیم نموده اند تحویل می دهد.

نکته ۳۵۱: انتقال اندوخته‌ی قانونی (سرمایه‌ی احتیاطی) به سرمایه ممنوع است.

نکته ۳۵۲: افزایش سرمایه در هر زمان پس از پرداخت کل سرمایه تعهد شده ممکن است ولی انتشار اوراق قرضه باید بعد از گذشت دو سال از ثبت شرکت باشد.

نکته ۳۵۳: صرف سهام: اصطلاح «صرف سهام» معرف مبلغی است که اضافه بر ارزش اسمی برای هر سهم در زمان افزایش سرمایه پرداخت می شود، چه در مرحله‌ی پذیره نویسی اولیه سهام و چه در بازار بورس.

نکته ۳۵۴: صاحبان سهام شرکت در خرید سهام جدید حق تقدم دارند. مجمع عمومی فوق العاده می تواند این حق تقدم را سلب نماید.

نکته ۳۵۵: این حق قابل نقل و انتقال است و محدودیت هایی دارد. چنانچه نقل و انتقال سهم دارای محدودیت هایی باشد مانند آنکه منوط به موافقت مدیران و مجامع عمومی باشد (در شرکت سهامی خاص)، انتقال حق تقدم در خرید سهام جدید نیز منوط به موافقت مدیران است.

نکته ۳۵۶: **کاهش سرمایه،** به دو صورت قابل تحقق است: کاهش اختیاری و کاهش اجباری.

نکته ۳۵۷: **کاهش اجباری موضوع ماده ۱۴۱:** چنانچه بر اثر زیان های وارده حداقل نیمی از سرمایه ی شرکت از میان برود، هیأت مدیره مکلف است مجمع عمومی فوق العاده را دعوت نموده تا در خصوص انحلال یا بقای شرکت تصمیم گیری شود.

نکته ۳۵۸: چنانچه تصمیم مجمع مبنی بر انحلال شرکت نباشد باید در همان جلسه با در نظر گرفتن حداقل سرمایه ی قانونی برای شرکت سهامی، سرمایه ی شرکت را به مبلغ سرمایه ی موجود کاهش دهد.

نکته ۳۵۹: کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد سهام و یا از طریق کاهش مبلغ اسمی سهام صورت می گیرد.

نکته ۳۶۰: **کاهش اختیاری:** مجمع عمومی فوق العاده می تواند به پیشنهاد هیأت مدیره در خصوص کاهش سرمایه ی شرکت اتخاذ تصمیم نماید.

نکته ۳۶۱: کاهش سرمایه به صورت اختیاری در صورتی امکان پذیر است که به حقوق صاحبان سهام لطمه وارد نکند.

نکته ۳۶۲: کاهش اختیاری سهام فقط از طریق کاهش **بهای اسمی** سهام به نسبت مساوی و **رد مبلغ کاهش یافته** هر سهم به صاحب آن امکان پذیر است.

نکته ۳۶۳: برای کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی فوق العاده در خصوص کاهش سرمایه حداقل یک ماه قبل از اقدام توسط هیأت مدیره در روزنامه ی کثیر الانتشار شرکت، آگهی شود.

نکته ۳۶۴: کاهش اختیاری سرمایه ی شرکت قابل اعتراض از سوی طلبکاران و دارندگان اوراق قرضه شرکت می باشد.

نکته ۳۶۵: **اندوخته ی قانونی:** هیأت مدیره مکلف است هر سال **یک بیستم** از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید تا زمانیکه اندوخته ی قانونی به **یک دهم** سرمایه شرکت برسد. چنانچه اندوخته ی قانونی به یک دهم سرمایه شرکت برسد، موضوع نمودن آن اختیاری می شود.

نکته ۳۶۶: **اندوخته ی اختیاری:** تصمیم مجمع عمومی مبنی بر عدم تقسیم سود قابل تقسیم میان سهامداران و اندوخته کردن آن به عنوان اندوخته ی اختیاری.

نکته ۳۶۷: **سود خالص:** در آمد هر سال منهای کلیه هزینه ها و استهلاکات و ذخیره ها.

نکته ۳۶۸: **سود قابل تقسیم:** سود خالص سال مالی منهای زیان های سال های مالی قبل و اندوخته ی قانونی و سایر اندوخته های اختیاری به علاوه سود قابل تقسیم سال های قبل که تقسیم نشده است.

نکته ۳۶۹: **نحوه ی تقسیم سود:** مجمع عمومی پس از تصویب حساب سال مالی و احراز وجود سود قابل تقسیم، مبلغی را که باید به سهامداران تخصیص یابد تعیین می کند.

نکته ۳۷۰: نحوه ی تقسیم سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می شود و اگر مجمع عمومی تصمیمی در این خصوص اتخاذ نکند هیأت مدیره نحوه ی پرداخت آن را تعیین می نماید.

- نکته ۳۷۱: پرداخت سود به صاحبان سهام باید نهایت ظرف ۸ ماه از تصمیم مجمع عمومی به پرداخت سود، انجام شود.
- نکته ۳۷۲: انحلال شرکت سهامی و تصفیه آن: موارد انحلال شرکت سهامی در ماده ۱۹۹ در ۵ بند بیان شده است و ورشکستگی یکی از موارد آن می باشد.
- نکته ۳۷۳: موارد تقاضای افراد ذینفع از دادگاه برای انحلال شرکت (با اعطای مهلت شش ماهه توسط دادگاه برای رفع موجبات انحلال):
۱. اگر تا ۱ سال از زمان به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت موضوع شرکت نشود و مجمع عمومی فوق العاده جهت انحلال شرکت تشکیل نشود.
 ۲. اگر فعالیت های شرکت برای مدتی بیش از ۱ سال متوقف شده باشد و مجمع عمومی فوق العاده جهت انحلال شرکت تشکیل نشود.
 ۳. اگر تا ۱۰ ماه از تاریخی که اساسنامه مقرر کرده مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب سال مالی قبل تشکیل نشود.
 ۴. اگر سمت مدیران یا برخی از اعضاء هیأت مدیره برای مدتی بیش از ۶ ماه بالاتصدی مانده باشد.
- نکته ۳۷۴: امر تصفیه شرکت با رعایت مقررات قانون شرکت های سهامی و برعهده مدیران شرکت است مگر در خصوص ورشکستگی شرکت.
- نکته ۳۷۵: اگر دادگاه شرکت را منحل کند یا شرکت را باطل کند، رأساً مدیر تصفیه را انتخاب می کند.
- نکته ۳۷۶: تا خاتمه ای امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی می ماند.
- نکته ۳۷۷: مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است، مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش بینی شده است دعوت کرده و صورت دارایی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه ای گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. طرح دعوا علیه شرکت منحل که تصفیه ای آن خاتمه نیافته به طرفیت مدیران تصفیه امکان پذیر است.
- نکته ۳۷۸: شخصیت حقوقی شرکت با اتمام امر تصفیه، از بین می رود.
- نکته ۳۷۹: مدیران تصفیه، نماینده ای شرکت در حال تصفیه هستند و تا زمانی که امر تصفیه شرکت در جریان است موظف به خاتمه دادن و اجرای تعهدات شرکت و تقسیم دارایی شرکت بوده و چنانچه معاملات جدیدی برای اجرای تعهدات شرکت لازم باشد، اقدام به انجام معاملات می کنند.
- نکته ۳۸۰: محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه شرکت های سهامی باطل و بلااثر است.
- نکته ۳۸۱: انتقال دارایی شرکت به مدیران تصفیه و اقارب طبقه ای اول و دوم تا درجه ای چهار به هر صورت باطل و بلااثر است و جرم محسوب می شود.
- نکته ۳۸۲: مدت مأموریت مدیران تصفیه دو سال است و اگر مهلت بیشتری لازم باشد مدیران تصفیه باید از مرجعی که آنها را تعیین نموده (حسب مورد مجمع عمومی یا دادگاه) تقاضای تمدید مدت را کنند.

نکته ۳۸۳: مدیران تصفیه توسط مرجعی که آنان را انتخاب نموده است قابل عزل می‌باشند.

نکته ۳۸۴: تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام در صورتی امکان دارد که شروع تصفیه و دعوت بستانکاران حداقل سه بار به فاصله یک ماه در روزنامه‌ی رسمی و کثیرالانتشار منتشر شده و حداقل سه ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

نکته ۳۸۵: دارایی نقدی که در مدت تصفیه مورد احتیاج نباشد، بین صاحبان سهام به نسبت سهامشان تقسیم می‌شود به شرطی که حقوق طلبکاران و دیون مالی موجل موضوع شده باشد.

نکته ۳۸۶: پس از ختم تصفیه و تأدیه‌ی کلیه دیون، دارایی شرکت بدواً به بازپرداخت مبلغ اسمی سهام تخصیص می‌یابد و مازاد بر آن به ترتیب مقرر در اساسنامه تقسیم می‌شود و اگر در اساسنامه ترتیبی مقرر نشده باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم می‌شود.

نکته ۳۸۷: مدیران تصفیه ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام تا در روزنامه‌ی رسمی و روزنامه‌ی کثیرالانتشار درج و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجاری حذف شود. در ختم تصفیه، مجمع عمومی باید حسابهای مدیر تصفیه را تصویب کند.

نکته ۳۸۸: پس از اعلام ختم تصفیه، مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکها نگهداری نموده و صورت طلبکارانی را که طلب خود را دریافت نکرده اند به بانک تسلیم کنند. پس از انقضای ۱۰ سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه، مبالغ باقی مانده در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه‌ی دولت منتقل می‌شود.

نکته ۳۸۹: مسؤولیت مدیران تصفیه در صورت تخلف از مقررات، در برابر طلبکارانی که به طلب خود نرسیده اند اشتراکی یا نسبی است.

نکته ۳۹۰: چنانچه در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیمات اتخاذی توسط هر یک از ارکان شرکت، مقررات قانونی رعایت نشده باشد، بنا به تقاضای هر ذینفعی دادگاه بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور را اعلان می‌نماید اما موسسین و مدیران و بازرسان و سهامداران نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

نکته ۳۹۱: در صورت صدور حکم بر بطلان موارد مذکور، کسانی که مسؤول این بطلان بوده اند در مقابل خسارات وارده مسؤولیت تضامنی دارند.

شرکت با مسؤولیت محدود

نکته ۳۹۲: **شرکت با مسؤولیت محدود:** از شرکت‌های موضوعاً تجاری است. یعنی موضوع فعالیت آن باید اعمال تجاری ذاتی باشد (ماده ۲). شرکت با مسؤولیت محدود برخلاف شرکت‌های سهامی عام و خاص و تعاونی شکلاً تجاری نیست.

نکته ۳۹۳: این شرکت بین حداقل دو نفر و الزاماً برای امور تجاری تشکیل می‌شود. این شرکت از شرکت‌های سرمایه محسوب می‌شود. البته برخی، آن را شرکت شخص می‌دانند.

نکته ۳۹۴: قانون در خصوص حداقل میزان سرمایه در این شرکت ساکت است اما رویه‌ی عملی در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها حداقل سرمایه را یک میلیون ریال قرار داده است.

نکته ۳۹۵: برای تشکیل شرکت با مسئولیت محدود پرداخت کلیه آورده‌ی نقدی شرکا و تقویم و تسلیم آورده‌های غیرنقد آنها الزامیست. بنابراین **اولاً** در شرکت‌های با مسئولیت محدود تعهد به آورده‌ی نقد توسط شرکاء ممنوع است. **ثانیاً** نظر به اینکه تسلیم آورده‌های غیرنقد برای تشکیل این شرکت الزامیست اموالی به عنوان آورده غیرنقد قابل ارائه هستند که مادی و قابل تسلیم باشند بنابراین اموالی از قبیل مطالبات و منافع اشخاص (خدمت یا منفعت) و نیز سهم‌الشرکه سایر شرکت‌های تجاری به عنوان آورده‌ی غیرنقد قابل ارائه به شرکت با مسئولیت محدود نیستند. ثالثاً زمان تشکیل این شرکت پس از تادیه کلیه سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم سرمایه غیر نقدی است.

نکته ۳۹۶: در شرکت‌های با مسئولیت محدود قیمت‌گذاری (تقویم) آورده‌ی غیرنقد با توافق همه‌ی شرکاء به عمل می‌آید و منوط به جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری نیست.

نکته ۳۹۷: قیمت آورده‌های غیرنقد در شرکت‌های با مسئولیت محدود حتماً باید در شرکت نامه قید شود. در غیر این صورت شرکت باطل و بلااثر است. در هیچ شرکت تجاری غیر از شرکت با مسئولیت محدود قید قیمت آورده‌ی غیرنقد در شرکت نامه الزامی نیست.

نکته ۳۹۸: چنانچه برای آورده‌ی غیرنقد شرکت با مسئولیت محدود ارزشی بیش از قیمت واقعی آن تعیین گردد، شرکایی که در این قیمت‌گذاری شرکت کردند به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد.

نکته ۳۹۹: ثبت شرکت با مسئولیت محدود شرط تشکیل آن نیست. هر چند ثبت این شرکت قانوناً الزامی است و ضمانت اجرای عدم ثبت شرکت با مسئولیت محدود عبارت است از: اولاً چنانچه شرکت به ثبت نرسیده باشد مدیر یا مدیران شرکت به جزای نقدی مقرر در ماده ۲۰ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها محکوم خواهد شد. ثانیاً دادستان محلی که شرکت باید در آنجا به ثبت برسد می‌تواند صدور حکم انحلال را از دادگاه بخواهد.

نکته ۴۰۰: شرکت با مسئولیت محدود از صدور هر نوع ورقه‌ی بهادار از قبیل اوراق سهام، اوراق قرضه و اوراق مشارکت ممنوع است. شرکای این شرکت در ازای آورده‌ی خود مالک سهم‌الشرکه می‌شوند نه سهام. برخلاف شرکت‌های سهامی و تعاونی که به شرکای آن سهم تعلق می‌گیرد.

نکته ۴۰۱: مسئولیت هر شریک **تا میزان** سرمایه ای است که در شرکت گذاشته است.

نکته ۴۰۲: شرکای شرکت تجاری، تاجر محسوب نمی‌شوند مگر آنکه شغل معمول آنها شخصاً اعمال تجاری مصرح در ماده‌ی ۲ قانون تجارت باشد.

نکته ۴۰۳: شرط وجود حداقل دو شریک هم در زمان تشکیل شرط است و هم لازمه‌ی بقاء و ادامه‌ی شرکت می‌باشد.

نکته ۴۰۴: **استثنائات مسئولیت شرکا در میزان مسئولیتشان:**

۱. چنانچه عبارت با مسئولیت محدود در اسم شرکت قید **نشود** مسئولیت شرکاء در مقابل بستانکاران تضامنی و نامحدود خواهد بود و شرکت در حکم شرکت تضامنی است ولی از سایر جهات مثل مدیریت، بازرسی، نحوه‌ی تصمیم‌گیری شرکا، تقسیم سود و انحلال و تصفیه تابع مقررات حاکم بر شرکت‌های با مسئولیت محدود است.

۲. چنانچه نام یکی از شرکاء در اسم شرکت **قید شده باشد** آن شریک در حکم شریک ضامن بوده و مسئولیت **تضامنی** دارد. به عبارت دیگر شریکی که نام او در کنار اسم شرکت قید شده در حکم شریک ضامن است. پس چنانچه نام یکی از شرکای شرکت با مسئولیت محدود در کنار اسم شرکت قید شده باشد این شرکت از حیث مسئولیت شرکاء در مقابل

بستانکاران در حکم شرکت مختلط غیرسهامی است ولی از سایر جهات تابع مقررات حاکم بر شرکت‌های با مسئولیت محدود است.

۳. زمانی که تمام سرمایه‌ی نقدی شرکت تأدیه نشده باشد شرکت باطل است و شرکاء مسئولیت تضامنی دارند.

۴. زمانی که سهم الشرکه غیرنقدی تقویم و تسلیم نشده باشد شرکت باطل است و شرکاء مسئولیت تضامنی دارند.

۵. شرکاء نسبت به تقویم برخلاف واقع سهم الشرکه و یا قید نکردن صریح میزان تقویم سهم الشرکه غیر نقد مسئولیت تضامنی دارند.

نکته ۴۰۵: مرور زمان دعاوی مسئولیت در این شرکت ۱۰ سال می‌باشد.

نکته ۴۰۶: سرمایه بر دو نوع است: یا نقدی است یا غیرنقدی (اموال مادی مانند ملک یا غیرمادی مانند حق اختراع، حق کسب و پیشه....).

نکته ۴۰۷: برخلاف شرکت سهامی که جلب نظر کارشناس رسمی برای ارزیابی آورده‌ی غیر نقد الزامی است، در شرکت با مسئولیت محدود تقویم آن با شرکاء می‌باشد.

نکته ۴۰۸: برخلاف شرکت سهامی که آورده‌ی غیرنقد با اسناد مالکیت آن باید نزد بانک تودیع شود در شرکت با مسئولیت محدود آورده به مدیرعامل شرکت تسلیم می‌شود.

نکته ۴۰۹: سهم الشرکه به صورت اوراق تجاری قابل انتقال در نمی‌آید و قابل انتقال نمی‌باشد مگر با رضایت اکثریت عددی شرکاء که حداقل سه چهارم سرمایه متعلق به آنها است که باید به موجب سند رسمی باشد. (انتقال سهم الشرکه در این شرکت عقدی تشریفاتی محسوب می‌شود).

نکته ۴۱۰: مدیریت در این شرکت از بین اعضا یا خارج از آن و برای مدتی محدود یا نامحدود خواهد بود.

نکته ۴۱۱: در شرکت‌های با مسئولیت محدود لازم نیست مدیر یا مدیران شرکت شریک شرکت باشند برخلاف شرکت‌های سهامی عام و خاص و تعاونی و مختلط سهامی و غیرسهامی که مدیران آنها حتماً باید شریک شرکت باشند.

نکته ۴۱۲: در سه شرکت تعیین مدیر از بین شرکا الزامی نیست: نسبی، مسئولیت محدود و تضامنی.

نکته ۴۱۳: انتخاب شخصی که حکم ورشکستگی او صادر شده به عنوان مدیر شرکت با مسئولیت محدود بلامانع است.

نکته ۴۱۴: شرکاء می‌توانند اختیارات مدیران را محدود کنند و برخلاف شرکت‌های سهامی چنانچه این محدودیت در اساسنامه شرکت قید شود در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد است. در غیر این صورت صرفاً در رابطه‌ی بین شرکاء و مدیران معتبر است و نسبت به اشخاص ثالث قابلیت استناد ندارد.

نکته ۴۱۵: اتخاذ تصمیم در شرکت با مسئولیت محدود: در شرکت‌های با مسئولیت محدود برای تصمیم‌گیری در امور شرکت توسط شرکاء تشکیل مجمع عمومی الزامی نیست مگر اینکه تعداد شرکای این شرکت بیش از ۱۲ شریک (حداقل ۱۳ شریک) باشد که در این صورت باید در هر سال حداقل یک مرتبه مجمع عمومی تشکیل دهند.

نکته ۴۱۶: تصمیمات امور جاری در شرکت با اکثریت حداقل نصف سرمایه اتخاذ می‌شود و در مرتبه‌ی دوم با اکثریت عددی شرکا اتخاذ می‌شود مگر اساسنامه اکثریت بیشتری در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر در شور دوم تصمیم‌گیری با اکثریت مطلق عددی به عمل می‌آید.

نکته ۴۱۷: این تصمیمات عبارتند از:

۱. انتخاب مدیران

۲. عزل مدیران در صورتی که مدیر در اساسنامه انتخاب نشده باشد.

۳. انتخاب بازرس یا بازرسان

۴. عزل بازرس یا بازرسان در صورتی که در اساسنامه قید نشده باشد.

۵. تعیین اشخاصی غیر از مدیران شرکت به عنوان متصدی یا مدیر تصفیه شرکت

۶. تصمیم‌گیری در خصوص اعطای حق سازش یا ارجاع دعاوی شرکت در حال تصفیه به مدیر یا مدیران تصفیه

نکته ۴۱۸: تصمیمات راجع به تغییرات اساسنامه و انتقال سهم الشرکه با اکثریت عددی شرکا که حداقل سه چهارم سرمایه (سه ربع =

۷۵٪) را دارا باشند اتخاذ می‌شود. به عبارت دیگر تصمیم‌گیری در خصوص تغییر اساسنامه شرکت و انتقال سهم‌الشرکه توسط یکی از شرکا به شخص دیگر باید با موافقت دارندگان لااقل سه چهارم سرمایه‌ی شرکت که از نظر عددی در اکثریت مطلق (نصف + ۱) هستند به عمل آید.

نکته ۴۱۹: تصمیم‌گیری در خصوص انحلال شرکت باید با موافقت دارندگان بیش از نصف سرمایه شرکت صورت گیرد.

نکته ۴۲۰: هر شریک به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای حق رأی می‌باشد مگر اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

نکته ۴۲۱: اکثریت‌های قانونی قابل افزایش هستند اما قابل کاهش نمی‌باشند.

نکته ۴۲۲: تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء به نسبت سرمایه است مگر اساسنامه تغییر دیگری در نظر گرفته باشد.

نکته ۴۲۳: هر شرکت با مسئولیت محدود که تعداد شرکا آن بیش از ۱۲ نفر باشد باید هیأت نظاری تشکیل دهد. این هیأت باید از بین شرکا انتخاب شود. بنابراین در شرکت‌های با مسئولیت محدودی که تعداد شرکای آن ۱۲ نفر یا کمتر است انتخاب هیأت نظار اختیاری است.

نکته ۴۲۴: تشکیل سرمایه‌ی احتیاطی: در شرکت با مسئولیت محدود شرکاء باید یک بیستم از سود خالص سالیانه را به عنوان اندوخته‌ی قانونی منظور نمایند. تا زمانی که میزان آن به یک دهم سرمایه شرکت برسد و اگر سرمایه‌ی شرکت افزایش یابد منظور نمودن اندوخته قانونی تا زمانی که میزان آن به یک دهم سرمایه برسد ادامه می‌یابد.

نکته ۴۲۵: در شرکت‌های با مسئولیت محدود اصولاً انتخاب بازرس الزامی نیست مگر اینکه تعداد شرکا بیش از ۱۲ شریک یا حداقل ۱۳ شریک باشد که در این صورت باید برای شرکت هیأت نظارت تشکیل شود.

نکته ۴۲۶: در مواردی که انتخاب هیأت نظارت الزامی است، تعداد اعضای این هیأت حداقل باید سه عضو باشد و همگی اعضای هیأت باید از بین شرکای شرکت انتخاب شوند.

نکته ۴۲۷: مدیران شرکت‌های با مسئولیت محدود لازم نیست شریک شرکت باشند ولی بازرسان این شرکت در مواردی که انتخاب بازرس قانوناً الزامی است باید حتماً شریک باشند.

نکته ۴۲۸: در مواردی که انتخاب بازرس برای شرکت با مسئولیت محدود قانوناً الزامی نیست شرایط بازرس چنانچه انتخاب آن در اساسنامه قید شده باشد به موجب اساسنامه تعیین می‌شود. لذا در اساسنامه می‌توانند شرط کنند که بازرس از بین شرکاء یا خارج از شرکاء انتخاب شود.

نکته ۴۲۹: موارد انحلال شرکت با مسئولیت محدود:

۱. اگر موضوعی که شرکت برای آن تشکیل شده است انجام شده یا انجام آن موضوعاً منتفی شود.
 ۲. در صورتیکه مدت شرکت منقضی شده و شرکا آن را تمدید نکرده باشند.
 ۳. در صورت ورشکستگی شرکت
 ۴. تصمیم عده‌ای از شرکا که بیش از نصف سرمایه شرکت را داشته باشند.
 ۵. اگر نیمی از سرمایه شرکت به واسطه ضررهای وارده از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلائل وی را موجه دانسته و سایر شرکاء سهمی را که در صورت انحلال به وی تعلق می‌گیرد به وی پرداخت نکرده و او را از شرکت خارج نکرده باشند.
 ۶. در صورت فوت یکی از شرکا به شرط آنکه در اساسنامه به انحلال شرکت در اثر فوت شرکا تصریح شده باشد.
- نکته ۴۳۰:** طلبکاران این شرکت و افراد ذینفع برخلاف شرکت‌های سهامی یا شرکت‌های شخصی و شرکت‌های مختلط حق تقاضای انحلال شرکت را ندارند.
- نکته ۴۳۱:** اگر در اساسنامه از فوت شریک به عنوان یکی از علل انحلال شرکت ذکر نشده باشد با فوت آن شریک، وراث وی مستقیماً شریک شرکت می‌شوند.
- نکته ۴۳۲:** ورشکستگی شرکت موجب ورشکستگی شریک نخواهد بود مگر آنکه آن شریک شخصاً تاجر بوده و به حکم قانون در حکم شریک ضامن در شرکت باشد و پس از مراجعه‌ی طلبکاران به وی، از پرداخت دیون عاجز باشد و دادگاه حکم به ورشکستگی وی دهد.

شرکت تضامنی

- نکته ۴۳۳:** شرکت تضامنی: شرکتی است که بین حداقل دو نفر تشکیل می‌شود و این شرکت از شرکت‌های شخص محسوب می‌شود.
- نکته ۴۳۴:** در شرکت تضامنی شرکاء حق رقابت با شرکت را (بدون اجازه سایر شرکا) تحت هیچ عنوانی ندارند ولی در سایر شرکت‌های تجاری مانند مسئولیت محدود، منعی برای رقابت شریک با شرکت وجود ندارد. فقط در شرکت‌های سهامی عام و خاص صرفاً رقابت اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل با شرکت ممنوع است و اگر رقابت آنها موجب ورود زیان به شرکت شود باید آن را جبران کنند.
- نکته ۴۳۵:** مسئولیت شرکاء در این شرکت تضامنی و نامحدود است زیرا شرکا در هنگام تشکیل شرکت نمی‌دانند ضامن چه میزان بدهی خواهند بود.
- نکته ۴۳۶:** مسئولیت هر شریک در مقابل طلبکاران تضامنی است و این امر از قواعد آمره می‌باشد و توافق برخلاف آن بین شرکاء صحیح اما در مقابل اشخاص ثالث باطل و کن لم یکن می‌باشد (شرط تحدید مسئولیت در مقابل اشخاص ثالث کأن لم یکن می‌باشد).

نکته ۴۳۷: شرکت زمانی تشکیل می‌شود که سهم الشرکه‌ی نقدی تأدیه و سهم الشرکه‌ی غیر نقدی توسط کلیه شرکاء تقویم و تسلیم شود. در صورت عدم رعایت این امر شرکت باطل است اما شرکا حق استناد به این بطلان در مقابل اشخاص ثالث را ندارند.

نکته ۴۳۸: روابط شرکاء در این شرکت تابع شرکت نامه می‌باشد.

نکته ۴۳۹: تقسیم منافع در این شرکت به نسبت سهم الشرکه است مگر آنکه شرکت نامه ترتیب دیگری مقرر نموده باشد.

نکته ۴۴۰: انتقال سهم الشرکه در شرکت تضامنی که شرکت شخص محسوب می‌شود با رضایت تمامی شرکا صورت می‌گیرد. چنانچه این انتقال قهری باشد (در اثر فوت شریک)، شرکای دیگر در ابقاء یا انحلال شرکت مختارند.

نکته ۴۴۱: مراجعه‌ی طلبکاران شرکت به شرکا: طلبکاران فقط زمانی می‌توانند به شرکا مراجعه نمایند که اولاً شرکت منحل شده باشد و ثانیاً دارایی شرکت کفاف طلب طلبکاران را نکند.

نکته ۴۴۲: مسئولیت شرکاء و روابط آنها: مسئولیت شرکاء در مقابل طلبکاران تضامنی و در مقابل سایر شرکاء، نسبی می‌باشد.

نکته ۴۴۳: مسئولیت شرکا در مقابل طلبکاران تضامنی است به این معنا که: اگر شرکت منحل شود و طلبکار به شریک مراجعه نماید شریک موظف است کلیه طلب طلبکار را پرداخت نماید حتی اگر چندین برابر بیش از سهم وی در شرکت باشد.

نکته ۴۴۴: مسئولیت شرکا در مقابل سایر شرکا نسبی است به این معنا که: شریکی که طلب طلبکار را پرداخت نموده است می‌تواند به هر یک از شرکا به نسبت سهم او مراجعه نماید.

نکته ۴۴۵: تا زمانی که شرکت منحل نشده، طلبکاران شخصی شرکا (طلبکارانی که طلبشان نسبت به شخص تاجر است نه شخص حقوقی شرکت مثل طلب زن بابت مهریه) حقی بر دارایی شرکت ندارند (حق توقیف و تأمین و وصول طلب خود از اموال شرکت).

نکته ۴۴۶: اگر شرکت منحل شود و طلب آن کافی برای طلب طلبکاران نباشد، طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکا نسبت به دارایی شریک حق تقدمی ندارند و هر یک می‌توانند طلب خود را از اموال شریک استیفاء نمایند.

نکته ۴۴۷: طلبکار شخصی شریک حقی نسبت به دارایی شرکت ندارد اما می‌تواند جهت استیفاء طلب خود سهم مدیون را از منافع شرکت که شریک در آن سهم دارد استیفاء نماید. به این صورت که توقیف منافع سهم الشرکه شریک را از دادگاه بخواهد و دایره‌ی اجرای احکام دستوری دال بر توقیف منافع به مدیران شرکت ارسال نموده و از آن تاریخ مدیران نمی‌توانند منافع مذکور را به هیچ عنوانی در اختیار شریک قرار دهند یا در ازای طلب طلبکاران به آنها پرداخت نمایند.

نکته ۴۴۸: دارایی شرکت متعلق به شرکت است در نتیجه، طلبکار شخصی شریک حقی نسبت به دارایی شرکت ندارد اما منافع شرکت متعلق به شرکاء است و طلبکاران شخصی آنها، می‌توانند حتی قبل از انحلال شرکت، جهت استیفاء طلب خود سهم شریک را از منافع شرکت که توقیف نمایند و از دادگاه درخواست توقیف منافع سهم الشرکه شریک را بخواهند.

نکته ۴۴۹: دایره‌ی اجرای احکام، مستند به حکم محکومیت شریک، دستوری دال بر توقیف منافع به مدیران شرکت ارسال نموده و از آن تاریخ مدیران نمی‌توانند هیچ گونه منافع و سودی را به هیچ عنوانی در اختیار شریک قرار دهند یا در ازای طلب طلبکاران به آنها پرداخت نمایند و اگر سود موجد باشد باید پس از حال شدن، آنرا طبق دستور دادگاه به حساب دادگستری واریز کنند.

نکته ۴۵۰: عضویت شرکای شرکت تضامنی و نسبی در شرکت‌های دیگری با موضوع فعالیت مشابه به عنوان شریک ضامن یا با مسؤولیت محدود ممنوع است. البته این ممنوعیت مطلق نیست و با موافقت سایر شرکاء به اتفاق آرا برطرف می‌شود.

نکته ۴۵۱: در سایر شرکت‌های تجاری، ممنوعیتی برای عضویت شریک در شرکت تجاری دیگر با موضوع فعالیت مشابه وجود ندارد مگر شرکت‌های تعاونی که در آنها یکی از شرایط عضویت این است که شریک (متقاضی عضویت) در شرکت تعاونی دیگری با همان موضوع فعالیت عضو نباشد.

نکته ۴۵۲: موارد انحلال شرکت تضامنی:

۱. در صورت پایان مدت شرکت

۲. در صورت انجام موضوع شرکت یا منتفی شدن موضوعی که شرکت برای آن تشکیل گردیده است.

۳. ورشکستگی شرکت

۴. تراضی تمامی شرکاء

۵. تقاضای یکی از شرکاء از دادگاه و موجه دانستن آن دلایل از طرف دادگاه

۶. فسخ یکی از شرکاء در صورتی که به قصد اضرار نباشد و شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام نموده باشد (حق فسخ نیز طبق اساسنامه از شرکا سلب نشده باشد).

۷. در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء در صورتی که مدیر تصفیه تقاضای انحلال شرکت را کرده باشد و شرکت مدیر تصفیه را منصرف نکرده باشند.

۸. در صورت فوت یا محجوریت شریک، بقاء شرکت منوط به رضایت شرکاء و قائم مقام متوفی است و اگر قائم مقام متوفی ظرف یک ماه از تاریخ فوت، رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام نکرده باشد سکوت وی حمل بر رضایت وی می‌شود.

نکته ۴۵۳: برخلاف شرکت‌های با مسؤولیت محدود در این دو شرکت، شرکاء می‌توانند به هر دلیل موجهی انحلال شرکت را از محکمه بخواهند حتی اگر سرمایه شرکت افزایش هم داشته باشد اما در شرکت با مسؤولیت محدود شریک زمانی می‌تواند درخواست انحلال کند که به واسطه‌ی ضررهای وارده بیش از نصف سرمایه‌ی شرکت از بین رفته باشد.

نکته ۴۵۴: ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شریک ندارد مگر آنکه شرکت منحل شود و طلبکار به شریک مراجعه نماید و شریک از پرداخت طلب عاجز باشد و شخصاً نیز تاجر باشد و طلبکار طرح دعوی نماید و دادگاه توقف شریک تاجر را احراز نماید و حکم به ورشکستگی شریک دهد.

نکته ۴۵۵: به ورشکستگی شرکت تضامنی پس از انحلال آن نیز می‌توان حکم داد مشروط بر آنکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد زیرا با تقسیم دارایی شخصیت حقوقی شرکت کاملاً از بین می‌رود.

شرکت نسبی

- نکته ۴۵۶: **شرکت نسبی:** شرکتی است که بین حداقل دو نفر شریک تشکیل می‌شود.
- نکته ۴۵۷: در این شرکت مسؤولیت شرکاء در مقابل طلبکاران **به نسبت** سرمایه ای است که در شرکت گذاشته‌اند.
- نکته ۴۵۸: شرکت زمانی تشکیل می‌شود که آورده های نقدی شرکاء تأدیه و آورده ی غیرنقدی به تراضی شرکاء تقویم و تسلیم شود.
- نکته ۴۵۹: انتقال سهم الشرکه در این شرکت به تراضی **تمام شرکاء** می‌باشد.
- نکته ۴۶۰: تقسیم منافع در این شرکت به نسبت سرمایه می‌باشد مگر آنکه شرکت نامه ترتیب دیگری مقرر نموده باشد.
- نکته ۴۶۱: طلبکاران شرکت برای وصول طلب خود باید به شرکت مراجعه نمایند و اگر شرکت منحل شود و دارایی شرکت کافی نباشد می‌توانند به شرکا برای وصول طلب خود مراجعه نمایند.
- نکته ۴۶۲: طلبکاران شخصی شریک تا قبل از انحلال شرکت حقی بر **دارایی شرکت** ندارند.
- نکته ۴۶۳: چنانچه شرکت منحل شود برای مراجعه به **دارایی شریک**، شرکای شخصی و شرکای شرکت تقدیمی بر یکدیگر برای مراجعه به دارایی شرکت ندارند.
- نکته ۴۶۴: موارد انحلال شرکت نسبی همان موارد انحلال شرکت تضامنی است.
- نکته ۴۶۵: حداقل اعضاء در این شرکت دو نفر است: حداقل یک شریک با مسؤولیت محدود و حداقل یک شریک ضامن.
- نکته ۴۶۶: مسؤولیت شریک با مسؤولیت محدود فقط تا میزان سرمایه ای است که در شرکت آورده است که این اصل دارای استثنائاتی می‌باشد:
۱. اگر نام شریک با مسؤولیت محدود جزء نام شرکت باشد در مقابل طلبکاران در حکم شریک ضامن خواهد بود.
 ۲. اگر شریک با مسؤولیت محدود معامله ای برای شرکت نماید و تصریح نکند که معامله را در سمت وکالت از طرف شرکت انجام داده است.

شرکت مختلط غیرسهامی

- نکته ۴۶۷: **شرکت مختلط غیرسهامی:** دو دسته اشخاص در این شرکت حضور دارند= حداقل یک شریک با مسؤولیت محدود و یک شریک ضامن.
- نکته ۴۶۸: **شرکای با مسؤولیت محدود:** اصولاً تأمین سرمایه با شرکای با مسؤولیت محدود است. الزامات و قواعد حاکم بر این شرکاء، تابع مقررات شرکت‌های با مسؤولیت محدود است.
- نکته ۴۶۹: مسؤولیت شریک ضامن مسؤولیت تضامنی می‌باشد.
- نکته ۴۷۰: در این شرکت سرمایه از طرف شرکای با مسؤولیت محدود گذاشته می‌شود و شریک ضامن اصولاً بدون گذاشتن سرمایه وارد شده و با کار و صنعت خود در منافع سهیم می‌شود.
- نکته ۴۷۱: اداره ی شرکت برعهده ی شرکای ضامن است. به علاوه شریک ضامن را زمانی می‌توان برای پرداخت قروض تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.

نکته ۷۲: در صورت تعدد شرکای ضامن، رابطه‌ی آنها با طلبکاران مسؤولیت تضامنی است و رابطه‌ی آنها با یکدیگر (روابط شرکای ضامن) تابع مسؤولیت نسبی است.

نکته ۷۳: شریک با مسؤولیت محدود حق نظارت بر امور شرکت را دارد بدون آنکه دخالتی در امر اداره‌ی شرکت داشته باشد.

نکته ۷۴: شریک با مسؤولیت محدود نمی‌تواند شخص ثالثی را با انتقال تمام یا بخشی از سهم الشرکه‌ی خود در شرکت وارد نماید و باید با رضایت سایر شرکاء باشد.

نکته ۷۵: شریکی که بدون رضایت سایر شرکاء به شرکت وارد شده است حق هیچ گونه دخالت و نظارت و تفتیش در امور شرکت را ندارد.

نکته ۷۶: در صورت ورشکستگی شرکت، طلبکار شریک حق بر آن ندارد و دارایی شرکت بین طلبکاران شرکت تقسیم می‌شود.

نکته ۷۷: در تقسیم دارایی شرکت، سهم الشرکه‌ی شرکای با مسؤولیت محدود نیز جزو دارایی شرکت محسوب می‌شود.

نکته ۷۸: در صورت عدم کفایت دارایی شرکت پس از انحلال، طلبکاران شرکت می‌توانند برای استیفای بقیه‌ی طلب خود به دارایی شریک مراجعه کنند و در این حالت تفاوتی بین طلبکاران شریک و طلبکاران شرکت نمی‌باشد.

نکته ۷۹: موارد انحلال شرکت مختلط غیرسهامی، همان موارد انحلال شرکت تضامنی است. مرگ یا محجوریت شرکای با مسؤولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌باشد.

شرکت مختلط سهامی

نکته ۸۰: شرکت مختلط سهامی: شرکتی است که حداقل اعضای آن سه نفر است. حداقل دو شریک سهامی + حداقل یک شریک ضامن (برخی نیز حداقل تعداد اعضاء را چهار نفر دانسته و شرکای سهامی را حداقل سه نفر می‌دانند).

نکته ۸۱: در اسم شرکت باید عبارت شرکت مختلط و اسم یکی از شرکای ضامن قید شود.

نکته ۸۲: تصویب قطعی تقویم یا موجبات مزایا به عمل نمی‌آید و تشکیل شرکت واقع نمی‌شود مگر در جلسه‌ی دیگر مجمع عمومی که برحسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای اینکه در جلسه‌ی دوم تقویم یا موجبات مزایا تصویب شود باید لااقل پنج روز قبل از انعقاد جلسه گزارشی در این خصوص طبع و بین تمام تعهدکنندگان توزیع شده باشد.

نکته ۸۳: تصویب امور مذکور باید به اکثریت دو ثلث تعهدکنندگان حاضر باشد و جلسه‌ی مجمع عمومی قانونی نخواهد بود مگر اینکه از نظر تعداد نصف کل شرکایی که خرید سهام نقدی را تعهد کرده‌اند حاضر بوده و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند.

نکته ۸۴: کسانی که دارای سهم غیرنقدی هستند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که سهم غیرنقدی یا مزایای آنها موضوع رأی است، حق رأی ندارند. آن قسمت از سرمایه غیرنقدی که موضوع مذاکره و رأی است در جزء سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد.

نکته ۸۵: پس از تأدیه تمام سرمایه‌ی شرکت، شرکت محقق می‌شود و مدیر شرکت اقرار به وقوع آن را می‌کند و به دایره‌ی ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت ارائه می‌دهد و به همراه سایر مدارک لازم به ثبت می‌رسد و هرگاه سهام یا قطعات آن زائد بر

پنجاه ریال نباشد تعهدکنندگان باید تمام وجه را تأدیه نمایند والا باید لااقل ثلث قیمت سهام را نقداً بپردازند و در هر حال وجهی که پرداخته می‌شود نباید کمتر از پنجاه ریال باشد.

نکته ۴۸۶: آورده و سرمایه شرکای سهامی به قطعات متساوی القیمت سهم در می‌آید و مسئولیت آنها تا میزان سرمایه ای است که در شرکت گذاشته اند.

نکته ۴۸۷: سرمایه‌ی شریک ضامن به صورت سهام در نمی‌آید و نسبت به بدهی شرکت، مسئولیت تضامنی دارد و اگر شرکای ضامن متعدد باشند و روابط بین این شرکاء برپایه مسئولیت نسبی است اما در مقابل طلبکاران شرکت مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

نکته ۴۸۸: در صورتی که سرمایه شرکت‌های سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هرگاه سرمایه زائد بر دویست هزار ریال باشد سهام و قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود. **ثانیا** مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام موقت صادر نمی‌شود.

نکته ۴۸۹: مدیریت شرکت بر عهده‌ی شرکای ضامن است.

نکته ۴۹۰: وجود هیأت نظار در شرکت مختلط سهامی الزامی است. تعداد هیأت نظار حداقل سه نفر است و از بین شرکای شرکت انتخاب می‌شوند.

نکته ۴۹۱: موارد انحلال شرکت مختلط سهامی:

۱. انقضاء مدت شرکت و عدم تمدید آن
۲. انجام موضوعی که شرکت برای آن تشکیل شده یا منتفی شدن انجام آن
۳. ورشکستگی شرکت
۴. در صورت تصمیم مجمع عمومی در صورتی که اساسنامه این حق را برای مجمع در نظر گرفته باشد (با اکثریت مطلق آراء).
۵. در صورت تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکای ضامن (با اکثریت مطلق آراء)
۶. رفوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن در صورتی که انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه شرط شده باشد.

شرکت تعاونی

نکته ۴۹۲: شرکت تعاونی: ماهیتاً تجاری نیستند چرا که هدف از تشکیل آنها رفع نیازهای مشترک اعضاست نه کسب سود. با این وجود در ماده‌ی ۲۰ ق.ت.، تجاری شناخته شده‌اند. بنابراین تاجر هستند.

نکته ۴۹۳: حداقل تعداد اعضای شرکت تعاونی هفت نفر است. البته با توجه به آیین نامه قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۷۱ این تعداد بر اساس نوع شرکت تعاونی متفاوت است.

نکته ۴۹۴: شرکت‌های تعاونی شرکت‌هایی هستند که **تمام یا حداقل ۵۱٪** سرمایه بوسیله‌ی اعضاء تأمین شود

نکته ۴۹۵: خروج اعضاء از شرکت اختیاری است و فقط اعضای متخصص تعاونی باید شش ماه قبل از استعفاء کتباً موضوع را به شرکت اطلاع دهند.

نکته ۴۹۶: حداقلی برای میزان سرمایه در شرکت تعاونی وجود ندارد.

نکته ۴۹۷: سهم اعضاء در تأمین سرمایه شرکت‌های تعاونی برابر است مگر مجمع عمومی تصویب نماید که اعضاء سهم بیشتری تادیه نمایند.

نکته ۴۹۸: شرکت تعاونی زمانی تشکیل می‌شود که حداقل یک سوم سرمایه‌ی آن تأدیه و آورده‌ی غیرنقدی تقویم و تسلیم شده باشد.

نکته ۴۹۹: پرداخت مبلغ تعهد شده ظرف مهلتی است که اساسنامه شرکت مقرر نموده است.

نکته ۵۰۰: مسؤولیت شرکا در این شرکت اصولاً تا میزان سرمایه متعلق به آنها می‌باشد.

نکته ۵۰۱: در شرکت‌های تعاونی، مسؤولیت شرکاء در قبال دیون شرکت با توجه به نوع طلبکار متفاوت است. اگر بستانکار دولتی باشد یا مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی، مسؤولیت شرکای شرکت تعاونی در قبال دیون شرکت نامحدود است ولی چنانچه بستانکار از بخش خصوصی باشد مسؤولیت شرکاء محدود است به میزان آورده.

نکته ۵۰۲: ارکان شرکت تعاونی: مجمع عمومی، هیأت مدیره، بازرس یا بازرسان

نکته ۵۰۳: در مجامع عمومی، هر عضو بدون درنظر گرفتن سرمایه اش فقط یک رأی دارد.

نکته ۵۰۴: تصویب اساسنامه‌ی شرکت تعاونی با حداقل دو سوم اعضای اولین مجمع عمومی عادی است.

نکته ۵۰۵: اداره‌ی امور تعاونی طبق اساسنامه برعهده‌ی هیأت مدیره ای مرکب از حداقل سه نفر و حداکثر هفت نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضای علی البدل می‌باشد.

نکته ۵۰۶: انتخاب اعضای اصلی و علی البدل با اکثریت نسبی می‌باشد.

نکته ۵۰۷: بازرسان شرکت می‌توانند واحد یا متعدد باشد و برای یک سال مالی انتخاب شده و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

نکته ۵۰۸: هیأت مدیره: اعضای هیأت مدیره برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

نکته ۵۰۹: اداره‌ی امور تعاونی طبق اساسنامه برعهده هیأت مدیره ای مرکب از حداقل سه نفر و حداکثر هفت نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضاء اصلی علی البدل می‌باشند که از بین اعضاء برای مدت سه سال و با رأی مخفی انتخاب می‌گردند.

نکته ۵۱۰: اخذ رأی برای انتخاب اعضای اصلی در یک نوبت به عمل می‌آید. حائزین اکثریت بعد از اعضای اصلی به ترتیب اعضاء علی البدل شناخته می‌شوند و انتخاب مجدد هر یک از اعضای اصلی و علی البدل هیأت مدیره حداکثر برای دو نوبت متوالی بلامانع است.

نکته ۵۱۱: انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیأت مدیره با اکثریت نسبی مجمع عمومی می‌باشد.

نکته ۵۱۲: هیأت مدیره در اولین جلسه از میان خود یک نفر را به عنوان رییس هیأت مدیره، یک نفر را به عنوان نایب رییس و یک یا دو نفر را به عنوان منشی انتخاب می‌کند.

نکته ۵۱۳: در صورت استعفاء، فوت، ممنوعیت قانونی و یا غیبت غیر موجه مکرر (به نحوی که در اساسنامه تعیین می‌شود) اعضای هیأت مدیره، یکی از اعضای علی البدل به ترتیب آرای بیشتر برای بقیه مدت مقرر به جانشینی وی در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌نماید.

نکته ۵۱۴: اعضای هیات مدیره می‌توانند با تصویب مجمع عمومی حقوق و مزایا دریافت نمایند.

نکته ۵۱۵: در صورتی که عضو هیات مدیره از محل دیگری حقوق می‌گیرد در تعاونی مربوط صرفاً پاداش دریافت خواهد کرد.

نکته ۵۱۶: موارد انحلال شرکت تعاونی:

۱. تصمیم مجمع عمومی فوق العاده.

۲. کاهش تعداد اعضا از حد نصاب در صورتی که ظرف ۳ ماه تعداد اعضا به نصاب مقرر نرسد.

۳. انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه و عدم تمدید مدت آن

۴. توقف فعالیت بیش از یک سال بدون عذر موجه

۵. عدم رعایت قوانین و مقررات مربوطه پس از سه بار اخطار کتبی

۶. ورشکستگی شرکت

نکته ۵۱۷: **اخراج از عضویت:** در موارد زیر عضو از شرکت تعاونی اخراج می‌شود: تشخیص موارد ذیل بنا به پیشنهاد هریک

از مدیران و تصویب مجمع عمومی خواهد بود:

۱. از دست دادن هریک از شرایط عضویت

۲. عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی توسط هیات مدیره به فاصله‌ی ۱۵ روز از

تاریخ اخطار دوم با تصویب مجمع عمومی عادی

۳. ارتکاب اعمالی که موجب زیان مادی تعاونی شود و وی نتواند ظرف مدت یک سال آن را جبران نماید یا اعمالی که به

حیثیت و اعتبار تعاونی لطمه وارد کند یا با تعاونی رقابتی ناسالم به نماید.

در صورت لغو عضویت به سبب فوت، استعفا، انحلال و اخراج، سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو برابر مقررات اساسنامه و

قرارداد منعقد محاسبه و به دیون تعاونی تبدیل می‌شود و پس از کسر بدهی وی به تعاونی به او یا ورثه اش حداکثر ظرف مدت

سه ماه پرداخت خواهد شد.

نکته ۵۱۸: اگر تعداد ورثه بیش از ظرفیت تعاونی باشد، یک یا چند نفر به تعداد مورد نیاز تعاونی با توافق سایر وراث، عضو تعاونی

شناخته می‌شوند.

نکته ۵۱۹: وزارت تعاون می‌تواند در صورت احراز تخلف در اداره‌ی امور شرکت‌ها یا اتحادیه‌های تعاونی مراتب را به دادگاه

صالح اعلام و دادگاه موظف است خارج از نوبت در رسیدگی مقدماتی در صورت احراز تخلف حکم تعلیق مدیران شرکت‌ها و

اتحادیه‌های تعاونی یاد شده را صادر نماید. در این صورت وزارت تعاون موظف است به طور موقت افرادی را برای تشکیل

مجمع عمومی و انتخاب هیات مدیره جدید منصوب نماید.

شرکت‌های دانش بنیان

نکته ۵۲۰: **شرکت‌های دانش بنیان:** وفق قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری‌ها و

اختراعات که با عنوان لایحه‌ی حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری‌ها و اختراعات به مجلس شورای

اسلامی تقدیم گردیده بود، در تاریخ ۸۹/۸/۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نکته ۵۲۱: این شرکت‌ها دارای اوصاف ذیل هستند: شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم افزایی علم و ثروت، توسعه‌ی اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه‌ی فناوری های برتر و با ارزش افزوده فراوان به ویژه در تولید نرم افزارهای مربوط تشکیل می‌شود. شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و نیز شرکت‌ها و مؤسساتی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از مالکیت آنها متعلق به شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی باشد، مشمول حمایت‌های این قانون نیستند.

نکته ۵۲۲: **تصفیه شرکت‌ها:** تصفیه شرکت بر عهده مدیر یا مدیران شرکت است مگر آنکه انحلال بر اثر ورشکستگی باشد که در این صورت با اداره‌ی تصفیه ورشکسته یا مدیر تصفیه تعیین شده توسط دادگاه خواهد بود.

نکته ۵۲۳: شرکت سهامی پس از انحلال و در طول تصفیه شخصیت حقوقی خود را حفظ می‌کند. البته باید توجه داشت که طبق ماده ۲۰۸ لایحه‌ی بقای شخصیت حقوقی شرکت در راستای انجام اموری است که برای تصفیه شرکت لازم است.

نکته ۵۲۴: با بقای شخصیت حقوقی شرکت، مستند به مواد ۲۰۶ و ۲۰۳ قانون، اهلیت و نام و نشانی شرکت و دارایی شرکت برای انجام امور تصفیه باقی می‌ماند. البته در کنار نام شرکت باید عبارت «در حال تصفیه» قید شود و حتی امکان صدور حکم ورشکستگی شرکت نیز در حین تصفیه وجود دارد.

نکته ۵۲۵: مدیر تصفیه می‌تواند در راستای اجرای تعهدات باقی مانده شرکت هر عمل حقوقی —معامله و...— انجام دهد.

نکته ۵۲۶: هرگاه در حین تصفیه معلوم شود که شرکت ورشکسته است، می‌توان حکم ورشکستگی آن را از دادگاه تقاضا کرد (ماده ۲۰۳ لایحه).

نکته ۵۲۷: در شرکت های مختلط سهامی و غیر سهامی که دارای شرکای ضامن است انتخاب مدیر تصفیه با شرکای ضامن خواهد بود و در صورت اختلاف دادگاه مدیر تصفیه تعیین می‌کند.

نکته ۵۲۸: در شرکت های مختلط سهامی و غیر سهامی شرکای غیرضامن می‌توانند یک یا چند نفر را برای نظارت بر امر تصفیه معین نمایند.

نکته ۵۲۹: مدیر تصفیه اقدامات لازم را جهت تصفیه از قبیل حفظ اموال و پرداخت دیون و انجام معاملات جدید که برای اجرای تعهدات شرکت لازم است را انجام می‌دهد.

نکته ۵۳۰: چنانچه در حین تصفیه متوجه شوند دارایی شرکت کفاف کلیه دیون را نمی‌کند باید از دادگاه تقاضای صدور ورشکستگی نمایند و پس از صدور حکم امر تصفیه با اداره تصفیه یا مدیر تصفیه تعیینی دادگاه خواهد بود.

نکته ۵۳۱: تقسیم دارایی شرکت در حین تصفیه در صورتی امکان دارد که ابتدائاً سه مرتبه در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار آگهی شده و یک سال از تاریخ انتشار آن گذشته باشد.

نکته ۵۳۲: اصولاً تقسیم دارایی پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و پرداخت تمام بدهی‌های شرکت انجام می‌گیرد اما مستند به ماده ۲۲۳ لایحه مدیر تصفیه می‌تواند آن قسمت از دارایی نقدی شرکت را که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین شرکا به نسبت سهام تقسیم می‌کند.

نکته ۵۳۳: وفق قانون مالیاتهای مستقیم، مدیران تصفیه اشخاص حقوقی مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ انحلال اظهارنامه‌ی مالیاتی مربوط به آخرین دوره‌ی عملیات شرکت را بر اساس ماده ۸۵ تنظیم و به دفتر ممیزی مالیاتی مربوط تسلیم و ترتیب پرداخت مالیات متعلق را بدهند.

نکته ۵۳۴: ممیز مالیاتی مکلف است به اظهارنامه‌ی مربوط به آخرین دوره‌ی عملیات اشخاص حقوقی خارج از نوبت رسیدگی نموده و در صورتی که به مندرجات آن اعتراضی داشته باشد منتهی ظرف یک سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه مالیات متعلق را به موجب برگ تشخیص تعیین و ابلاغ نماید و اگر نه مالیات متعلق به اظهارنامه تسلیمی به وسیله‌ی مدیران تصفیه قطعی تعلق می‌گردد.

نکته ۵۳۵: انتقال دارایی شرکت به مدیران تصفیه و اقارب طبقه اول و دوم تا درجه‌ی چهار به هر صورت باطل و بلااثر است.

نکته ۵۳۶: مدیران تصفیه ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام می‌کنند تا در روزنامه‌ی رسمی و روزنامه‌ی کثیرالانتشار درج و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجارتي حذف شود و تا زمانیکه انحلال به ثبت نرسیده است در مقابل اشخاص ثالث بلااثر است.

نکته ۵۳۷: پس از اعلام ختم تصفیه، مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکها نگهداری نموده و صورت طلبکارانی را که طلب خود را دریافت نکرده اند به بانک تسلیم کنند.

نکته ۵۳۸: پس از انقضاء ۱۰ سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه، مبالغ باقی مانده درحکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه‌ی دولت منتقل می‌شود.

نکته ۵۳۹: این اموال و کلیه اموالی که در حکم مال بلاصاحب باشند در اختیار سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی قرار می‌گیرد تا در جمع‌آوری و نگهداری و اداره‌ی آن اقدام نماید و فروش این قبیل اموال منوط به حکم قضایی یا قانون است.

نکته ۵۴۰: ادغام شرکت‌ها: ادغام اقدامی است که براساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند.

نکته ۵۴۱: ادغام یا ترکیب شرکت ها از لحاظ مقررات مالیاتی به دو صورت ذیل می‌باشد:

نکته ۵۴۲: الف - انتقال دارایی ها و بدهی های یک یا چند شرکت به یک شرکت دیگر که از این پس شرکت موجود نامیده می‌شود، به طوری که شرکت های ادغام شونده منحل می‌شوند لکن شرکت موجود نام و هویت خود را حفظ کرده و دارایی و بدهی آن به میزان جمع دارایی و بدهی شرکت های ادغام شونده افزایش می‌یابد.

نکته ۵۴۳: ب - انتقال دارایی ها و بدهی های یک یا چند شرکت به شرکت جدید، به طوری که شرکت های ادغام شونده منحل شده و میزان دارایی و بدهی شرکت جدید معادل جمع دارایی ها و بدهی های شرکت های ادغام شونده خواهد بود.

نکته ۵۴۴: ادغام یا ترکیب شرکت ها به یکی از دو طریق فوق مشروط به آن است که مجوز قانونی آن تحصیل شده باشد.

نکته ۵۴۵: اصولاً در مورد ادغام دو شرکت، یکی از شرکت‌ها وضعیت اقتصادی بهتری دارد. در این حالت سهامداران شرکتی که رونق بیشتری دارد اصولاً تقاضای امتیازاتی می‌کنند که این امتیازات اصولاً در قالب سهام ممتاز اعطا می‌شود.

نکته ۵۴۶: ادغام شرکت های بیمه و انتقال عملیات: وفق مادهی ۵۴ موسسات بیمه می توانند با موافقت بیمه ی مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه تمام یا قسمتی از پورتفوی خود را با کلیه حقوق و تعهدات ناشی از آن به یک یا چند موسسه بیمه مجاز دیگر واگذار کنند

نکته ۵۴۷: ادغام شرکت های تجاری، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقاء یکی از شرکت ها - شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چند جانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت های ادغام شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید - شرکت جدید)، در چهارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت های تجاری موضوع ادغام، مجاز است. کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می شود.

نکته ۵۴۸: انحصار عبارت است از وضعیتی در بازار که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولید کننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد یا ورود و خروج بنگاه های جدید به بازار با محدودیت مواجه باشد.

نکته ۵۴۹: سرمایه ی شرکتی که از ادغام شرکت های موضوع این بند حاصل می گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت های ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون مالیات های مستقیم مصوب و اصلاحیه های آن معاف است.

اسناد تجاری

نکته ۵۵۰: اسناد تجاری شامل برات، سفته و چک. اسنادی قابل نقل و انتقال هستند و متضمن دستور پرداخت مبلغی معین (موضوع اسناد تجاری وجه نقد است) به رؤیت یا به سررسید کوتاه مدت هستند و به جای پول وسیله ی پرداخت قرار می گیرند و از امتیازات ویژه برخوردار هستند.

نکته ۵۵۱: اسناد تجاری، اسناد عادی هستند. فقط در مورد چک قانونگذار آنرا از حیث اجراء، در حکم سند رسمی به شمار آورده است. یعنی برای وصول آنها علاوه بر اقدام از طریق دادگستری، می توان از طریق ادارات اجرای ثبت نیز اقدام نمود.

نکته ۵۵۲: وفق مادهی ۲۲۵ مکرر ق.آ.د.م، خواننده در دعاوی مدنی می تواند برای تادیه خسارتی که ممکن است از بابت هزینه ی دادرسی و حق الوکاله به وی وارد شود از دادگاه تقاضای تأمین نماید که تأمین دعاوی واهی نام دارد و دادگاه در صورتی که تقاضای او را موجه بداند باید قرار تأمین صادر کند اما در دعاوی که مستند آن برات یا سفته یا چک باشد تقاضای تأمین دعاوی واهی از خواننده پذیرفته نمی شود.

نکته ۵۵۳: در حقوق مدنی، هرگاه بدهکار تقاضا کند، دادگاه می تواند مطابق اوضاع و احوال برای او مهلت پرداخت معین کند یا مقرر کند که به اقساط بپردازد (مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ ق.م.د) درحالی که هیچ دادگاهی نمی تواند بدون رضایت دارنده ی برات برای پرداخت وجه آن به مدیون مهلت اعطاء کند (ماده ۲۶۹).

نکته ۵۵۴: در حقوق مدنی تجزیه دین، ممکن نیست و طلبکار می تواند، چنین پیشنهادی را از جانب مدیون رد کند (ماده ۲۷۷ قانون مدنی). نتیجه این قاعده این است که هرگاه مدیون قسمتی از دین را در صندوق دادگستری بسپارد نسبت به قسمت پرداخت شده بری الذمه نمی گردد اما در اسناد تجاری (به جز چک)، تجزیه ی دین پیش بینی شده است و اگر مقداری از

وجه سند پرداخت شود، مسؤول سند به نسبت پرداخت شده بری می‌شود و دارنده فقط نسبت به باقی مانده وجه سند می‌تواند اعتراض عدم تأدیه کند(ماده ۲۶۸ ق.ت) اما در مورد چک نمی‌توان دارنده را ملزم به دریافت قسمتی از چک نمود.

نکته ۵۵۵: سند تجاری، سندی است مجرد که متضمن یک تعهد تجاری با ویژگی های خاص خود است و نمی‌توان مقررات قانون مدنی را در آن حاکم دانست.

نکته ۵۵۶: برات دهنده با صدور برات، طلب خود را از براتگیر وصول و بدهی خود را به دارنده‌ی برات پرداخت می‌کند.

نکته ۵۵۷: بازرگان ورشکسته در صورتی مجاز به صدور برات است که قرارداد ارفاقی تنظیم نموده باشد. اگر براتی توسط شخص فاقد اهلیت صادر شود قابلیت پرداخت ندارد اما اگر همین سند مورد ظهرنویسی قرار گیرد به استناد اصل استقلال امضات، مسؤولین بعدی باید وجه برات را پرداخت کنند. به عبارت دیگر در صورتی که صادر کننده برات محجور باشد، براتگیر و سایر مسؤولین سند تجاری نمی‌توانند به این ایراد استناد کنند (اصل استقلال امضاها).

نکته ۵۵۸: محتمل است برات از سوی چند نفر به عنوان صادرکننده، امضاء یا مهر شود و به عبارتی صادرکنندگان متعدد باشند. در خصوص مسؤولیت آنها دو نظر وجود دارد:

۱. مسؤولیت نسبی: طبق این نظر هر کدام از صادرکنندگان مسؤولیت پرداخت نیمی از سند را دارند.

۲. مسؤولیت تضامنی: طبق این نظر هر کدام از صادرکنندگان در مقابل دارنده مسؤولیت تضامنی دارند.

نکته ۵۵۹: شرایط شکلی برات علاوه بر مهر و امضاء، ۸ مورد است.

نکته ۵۶۰: نوشته ای که مهر و امضاء نداشته باشد، سند محسوب نمی‌شود.

نکته ۵۶۱: طبق بند ۲ ماده ۲۲۳ ق.ت، تاریخ تحریر برات باید ذکر شود. فواید ذکر تاریخ صدور عبارت است از:

۱. مشخص می‌شود که صادر کننده در تاریخ صدور اهلیت لازم را داشته است یا خیر. در صورتی که صادرکننده محجور باشد موجب بی اعتباری تعهد وی خواهد بود ولی سایر امضاء کنندگان مسؤولیت خواهند داشت.

۲. تشخیص اهلیت صادرکننده برای صدور برات: به موجب بند ۲ ماده ۴۲۳ تاجر پس از تاریخ توقف حق تأدیه‌ی قرض به هیچ وسیله ای نخواهد داشت.

۳. تشخیص نوع برات. اگر سررسید برات یک یا چند ماه از تاریخ صدور برات باشد، در این حال تعیین سررسید برات از تاریخ تحریر تعیین می‌شود.

نکته ۵۶۲: ذکر نام محال علیه (براتگیر): یعنی شخصی که باید وجه برات را تأدیه کند، الزامی است و ممکن است محال علیه شخص حقیقی یا حقوقی باشد.

نکته ۵۶۳: براتگیر می‌تواند خود براتکش باشد در این صورت سند سفته محسوب می‌شود.

نکته ۵۶۴: چنانچه برات برعهده‌ی شعبه‌ی شخص حقوقی توسط شرکت مادر یا شعبه‌ی دیگر صادر شود، صدور برات برعهده‌ی شخص ثالث محسوب می‌شود.

نکته ۵۶۵: تعیین مبلغ برات، الزامی است و مبلغ برات باید با تمام حروف نوشته شود اما اگر با عدد باشد ضمانت اجرایی ندارد.

نکته ۵۶۶: چنانچه مبلغ برات دوبار نوشته شود و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است.

نکته ۵۶۷: چنانچه مبلغ با حروف و عدد نوشته شود و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است.

نکته ۵۶۸: تاریخ تأدیهی برات که همان سررسید برات است باید در برات قید شود و ممکن است توسط دارنده و به وکالت از صادرکننده بعد از صدور برات تعیین شود و ایرادی ندارد.

نکته ۵۶۹: بیان مکان تأدیهی برات الزامی است و عبارت است از محلی که دارنده باید برات را به محال علیه برای قبولی و پرداخت ارائه دهد.

نکته ۵۷۰: اگر مکان تأدیهی برات و محل اقامت براتگیر متفاوت باشد، برای طرح دعوی به استناد ماده ۱۳ ق.آ.د.م هم دادگاه محل اقامت براتگیر و هم دادگاه محل تأدیه صالح به رسیدگی می‌باشند.

نکته ۵۷۱: اسناد تجاری به چهار صورت می‌تواند صادر شود.

نکته ۵۷۲: در وجه شخص معین که با نام شخصی که دارندهی برات است صادر می‌شود و ممکن بر روی برات عبارت حواله کرد خط خورده باشد یا عبارت غیرقابل انتقال ذکر شده باشد، درچنین صورتی انتقال برات ایرادی ندارد اما انتقال تابع ظهرنویسی تجاری نبوده و مشمول مقررات انتقال طلب مدنی است.

نکته ۵۷۳: به حواله کرد: شخصی که نامش روی برات است می‌تواند شخصاً به براتگیر مراجعه یا برات را از طریق ظهرنویسی به دیگری حواله دهد(انتقال).

نکته ۵۷۴: در وجه یا حواله کرد: در این صورت دارنده می‌تواند خودش برای وصول اقدام کند و یا برات را به دیگری منتقل کند(حواله دهد).

نکته ۵۷۵: در وجه حامل: سند در وجه حامل یعنی هر کس می‌تواند آنرا به محال علیه ارائه دهد و وجه سند را مطالبه کند.

نکته ۵۷۶: نام دارندهی برات یعنی شخصی که برات در وجه یا به حواله کرد او پرداخت می‌شود، باید در سند برات قید شود. در نتیجه صدور برات در وجه حامل ممنوع است (برخلاف سفته و چک).

نکته ۵۷۷: ذکر اینکه برات نسخه چندم است، در برات اجباری است.

نکته ۵۷۸: فایدهی صدور برات در چند نسخه در تسهیل اخذ قبولی است. به استناد ماده ۲۶۱ ق.ت در صورت گم شدن یکی از نسخ می‌توان با ارائه‌ی نسخه دیگر، قبولی برات را مطالبه نمود.

نکته ۵۷۹: در صورتیکه شرایط شکلی برات رعایت نشود، سند تجاری محسوب نمی‌شود و یک سند حقوقی محسوب می‌شود که متضمن نوعی دین حقوقی یا تجاری است.

نکته ۵۸۰: موعد گرفتن قبولی، فاصله‌ی بین صدور برات تا سر رسید است. بر این اصل اولاً استثنایی قانونی در مورد برات برویت و برات بوعده از رویت و ثانیاً استثنای قراردادی وارد است (مواد ۲۷۴ الی ۲۷۶ ق.ت)

نکته ۵۸۱: برات دهنده در مورد برات به روز معین یا به وعده از تاریخ صدور می‌تواند دارنده برات را از ارائه جهت قبولی منع کند و نسبت به ظهر نویسان نیز لازم‌الرعايه است+ اگر ظهرنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد و دارنده برات در مدت مذکور، تقاضای قبولی نکند، نمی‌تواند به ظهرنویس مراجعه کند.

نکته ۵۸۲: در مورد برات بوعده از رویت، پس از قبولی براتگیر سررسید تعیین می‌شود. پس برات دهنده یا ظهرنویسها نمی‌توانند دارندهی برات را از قبول منع کنند.

- نکته ۵۸۳:** قبولی برات باید در خود سند برات صورت گیرد و اصولاً بر روی برات است زیرا امضات پشت سند اصولاً ظهر نویسی است ضمناً با امضاء یا مهر براتگیر، برات قبل از قبولی نیز قابل ظهر نویسی است.
- نکته ۵۸۴:** برات قبول شده قابل نکول نمی باشد و براتگیر نمی تواند به ایرادات موجود استناد نماید.
- نکته ۵۸۵:** قبولی قسمتی از برات، نکول محسوب نمی شود و قبولی می تواند نسبت به مبلغی از وجه برات باشد. در این صورت نسبت به مابقی نکول شده محسوب می شود.
- نکته ۵۸۶:** دارنده ی براتی که مشروط قبول شده می تواند در صورت تحقق شرط در سر رسید به براتگیر مراجعه نماید. همچنین می تواند از مزایای نکول استفاده نموده و به سایر مسؤولین مراجعه نموده و از آنها ضامن بخواهد.
- نکته ۵۸۷:** برات باید به محض ارائه یا منتهی ظرف ۲۴ ساعت، قبول یا نکول شود.
- نکته ۵۸۸:** براتکش الزامی به قبول برات ندارد حتی در فرضی که محل برات نزد وی تأدیه شده باشد به عنوان مثال اگر آقای (الف) مبلغی به آقای (ب) قرض داده باشد و سپس براتی در وجه آقای (ج) صادر کند تا وجه آنرا از آقای (ب) اخذ کند، هر چند اصطلاحاً محل برات نزد آقای (ب) وجود دارد اما وی مجبور به قبول نیست زیرا محتمل است این شخص تمایلی به قبول یک تعهد براتی نداشته باشد. به علاوه قبول برات به نوعی اماره ی مدیونیت براتگیر به براتکش است.
- نکته ۵۸۹: قبولی مشروط:** قبولی مشروط، نکول محسوب می شود اما دارنده ی براتی که مشروط قبول شده است، می تواند در صورت تحقق شرط و در حدود شرط، در سر رسید به براتگیر مراجعه نماید. البته دارنده ی چنین براتی می تواند از مزایای نکول استفاده نموده و به سایر مسؤولین مراجعه نموده و از آنها ضامن بخواهد.
- نکته ۵۹۰: قبولی قسمتی از برات (یا قبولی نسبت به مبلغی از وجه برات):** در این صورت نسبت به مابقی نکول شده محسوب می شود و مقررات نکول نسبت به آن مقدار قبول نشده جاری می شود.
- نکته ۵۹۱:** نکول ممکن است صریح باشد. با این قید که براتگیر برات را امضاء نموده و ذکر کند که آن را قبول ندارد یا ممکن است ضمنی باشد مانند آنکه ظرف ۲۴ ساعت از ارائه از انجام قبولی امتناع کند یا ممکن است به صورت مشروط قبول شود.
- نکته ۵۹۲:** چنانچه در براتی که به وعده از رویت سر رسید آن تعیین می شود، با امتناع براتگیر برای رویت برات مواجه شود برات نکول شده محسوب می شود و در این صورت تاریخ و اخواست، تاریخ رویت محسوب می شود.
- نکته ۵۹۳:** ورشکستگی براتگیر قبل از قبول نیز در حکم نکول است زیرا براتگیر یا مدیر تصفیه نمی تواند برات را قبول نمایند. به علاوه ورشکستگی براتگیر دارنده را از اعتراض نکول معاف نمی کند.
- نکته ۵۹۴:** با نکول برات، براتگیر دیگر مسؤولیتی در مقابل دارنده نخواهد داشت و در شمار مسؤولین برات نخواهد بود.
- نکته ۵۹۵:** در حقوق ایران قبول ثانویه پیش بینی نشده است. در نتیجه اگر براتی ارائه شده و مورد نکول واقع شود نمی توان مجدداً آن را جهت قبولی ارائه داد مگر اینکه وفق ماده ۲۳۵ ق.ت ارائه مجدد ظرف ۲۴ ساعت از ارائه اولیه باشد.
- نکته ۵۹۶:** دارنده ی برات نکول شده می تواند اعتراض نکول به عمل آورد و از مزایای اعتراض نکول استفاده کند اما اعتراض نکول، اجباری نیست.
- نکته ۵۹۷:** اعتراض نکول اجباری نمی باشد و در صورتی که دارنده پس از نکول اعتراض نکول به عمل نیاورد از مزایای ماده ۲۳۷ ق.ت محروم می شود و در نتیجه نمی تواند برای ارائه ی ضامن به سایر مسؤولین برات مراجعه کند.

نکته ۵۹۸: اعتراض نکول فقط در برات وجود دارد و در سفته نیازی به اخذ قبولی وجود ندارد. در نتیجه نکول در سفته راه ندارد.

نکته ۵۹۹: ماده ۲۳۷ ق.ت (اثر نکول نسبت به سایر مسؤولین از قبیل صادرکننده، ضامن و ظهرنویس): با نکول برات و اعتراض آن، دارنده می تواند به سایر مسؤولین برات مراجعه نموده و از آنها تقاضای ضامن برای تأدیهی وجه برات در سر وعده (موعد پرداخت) نماید و چنانچه ایشان ضامن معرفی نکنند باید وجه برات را به انضمام سایر مخارج فوراً تأدیه نمایند.

نکته ۶۰۰: ماده ۲۳۸ ق.ت (اثر عدم تأدیه برات بر سایر برات های قبول شده): آقای «الف»، دو برات متعلق به آقایان «ب» و «ج» را قبولی نوشته است. سررسید برات آقای «ب» ۸۸/۵/۵ است. زمانی که در سررسید به آقای «الف» مراجعه می کنند ایشان وجه برات را پرداخت نکرده و برات مواجه با عدم پرداخت و اعتراض عدم تأدیه می شود. در این بین آقای «ج» که سررسید براتش ۸۸/۹/۹ است می تواند به آقای «الف» مراجعه کند و از وی تقاضای ضامن یا تضمین پرداخت براتش را در سر وعده نماید و چنانچه آقای «ب» ضامنی ندهد، برات حال می شود.

نکته ۶۰۱: قبولی شخص ثالث: زمان قبولی شخص ثالث، پس از اعتراض نکول برات است.

نکته ۶۰۲: ثالث می تواند به نفع برات دهنده (صادرکننده) یا یکی از ظهرنویس ها برات را قبول نماید.

نکته ۶۰۳: برات به نفع براتگیر قابل قبولی ثالث نمی باشد زیرا براتگیر با نکول برات از مسؤولین برات نخواهد بود.

نکته ۶۰۴: براتگیر می تواند به عنوان شخص ثالث برات را به نفع یکی از مسؤولین برات قبول نماید ولی دارندهی برات می تواند قبول شخص ثالث را نپذیرفته و از مزایای نکول استفاده کند.

نکته ۶۰۵: انواع سررسید:

۱. برات به رویت (برات بی وعده): براتی است که به محض ارائه باید پرداخت شود. در این برات، دارنده تکلیفی به قبولی ندارد.

۲. برات به وعده از رویت: براتگیر باید وجه آن را در وعدهی معینی از تاریخی که دارنده آن را به وی ارائه می نماید پرداخت نماید.

۳. برات به وعده از تاریخ برات: پرداخت آن موکول به مدت معینی از تاریخ صدور برات می باشد.

۴. برات به وعده از تاریخ معین: تاریخ معینی برای پرداخت قید شده است.

نکته ۶۰۶: صدور برات خارج از یکی از چهار صورت فوق باعث خروج آن از شمول مقررات راجع به بروات تجاری می شود.

نکته ۶۰۷: اگر براتی در روز معین باید پرداخت شود و اختلاف بین تقویم محل صدور و محل پرداخت باشد؛ تاریخ پرداخت طبق تقویم محل تأدیه (پرداخت) معتبر است.

نکته ۶۰۸: ظهرنویسی: ظهرنویسی فقط با امضای سند در ظهر آن (پشت آن) به عمل می آید. ضمناً ظهرنویسی باید در خود برات باشد نه در سند جداگانه.

نکته ۶۰۹: ظهرنویسی قسمتی از برات، باطل است.

نکته ۶۱۰: هر گاه دو نفر دارندهی برات باشند با ظهرنویسی یکی از آنها انتقال باطل است.

نکته ۶۱۱: ظهرنویسی به نفع محال علیه، به منزلهی رسید وجه است.

نکته ۶۱۲: ظهر نویسی یا جهت انتقال است یا جهت وکالت در وصول وجه سند یا جهت وثیقه.

نکته ۶۱۳: در برات وصولی (جهت وکالت در وصول)، هر گاه وکیل پس از وصول وجه ورشکست شود: دارنده‌ی برات باید وارد در صف غرما شود اما اگر وجه برات وصول نشده باشد، صاحب برات می‌تواند برای استرداد آن به تاجر ورشکسته مراجعه کند.

نکته ۶۱۴: ظهرنویسی می‌تواند در وجه حامل باشد (ظهرنویسی سفید امضاء) برخلاف صدور برات که حتماً باید در وجه شخص معین باشد.

نکته ۶۱۵: چنانچه ظهرنویسی در وجه حامل باشد برای انتقال مجدد آن از سوی دارنده (حامل) نیاز به ظهرنویسی مجدد نمی‌باشد و سند در وجه حاملی می‌باشد که با قبض و اقباض منتقل می‌شود.

نکته ۶۱۶: ذکر تاریخ ظهرنویسی الزامی نمی‌باشد اما ذکر تاریخ فوایدی دارد از جمله تشخیص اهلیت ظهرنویس در زمان انتقال و همچنین تشخیص حق رجوع ظهرنویس‌ها به یکدیگر پس از پرداخت وجه برات زیرا به استناد ماده ۲۴۹ ق.ت هر ظهرنویسی در صورت پرداخت وجه سند می‌تواند به ظهرنویس‌های ماقبل خود و صادرکننده رجوع کند و برای تشخیص ظهرنویس‌های ماقبل (مقدم) باید به تاریخ ظهرنویسی مراجعه شود. البته اگر ظهرنویس تاریخ را ذکر کرد نباید تاریخ مقدم باشد در غیر این صورت جاعل شناخته می‌شود.

نکته ۶۱۷: برطبق نظری، با تأمل در ماده ۲۴۹ ق.ت رشته‌ی ظهرنویسی در برات باید مرتب باشد چون ظهرنویسان پس از پرداخت مبلغ برات، به ید ماقبل خود مراجعه می‌کنند و مراجعه به ید ماقبل منوط بر این است که رشته‌ی ظهرنویسی مرتب باشد.

نکته ۶۱۸: چنانچه رشته‌ی ظهرنویسی مرتب نبوده باشد هر کدام از ظهرنویسان که پرداخت نماید می‌تواند به برات دهنده مراجعه نماید.

نکته ۶۱۹: در صورتیکه صادرکننده یا یکی از دارندگان برات آن را با قید غیرقابل انتقال صادر یا ظهر نویسی نماید، در این صورت ظهرنویس‌های بعدی مشمول ظهرنویسی مقرر در قانون تجارت نمی‌شوند.

نکته ۶۲۰: در ظهرنویسی برات تضمینات دین سابق به دین لاحق تعلق می‌گیرد و برخلاف قانون مدنی با ظهرنویسی وثایق سابق همراه با ظهرنویسی سند منتقل می‌شود.

نکته ۶۲۱: اصل بر ظهرنویسی جهت انتقال است و ظهرنویسی جهت وکالت، خلاف اصل است و نیاز به تصریح دارد. به عنوان مثال با قید وکالت در وصول یا برای وصول ظهرنویسی می‌شود.

نکته ۶۲۲: امضای ظهر سند یا ضمانت است یا ظهرنویسی. ظهرنویس کسی است که برات به حواله کرده او صادر شده و وی با امضای خود در ظهر سند آن را به غیر منتقل می‌کند. ضامن کسی است که پرداخت وجه سند را از سوی مضمون عنه خود تضمین می‌کند. ظهرنویس به همراه کلیه امضاکنندگان دیگر سند مسؤولیت تضامنی دارد اما ضامن فقط با مضمون عنه خود مسؤولیت تضامنی دارد.

نکته ۶۲۳: در خصوص ماهیت امضای مجهول در ظهر سند (شک در ضامن یا ظهرنویس بودن امضای ظهر سند) اختلاف وجود دارد.

نکته ۶۲۴: اکثریت قضات دادگستری معتقدند اصل بر ظهرنویسی است و امضای مجهول ظهرنویسی فرض می‌شود مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

نکته ۶۲۵: اداره‌ی حقوقی در نظریه ۷/۱۹۵۰- ۷۲/۴/۲ امضای ظهر چک را در عرف کسبه و تجار امضاء جهت ضمانت دانسته است.

نکته ۶۲۶: فایده تشخیص ظهنویس از ضامن در این است که برای مراجعه به ضامن صادرکننده برات رعایت مواعد شرط نیست اما برای مراجعه به ظهنویس رعایت مواعد شرط است.

نکته ۶۲۷: تاجر ورشکسته ای که با ظهننویسی برات با تاریخ مقدم طلب یکی از طلبکاران را پرداخته و به این وسیله به سایر طلبکاران ضرر وارد می‌کند مزور شناخته می‌شود.

نکته ۶۲۸: مسؤولیت در اسناد تجاری، تضامنی محسوب می‌شود و تمام مسؤولین در عرض هم قرار دارند.

نکته ۶۲۹: مواردی که موید اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات است: مواد ۲۳۰ + ۲۳۱ + ۲۴۹ ق.ت.

نکته ۶۳۰: بر اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، استثنای حجر و جعل و ایرادات شکلی وارد است.

نکته ۶۳۱: در قبال دارنده‌ی با حسن نیت ایراد به معامله‌ی منشاء صدور سند؛ در هیچ صورت پذیرفته نیست.

نکته ۶۳۲: در صورت ادعای جعل از سوی براتکش، براتگیر و سایر مسؤولین نمی‌توانند به آن استناد کنند.

نکته ۶۳۳: اگر صادرکننده محجور باشد، براتگیر و بقیه مسؤولین نمی‌توانند به آن استناد کنند (اصل استقلال امضاها).

نکته ۶۳۴: اگر صادر کننده استناد به ایراد شکلی کند، بقیه هم می‌توانند به این ایراد استناد کنند.

نکته ۶۳۵: اگر براتکش، خود دارنده‌ی برات باشد و مبنای معامله صدور برات نامشروع باشد، براتگیر می‌تواند به آن ایراد کند.

نکته ۶۳۶: اگر دارنده‌ی برات، برات دهنده باشد، در صورت اقامه‌ی دعوی علیه براتگیر؛ اگر براتگیر مدیون نباشد می‌تواند ایراد به عدم مدیونیت خود کند زیرا در این مورد دارنده‌ی برات، شخص ثالث نیست تا در پناه اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات قرار گیرد و تفاوتی نمی‌کند که برات دهنده از ابتدای صدور دارنده بوده یا بر اثر ظهننویسی دارنده‌ی برات شده است.

نکته ۶۳۷: هر گاه مطابق اساسنامه شرکت، صدور برات باید با امضا دو مدیر شرکت باشد و فقط یکی امضا کند، مدیر صادر کننده مسؤول است.

نکته ۶۳۸: هر گاه صدور برات از ناحیه‌ی شرکت باشد، شرکت مسؤول است مگر اینکه مدیر از حدود اختیارات تفویض شده در اساسنامه تجاوز کند که در این صورت خود مدیر، صادر کننده فرض می‌شود و اگر مدیر حق صدور برات بیش از مبلغ معینی نداشته باشد به عنوان مثال حق صدور برات تا ۱۰ میلیون ریال نداشته باشد ولی بیشتر از این میزان صادر کند، شرکت نسبت به ده میلیون مسؤول و مدیر نسبت به مازاد مسؤول است. (البته این تحدید مسؤولیت در شرکت‌های مختلف، متفاوت است. در شرکت سهامی حتی اگر مدیر بیش از حد مقرر در اساسنامه برات صادر کند باز هم شرکت مسؤول پرداخت است).

نکته ۶۳۹: مسؤولیت براتگیر مشروط بر این است که براتگیر برات را قبول کرده باشد.

نکته ۶۴۰: شرط عدم مسؤولیت قبولی، هیچ خدشه‌ای وارد نمی‌کند و صحیح است و در این فرض فقط دارنده، حق اعتراض نکول را از دست می‌دهد.

نکته ۶۴۱: شرط عدم مسؤولیت پرداخت، شرطی باطل است زیرا اگر براتگیر برات را پرداخت نکند، این سند به صورت یک لاشه در می‌آید.

نکته ۶۴۲: براتگیری که برات را قبول کرده است، مدیون اصلی این سند تجاری قلمداد می شود. در نتیجه باید وجه برات را بپردازد اعم از آنکه دارنده به وظایف خود عمل کرده یا نکرده باشد و دارنده در هر حال می تواند علیه براتگیری که وجه برات را در سررسید نپرداخته اقامه دعوی کند.

نکته ۶۴۳: اگر دارنده برات خود براتکش باشد (مثل اینکه شخصی براتی به نام خود صادر کرده باشد یا دارنده بعدی برات، آنرا به نفع براتکش ظهنرویزی کرده باشد) مسؤولیت براتگیر مطلق نخواهد بود.

نکته ۶۴۴: در این صورت با عدم پرداخت وجه برات و اقامه دعوی علیه براتگیر، اگر براتکش محل برات را نزد براتگیر تأدیه نکرده باشد (در واقع براتگیر مدیون نباشد) وی می تواند ایراد به عدم مدیونیت خود کند زیرا در این مورد دارنده برات، شخص ثالث نیست تا در پناه اصل عدم استماع ایرادات قرار گیرد و تفاوتی نمی کند که برات دهنده از ابتدای صدور برات، دارنده بوده باشد (براتی به نفع خود صادر کرده باشد) یا بر اثر ظهنرویزی دارنده برات شده است (براتی را به نفع ثالث صادر کرده و سپس ثالث آنرا با ظهنرویزی به خود براتکش منتقل کرده باشد).

نکته ۶۴۵: وفق ماده ۲۸۴ دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در **ظرف ۱۰ روز از تاریخ اعتراض**

عدم تأدیه را بوسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.

نکته ۶۴۶: دیوان عالی کشور در خصوص این ماده به شرح ذیل نظر داده است: با اطلاق ماده ۲۴۹ قانون تجارت که برات دهنده و قبول کننده برات و ظهنرویس ها را در مقابل دارنده برات متضامناً مسؤول شناخته است و حق مراجعه و اقامه دعوی علیه هر کدام از آنان را بدون رعایت ترتیب از حیث تاریخ برای دارنده برات محفوظ داشته است و با توجه به مدلول مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون مزبور که مدت اقامه دعوی از طرف دارنده برات را سه ماه و شش ماه از تاریخ اعتراض عدم پرداخت برات تعیین نموده است و عنایت به مفاد ماده ۲۸۸ همان قانون که شرط استفاده از حقی را که در ماده ۲۴۹ قانون به ظهنرویس ها داده شده به رعایت مواعد مقرر در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت از تاریخ اعتراض موکول و شروع مرور زمان مدت های مزبور را از فردای ابلاغ احضار به محکمه به او و همچنین در صورت تأدیه وجه برات را به دارنده آن بدون آن که بر علیه او اقامه دعوی شده باشد موعده را از فردای روز تأدیه قرار داده بدیهی است که اشاره و منظور ماده ۲۸۹ این قانون به مواعد مقرر در مواد فوق مواعد مذکوره مورد بحث بوده و ناظر به موعده روز ارسال اظهارنامه رسمی و یا نامه سفارشی دو قبضه مذکوره در مواد ۲۸۴ و ۲۸۵ قانون تجارت نمی باشد.

نکته ۶۴۷: لذا عدم ارسال اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به واگذارنده برات یا اطلاع نامه از طرف هر ظهنرویس به ظهنرویس سابق خود نمی تواند موجب اسقاط حق اقامه دعوی دارنده برات بر واگذارنده و قبول کننده و ظهنرویس ها و همچنین هر ظهنرویس بر ظهنرویس سابق خود گردد

نکته ۶۴۸: صور مسؤولیت صادر کننده برات:

۱. مسؤولیت قبولی: اگر براتگیر نکول کرد، پس از اعتراض نکول، دارنده می تواند به برات دهنده رجوع کند و تقاضای ضامن کند و اگر ضامن نداد، برات حال می شود.

۲. مسؤولیت پرداخت:

الف. صادر کننده محل برات را نزد براتگیر تأمین ننموده باشد: در این فرض، خواه دارنده به وظایف قانونی خود عمل کرده و خواه نکرده باشد، در هر حال دارنده می تواند علیه صادر کننده، اقامه دعوی کرده و وجه برات را مطالبه کند.

ب. صادر کننده محل برات را نزد براتگیر تأمین نموده باشد: دارنده در صورتی می‌تواند علیه وی طرح دعوا کند که به وظایف قانونی خود از جمله تنظیم اعتراض نامه عمل کرده باشد.

نکته ۶۴۹: اصل بر این است که برات دهنده محل برات را تأمین ننموده است مگر اینکه برات دهنده ثابت کند محل برات را تأمین کرده است.

نکته ۶۵۰: محل: وجهی است که به اتکای وجود فعلی آن و یا وجودش در موعد پرداخت، صادرکننده‌ی سند تجاری مبادرت به صدور سند تجاری می‌کند. منبع محل برات با محل برات متفاوت است و همیشه یکسان نیست.

نکته ۶۵۱: وجود محل ممکن است ناشی از وجود دین حال یا موجب مبلغی باشد اما منبع محل برات ممکن است یک سند تجاری باشد که برات گیر از جانب صادرکننده‌ی برات مأمور وصول آن است.

نکته ۶۵۲: اگر محل برات نزد براتگیر تأمین نشده باشد براتگیر پس از قبول برات و پرداخت آن می‌تواند به براتکش رجوع کند.

نکته ۶۵۳: اگر محل در برات تأدیه شده باشد و براتگیر پس از پرداخت حق رجوع به براتکش را ندارد. در چنین حالتی اگر دارنده به وظایف خود در خصوص مواعد عمل نکند، دعوی وی علیه براتکش به حکم ماده ۲۹۰ ق.ت مسموع نمی باشد.

نکته ۶۵۴: در قانون تجارت ایران اصل بر این است که محل برات تأدیه نشده است و در نتیجه اگر برات تأدیه شده باشد براتکش باید این موضوع را در برات قید کند و قید این موضوع، مدعی را از اثبات امر بی نیاز می‌کند و مسؤولیت وی را در مقابل دارنده-ی کاهل(دارنده ای که به وظایف قانونی خود عمل نکرده است) از بین می‌برد. در غیر این صورت اصل بر این است که محل تأدیه نشده و عدم رعایت مواعد مسقط حق دارنده برای رجوع به وی نمی شود.

نکته ۶۵۵: عدم ضرورت وجود محل: در اسناد تجاری وجود و انتقال محل الزامی نیست. یعنی وجود محل در هنگام تأدیه منوط اعتبار است.

نکته ۶۵۶: تأثیر وجود محل در صورت ورشکستگی: تئوری انتقال محل در قانون تجارت ایران پذیرفته نشده است. در نتیجه مالکیت تاجر ورشکسته تا زمان سررسید بر وجه سند باقی است و چون پس از اعلام حکم ورشکستگی تمامی اموال وی بر اساس اصل تساوی طلبکاران میان طلبکاران به نحو غرمایی تقسیم می‌گردد صاحب سند برای دریافت حصه‌ی خود داخل در غرما می‌شود اما در کشورهایی که انتقال محل پذیرفته شده است، صاحب سند تجاری وارد در غرما نمی شود و تمام وجه آن را دریافت می‌کند.

نکته ۶۵۷: صور مسؤولیت ظهر نویسی برات:

۱. مسؤولیت قبولی: اگر برات نکول شد و دارنده‌ی برات اعتراض نکول کرد، مستند به ماده ۲۳۷ می‌تواند به ظهر نویس جهت مطالبه‌ی ضامن مراجعه کند.

۲. مسؤولیت پرداخت: چنانچه در سر رسید، براتگیر، وجه را نپردازد و دارنده اعتراض کند، دارنده مستند به ماده ۲۴۹ می‌تواند علیه ظهر نویس نیز اقامه‌ی دعوی نماید مشروط بر اینکه دارنده به وظایف خود عمل نموده باشد.

نکته ۶۵۸: هر گاه به علت عدم تأدیه وجه برات از سوی براتگیر، وجه برات را یکی از ظهرنویسان پرداخت کند وی حق مراجعه به ایادی مقابل خود را دارد(ماده ۲۴۹ ق.ت).

نکته ۶۵۹: مسؤولیت ضامن: مسؤولیت ضامن در حدود مسؤولیت مضمون عنه او است. در نتیجه ضامن می‌تواند به کلیه ایراداتی که از سوی مضمون عنه وی مسموع است استناد کند. فایده‌ی تشخیص ظهرنویس از ضامن در این است که برای مراجعه به ضامن صادرکننده برات رعایت مواعد شرط نیست اما برای مراجعه به ظهرنویس رعایت مواعد شرط است.

نکته ۶۶۰: اگر مضمون عنه ضامن، براتگیر یا صادرکننده‌ی برات یا سفته یا چک باشد، همچنانکه برای مراجعه به این سه مسؤول رعایت مواعد شرط نیست برای مراجعه به ضامن آنها نیز رعایت مواعد شرط نیست.

نکته ۶۶۱: اگر مضمون عنه ضامن، ظهرنویس باشد برای مراجعه به ظهرنویس رعایت مواعد شرط است. پس برای مراجعه به ضامن او نیز رعایت مواعد شرط است،

نکته ۶۶۲: ضامن ظهرنویس و ظهرنویس در مقابل دارنده‌ی کاهل مسؤولیت ندارند.

نکته ۶۶۳: در صورت پرداخت وجه برات به وسیله‌ی ضامن، وی حق مراجعه به مضمون عنه و ایادی ماقبل او را دارد.

نکته ۶۶۴: ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویس را کرده است فقط با کسی که از او ضمانت کرده مسؤولیت تضامنی دارد (م ۲۴۹ ق.ت).

نکته ۶۶۵: وظایف دارنده‌ی برات:

۱. اعتراض عدم تأدیه در **ظرف ۱۰ روز** از سر رسید (م ۲۸۰) و چنانچه برات به رویت باشد اقدام مقتضی **ظرف یک**

سال از تاریخ صدور برات (ماده ۲۷۴).

۲. اقامه‌ی دعوی حسب مورد **ظرف یک یا دو سال** از تاریخ اعتراض عدم تأدیه مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ ق.ت.

اگر دارنده به یکی از وظایف خود عمل نکند، حق اقامه‌ی دعوی علیه ظهر نویسان را ندارد و نمی‌تواند بدون پرداخت خسارت احتمالی در خواست قرار تأمین خواسته نماید. (دکتر شمس معتقد است حتی در صورت عدم رعایت مواعد، دارنده‌ی سند تجاری می‌تواند تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی را بخواهد).

نکته ۶۶۶: دارنده‌ی کاهل: دارنده‌ای که مواد ۲۷۴ و ۲۸۶ ق.ت را رعایت نمی‌کند. یعنی برات یا سفته‌ای را که دارد در مواعد مقرر برای قبولی یا پرداخت به محال علیه ارائه نمی‌دهد و یا در موعد مقرر اقامه‌ی دعوی نمی‌کند که در این موارد حق مراجعه به ظهرنویسها و ضامن آنها را ندارد.

نکته ۶۶۷: صدور قرار تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی: با اعتراض عدم تأدیه یا عدم پرداخت و اقامه‌ی دعوی ظرف مهلت قانونی.

نکته ۶۶۸: در صورت گم شدن براتی که قبولی روی آن نوشته شده، تقاضای پرداخت فقط به موجب **امر محکمه** پس از دادن ضامن به عمل می‌آید.

نکته ۶۶۹: در صورت گم شدن براتی که هنوز قبولی نوشته نشده است، صاحب برات می‌تواند وصول وجه آن را به حسب نسخ بعدی بخواهد.

نکته ۶۷۰: اگر دارنده‌ی برات دو نفر باشند، هر دو نفر باید با هم اعتراض عدم تأدیه کنند.

نکته ۶۷۱: اقامه‌ی دعوی علیه یک یا چند نفر از مسؤولین برات، موجب اسقاط حق رجوع به دیگران نیست.

نکته ۶۷۲: هر یک از مسؤولین برات که وجه برات را تأدیه می‌کند، می‌تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراض نامه و مخارج قانونی موکول کند.

نکته ۶۷۳: هر گاه چند نفر از مسؤولین برات ورشکسته شوند، دارنده می‌تواند در صف تمام یا هر یک از غرما داخل شود (ماده ۲۵۱ ق.ت).

نکته ۶۷۴: در صورتی که همه‌ی مسؤولین برات ورشکسته شوند، مدیر تصفیه یا اداره‌ی تصفیه ای که وجه برات را پرداخته است نمی‌تواند به مدیر تصفیه یا اداره‌ی تصفیه ورشکسته‌ی دیگر مراجعه نماید (ماده ۲۵۱ ق.ت).

نکته ۶۷۵: هر گاه چند نفر از کسانی که برای پرداخت یک دین مسؤولیت تضامنی دارند ورشکسته شوند، طلبکار می‌تواند در صف هر یک از غرما یا تمام غرما وارد شود.

نکته ۶۷۶: پرداخت برات: پرداخت باید روز وعده یا پس از آن باشد. در برات به رویت و به وعده از رویت برات باید ظرف یک سال ارائه شود اما در براتی که موعد یا سررسید معین دارد دارنده باید حداکثر ظرف ۱۰ از سررسید آنرا مطالبه کند.

نکته ۶۷۷: اثر پرداخت وجه برات: پرداخت برات موجب بری الذمه شدن پرداخت کننده است مگر در دو فرض:

نکته ۶۷۸: فرض اول) وفق ماده ۲۵۸ ق.ت اگر وجه برات قانوناً نزد پرداخت کننده توقیف شده باشد، وفق مواد ۸۷ الی ۹۵ قانون اجرای احکام مدنی عمل می‌شود.

نکته ۶۷۹: فرض دوم) اگر پرداخت کننده پیش از موعد برات، وجه آنرا پرداخت کند ممکن است در مقابل کسانی که حقی نسبت به آن دارند همچنان مسؤول باشد.

نکته ۶۸۰: اثر پرداخت قسمتی از وجه برات: اگر قسمتی از وجه برات تأدیه شود مسؤولین برات به همان اندازه بری می‌شوند و دارنده‌ی برات فقط برای بقیه آن می‌تواند اعتراض کند.

نکته ۶۸۱: تأدیه وجه برات به وسیله‌ی شخص ثالث: این امر پس از اعتراض عدم تأدیه صورت می‌گیرد.

نکته ۶۸۲: مداخله‌ی ثالث در پرداخت، در اعتراض نامه (ماده ۲۷۰) قید می‌شود.

نکته ۶۸۳: شخص ثالث پرداخت کننده، برات و اعتراض نامه را از دارنده‌ی سابق دریافت می‌نماید و جایگزین وی می‌شود و همان حقوق و تکالیف را خواهد داشت.

نکته ۶۸۴: هر گاه برات پنج ظهرنویس داشته باشد و شخص ثالث بنفع ظهرنویس دوم مبلغ برات را پرداخت نموده باشد در این صورت، برخی از حقوق دارنده برات را دارد. زیرا پس از پرداخت به عنوان دارنده‌ی برات می‌تواند به ظهرنویسی که به نفعش پرداخت نموده و همچنین مسؤولین قبل از او رجوع کند.

نکته ۶۸۵: اگر وجه برات را ثالث از طرف برات دهنده پرداخت کند، همه‌ی ظهرنویسها بری الذمه می‌شوند.

نکته ۶۸۶: هر گاه چند نفر (ثالث) پرداخت کننده داشته باشیم پرداخت کسی قبول می‌شود که با پرداخت وی افراد بیشتری بری می‌شوند. مثلاً یکی به نفع ظهرنویس دوم و یکی به نفع ظهرنویس چهارم حاضر به پرداخت وجه برات هستند. در این صورت پرداخت ثالث به نفع ظهرنویس دوم پذیرفته می‌شود.

نکته ۶۸۷: خود محال علیه برای قبولی بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

نکته ۶۸۸: هر گاه پس از اعتراض عدم تأدیه، شخص ثالثی وجه برات را پرداخت کند و قید نکند که به نفع چه کسی پرداخت می‌کند، پرداخت او، به نفع برات دهنده فرض می‌شود زیرا در این حالت افراد بیشتری بری می‌شوند. براتگیر را اصلاً حساب نمی‌کنیم زیرا کسی که مدیون بوده و پرداخت نکرده شایسته نیست که پرداخت را به نفع او تصور کنیم.

نکته ۶۸۹: در پرداخت ثالث، اگر منتفع ثالث براتگیر باشد بحث ایفای دین از ناحیه غیر مدیون است (ماده ۲۶۷ ق.م) (اگر با اذن باشد حق مراجعه به براتگیر را دارد).

نکته ۶۹۰: اگر مضمون عنه ضامن معلوم نباشد، مضمون عنه شخصی محسوب می‌شود که با پرداخت وی افراد بیشتری بری می‌شوند. بنابراین در چک، صادر کننده و در برات، براتگیر (به شرط اینکه برات را قبول کرده باشد) و در سفته، صادر کننده مضمون عنه فرض می‌شوند.

نکته ۶۹۱: دارنده‌ی براتی که پرداخت ثالث را رد می‌کند، حق ندارد به مسؤولانی که با فرض قبولی پرداخت ثالث بری الذمه می‌شوند، مراجعه کند ولی در مورد قبول شخص ثالث اینگونه نیست و دارنده‌ی برات می‌تواند قبول شخص ثالث را نپذیرد.

سفته (فته طلب)

نکته ۶۹۲: فته طلب سندی است که به موجب آن امضا کننده تعهد می‌کند مبلغی را در موعد معین یا عند المطالبه بپردازد.

نکته ۶۹۳: شرایط صورت سفته: با امضا یا مهر صادرکننده و تاریخ صدور و مبلغ به تمام حروف و تاریخ پرداخت و نام گیرنده در صورتیکه سند در وجه حامل نباشد.

نکته ۶۹۴: تفاوت سفته و برات در این است که صادرکننده‌ی سفته برخلاف صادرکننده‌ی برات، دستور پرداخت وجه سند را به دیگری نمی‌دهد بلکه خود وجه آنرا در سررسید پرداخت می‌کند.

نکته ۶۹۵: سفته را می‌توان برخلاف برات به صورت سند در وجه حامل تنظیم نمود.

نکته ۶۹۶: مقررات راجع به برات در سفته نیز لازم الرعایه می‌باشد مگر در مواردی که استثناء شده است.

نکته ۶۹۷: مقررات مربوط به ارائه‌ی سفته برای قبولی و نکولی برات، در مورد سفته جاری نیست.

نکته ۶۹۸: نکول و اعتراض نکول در سفته اجرا نمی‌شود.

نکته ۶۹۹: قبولی شخص ثالث در سفته راه ندارد (اما امکان پرداخت از سوی ثالث وجود دارد).

نکته ۷۰۰: مقررات مربوط به محل سفته مصداق ندارد.

نکته ۷۰۱: مقررات مربوط به الزامی بودن قید نام دارنده برات در سفته مصداق ندارد.

نکته ۷۰۲: در صورت عدم تأدیه سفته، دارنده از هر کدام از مسؤولین می‌تواند وجه سفته را مطالبه کند و پرداخت کننده حق رجوع به ایادی قبلی خود را دارد.

نکته ۷۰۳: شخصی که وجه سفته را قبل از موعد بپردازد ممکن است بری الذمه نشود (ماده ۲۵۶ ق.ت).

نکته ۷۰۴: هر گاه ضامن پرداخت کند، حق دارد علیه مضمون عنه خود و ایادی ما قبل او اقامه‌ی دعوی کند.

نکته ۷۰۵: هر گاه دارنده مواعد را رعایت نکند، فقط حق رجوع به مدیون اصلی (صادر کننده) را دارد.

نکته ۷۰۶: صدور سفته اگر از سوی تاجر باشد از اعمال تجاری تبعی محسوب می‌شود.

نکته ۷۰۷: سفته نیز همانند برات، قابل ظهورنویسی است و مقررات برات در این مورد نیز جاری است.

نکته ۷۰۸: بر مبنای مسئولیت تضامنی، در صورت عدم تأدیه سفته دارنده می‌تواند از هر کدام از مسؤولین وجه سفته را مطالبه کند و پرداخت کننده حق رجوع به ایادی قبلی خود را دارد.

مسؤولین سفته

نکته ۷۰۹: **مسؤولیت صادر کننده سفته:** صادر کننده مسؤول نهایی سند است و در هر صورت مسؤولیت پرداخت دارد و حتی اگر دارنده به وظایف قانونی خود عمل نکرده باشد مادام که مرور زمان دعاوی اسناد تجاری حاصل نشده باشد دارنده‌ی سفته می‌تواند علیه صادر کننده طرح دعوی نماید.

نکته ۷۱۰: **مسؤولیت ظهر نویس:** ظهر نویس سفته دارای مسؤولیت پرداخت است. یعنی چنانچه صادر کننده در سر رسید وجه را نپردازد، دارنده پس از اعتراض عدم تأدیه می‌تواند در اعمال ماده ۲۴۹ اقامه‌ی دعوی کند مشروط بر اینکه به وظایف قانونی خود عمل کرده باشد.

نکته ۷۱۱: **مسؤولیت ضامن:** اگر مضمون عنه ضامن، صادر کننده سفته باشد، همچنانکه برای مراجعه به این مسؤول رعایت مواعد شرط نیست برای مراجعه به ضامن آن نیز رعایت مواعد شرط نیست.

نکته ۷۱۲: چنانچه مضمون عنه ضامن، ظهر نویس باشد برای مراجعه به ظهر نویس رعایت مواعد شرط است. پس برای مراجعه به ضامن او نیز رعایت مواعد شرط است.

نکته ۷۱۳: اگر شخص ثالثی ظهر سفته را بدون هیچ قیدی امضاء نماید این امر ظهور در ضمانت دارد.

نکته ۷۱۴: **وظایف دارنده‌ی سفته:**

۱. اعتراض عدم تأدیه ظرف ۱۰ روز مطابق م ۲۸۰ و در مورد سفته‌های عندالمطالبه با توجه به مواد ۲۷۴ و ۳۰۹ اقدام

مقتضی ظرف یک سال از تاریخ صدور سفته

۲. اقامه‌ی دعوی ظرف یک یا دو سال از تاریخ اعتراض عدم تأدیه

نکته ۷۱۵: مطالبه‌ی وجه سفته عندالمطالبه باید از طریق اظهارنامه به متعهد ابلاغ شود و زمان محاسبه‌ی واخواست از تاریخ ابلاغ اظهارنامه به مدیون محاسبه می‌شود.

نکته ۷۱۶: دارنده‌ی کاهل: دارنده‌ای که مواد ۲۷۴ و ۲۸۶ ق.ت را رعایت نمی‌کند یعنی سفته‌ای را که دارد در مواعد مقرر برای پرداخت به محال علیه ارائه نمی‌دهد و یا در موعد مقرر اقامه دعوی نمی‌کند که در این موارد حق مراجعه به ظهر نویسه‌ها و ضامن را ندارد.

چک

نکته ۷۱۷: چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادر کننده، وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا جزئاً به دیگری واگذار می‌کند.

نکته ۷۱۸: بر طبق قانون تجارت چک سندی حال محسوب می‌شود.

نکته ۷۱۹: صدور چک همانند سفته و برخلاف برات می‌تواند در وجه حامل باشد.

نکته ۷۲۰: صدور چک برخلاف برات و سفته فقط با امضای صادرکننده امکان دارد.

نکته ۷۲۱: طبق قانون اصلاح چک، محال علیه باید بانک باشد. طبق قانون تجارت، محال علیه در چک می تواند بانک نباشد.

نکته ۷۲۲: صدور چک، عمل تجاری نیست و اگر از طرف تاجر در امر تجاری صادر شود از اعمال تجاری تبعی محسوب می شود.

نکته ۷۲۳: چک در حکم سند لازم الاجرا است و مزایای آن عبارت است از: صدور تأمین خواسته، جنبه ی کیفری داشتن، اقدام از طریق اجرای ثبت اسناد.

نکته ۷۲۴: در صورتی که چکی که با دو امضاء معتبر است فقط از ناحیه ی یکی از امضاء کنندگان امضاء شود مشمول بند ۳ قانون صدور چک بوده و چک ناقص محسوب می شود و مسؤولیت کیفری و حقوقی فقط متوجه امضاء کنندگان است.

نکته ۷۲۵: مسؤولیت صادر کننده ی چک: صادر کننده ی چک مدیون اصلی سند است و چه دارنده به وظایف قانونی خود عمل کند یا نکند در هر حال دارنده، حق مراجعه به صادر کننده را دارد.

نکته ۷۲۶: مطابق قسمت آخر ماده ی ۳۱۵ چنانچه وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود، دعوی دارنده چک علیه صادر کننده نیز در محکمه مسموع نیست.

نکته ۷۲۷: مسؤولیت ظهرنویس چک: ظهرنویس چک دارای مسؤولیت پرداخت است. یعنی چنانچه چک منجر به صدور گواهی عدم پرداخت گردد، دارنده ی چک در صورتی که به وظایف قانونی ذیل عمل کرده باشد، حق اقامه ی دعوی علیه ظهرنویس را دارد.

نکته ۷۲۸: امضای ظهر چک، ظهرنویسی جهت انتقال محسوب می شود و وکالت در وصول خلاف اصل می باشد. فردی که ظهر چک را امضاء و به دیگری منتقل نموده است، مسؤولیت کیفری نخواهد داشت زیرا مسؤولیت کیفری فقط مختص صادرکننده می باشد.

نکته ۷۲۹: وظایف دارنده ی چک:

۱. اخذ گواهی عدم پرداخت ظرف ۱۵ روز، ۴۵ روز و ۴ ماه از تاریخ صدور چک (ماده ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت.)

۲. اقامه ی دعوی در ظرف یک سال یا دو سال از تاریخ برگشت چک مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۳۱۴ ق.ت.

چنانچه دارنده به یکی از وظایف فوق عمل نکند حق اقامه ی دعوی علیه ظهرنویس را ندارد.

نکته ۷۳۰: کسی که وجه چک را دریافت می کند (دارنده)، باید ظهر آن را امضاء یا مهر کند.

نکته ۷۳۱: انواع چک: عادی، تأیید شده، تضمین شده و مسافرتی.

نکته ۷۳۲: چک های مشمول قانون صدور چک، چک های صادره عهده ی بانک های دولتی و خصوصی داخل کشور و شعب آنها در خارج از کشور می باشند و صدور چک از صندوق های قرض الحسنه و موسسات مالی و اعتباری مشمول قانون صدور چک نمی باشد.

نکته ۷۳۳: چک در حکم سند لازم الاجرا می باشد و می توان فقط علیه صادرکننده ی چک از طریق دوایر اجرای ثبت، اجرائیه صادر نمود مشروط بر آنکه مطابقت امضای صادرکننده در حدود عرف بانک داری از طرف بانک تأیید شود و مالی از صادرکننده در دسترس باشد.

نکته ۷۳۴: اداره‌ی حقوقی در نظریه شماره ۷/۱۲۱۳ - ۸۲/۳/۲۵ اظهار داشته که درخواست صدور اجرائیه از دایره اجرای ثبت اسناد و املاک در مورد چک مقید به مهلت معین نمی باشد.

نکته ۷۳۵: معایب اجرای ثبتی:

۱. هزینه بالای آن (۵٪) مبلغ چک در صورتیکه در اجرای دادگستری ۱/۵٪ یا ۲٪ است.
۲. در صورت منصرف شدن از طریق اجرای ثبتی و پس از ابلاغ اجرائیه هزینه مسترد نمی شود.
۳. حبس محکوم علیه در صورتیکه مالی از وی در دسترس نباشد و معسر هم نباشد در اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مختص اقدام دادگستری است و با اجرای ثبتی نمی توان چنین اقدامی نمود.
۴. اقدام از طریق اجرای ثبتی فقط علیه صادرکننده امکانپذیر است و نمی توان سایر مسؤولین را از این طریق تعقیب نمود.

۵. توقیف اموال در اجرای ثبت منوط به ابلاغ به صادرکننده است اما در تعقیب دادگستری صدور قرار منوط به ابلاغ به طرف نمی باشد و شخص فرصتی برای انتقال اموال خود نخواهد داشت اما اجرای ثبتی این امکان را برای صادرکننده فراهم می نماید تا اموال خود را منتقل نماید.

نکته ۷۳۶: مزایای اجرای ثبتی:

۱. نیاز به تقدیم دادخواست و تشریفات دادرسی و قطعیت حکم ندارد.
۲. مدت زمانی بسیار کمتری نسبت به اجرای حقوقی و کیفری دارد.
۳. اقدام ثبتی به موازات تعقیب کیفری ایرادی ندارد و دارنده می تواند همزمان با اعلام جرم علیه صادرکننده برای وصول وجه چک از طریق اداره‌ی ثبت اقدام نماید.
۴. در صورت صدور چک به نمایندگی، صادرکننده و صاحب حساب متضامناً مسؤول هستند و اجرائیه علیه آنها براساس تضامن صادر می شود.

نکته ۷۳۷: دارنده می تواند کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف دارنده در جهت وصول متحمل شده است را مطالبه کند.

نکته ۷۳۸: در صورتی که شرطی برای پرداخت در چک درج شده باشد بانک به آن ترتیب اثر نمی دهد.

نکته ۷۳۹: صدور چک بلامحل یک جرم ساده است و از **تاریخ صدور چک** محقق می شود و عدم پرداخت آن از طرف بانک کاشف از وقوع جرم در زمان صدور است. بنا براین در مورد جرم واقع شده دادگاه محلی که چک در آنجا برگشت خورده است صالح است.

نکته ۷۴۰: در صورتیکه موجودی حساب کمتر مبلغ چک باشد بانک مکلف است همان میزان را پرداخت نموده و نسبت به مازاد گواهی عدم پرداخت صادر نماید.

نکته ۷۴۱: مجازات صدور چک بلامحل:

۱. مبلغ چک کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد حبس تا ۶ ماه.
۲. مبلغ چک از ۱۰ میلیون تا ۵۰ میلیون ریال باشد حبس از ۶ ماه تا ۱ سال.
۳. مبلغ چک بیش از ۵۰ میلیون ریال باشد حبس از ۱ تا ۲ سال + ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت ۲ سال.

نکته ۷۴۲: صدور چک از حساب مسدود با علم به مسدود بودن حساب، در حکم صدور چک بلامحل است و به حداکثر مجازات (۲ سال حبس) محکوم می‌شود و این جرم غیر قابل تعلیق است.

نکته ۷۴۳: مرور زمان تعقیب کیفری: ۶ ماه از تاریخ صدور چک برای اخذ گواهی عدم پرداخت + ۶ ماه از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت برای طرح دعوای کیفری.

نکته ۷۴۴: کسی که چک پس از برگشت به وی منتقل شده حق طرح دعوی کیفری ندارد مگر اینکه ظهرنویسی جهت وکالت در وصول باشد.

نکته ۷۴۵: طبق ماده ۱۲ قانون صدور چک، جرم صدور چک بلامحل جرم خصوصی است و قابل رسیدگی غیابی می‌باشد.

نکته ۷۴۶: در این جرم با گذشت شاکی در حین رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و مجوزی برای اخذ یک سوم جزای نقدی وجود نخواهد داشت.

نکته ۷۴۷: چنانچه شاکی پس از صدور حکم قطعی گذشت نماید، اعلام رضایت شاکی با درخواست تجدیدنظر به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌شود و این دادگاه پس از انطباق مورد با ماده ۱۲ قانون صدور چک، حکم بدوی را فسخ و مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌نماید.

نکته ۷۴۸: به صورت کلی شاکی می‌تواند در حین طرح دعوی کیفری دادخواست ضرر و زیان خود را تقدیم دادگاه نماید و دادگاه مکلف است به آن رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید حتی اگر حکم بر براءت متهم دهد.

نکته ۷۴۹: تقدیم دادخواست ضرر و زیان باید قبل از صدور حکم و در حین رسیدگی دادگاه کیفری باشد و تنها استثناء آن در خصوص چک بلامحل است و دارنده‌ی چک بلامحل می‌تواند حتی پس از صدور حکم، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم کند.

نکته ۷۵۰: در صورتیکه متهم وثیقه گذارده باشد و محکوم شود حق مدعی خصوصی از محل آن پرداخت می‌شود اما اگر وثیقه گذار غیر از متهم باشد استیفای حق مدعی از وثیقه‌ی متعلق به غیر صحیح نمی‌باشد. البته اگر وثیقه گذار متهم را در دادگاه حاضر نکند ملزم به پرداخت خسارت مدعی می‌شود.

نکته ۷۵۱: رسیدگی به دعوای چک فوری و خارج از نوبت خواهد بود.

نکته ۷۵۲: موارد صدور چک بلامحل که قابل تعقیب کیفری نمی‌باشد:

۱. چک سفید امضاء

۲. چک مشروط و امانی

۳. چک بابت تضمین یا تعهد باشد.

۴. چک وعده دار و چک بدون تاریخ.

نکته ۷۵۳: موارد امکان صدور دستور عدم پرداخت و اقدامات متأخر بر آن: ادعای مفقود یا سرقت شدن یا جعل چک

نکته ۷۵۴: در این صورت بانک با قید دلیل عدم پرداخت چک، گواهی عدم پرداخت صادر و به دارنده تسلیم می‌کند.

نکته ۷۵۵: دستور دهنده مکلف است ظرف یک هفته در مراجع کیفری طرح دعوا نموده و گواهی مخصوص به بانک ارائه دهد.

نکته ۷۵۶: بانک مکلف است تا تعیین تکلیف نهایی در مراجع قضایی یا انصراف دستور دهنده، وجه چک را در حساب مسدودی نگه داری نماید.

نکته ۷۵۷: در صورت عدم طرح شکایت پس از یک هفته، دارنده می‌تواند به بانک مراجعه و وجه چک را وصول نماید. به علاوه دارنده می‌تواند علیه دستور دهنده شکایت نماید، اگر خلاف ادعای دستور دهنده معلوم شود علاوه بر محکومیت دستور دهنده به حبس مقرر در ماده ۷ کلیه خسارات وارده را مطالبه کند.

نکته ۷۵۸: پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود مگر آنکه بانک ادعای جعل نماید.

نکته ۷۵۹: صدور چک بلامحل به نمایندگی و وکالت از شرکت: (برخلاف برات و سفته) صادرکننده و صاحب حساب متضامناً مسؤول پرداخت می‌باشند.

نکته ۷۶۰: مرور زمان دعوای راجع به اسناد تجاری پنج سال می‌باشد.

قراردادهای تجاری

دلالی

نکته ۷۶۱: قرارداد دلالی عقدی رضایی و جایز است زیرا به موجب ماده ۳۳۵ ق.ت. در موارد سکوت قانون تجارت، عقد دلالی تابع احکام وکالت است.

نکته ۷۶۲: قرارداد دلالی به فوت و حجر هر یک از طرفین عقد منفسخ می‌شود و همچنین هر یک از طرفین می‌توانند هر زمان که مایل باشند این قرارداد را فسخ بکنند.

نکته ۷۶۳: دلالی عقدی است عهدی. یعنی اقتضای ذات آن ایجاد تعهد برای متعاملین است نه تملیک مال،

نکته ۷۶۴: دلالی جزو نمایندگی‌های تجاری است. بنابراین دلال در واقع پس از انعقاد عقد، به عنوان نماینده‌ی آمر برای واسطه‌گری انعقاد قرارداد یا پیدا کردن طرف معامله اقدام می‌کند

نکته ۷۶۵: با انعقاد این قرارداد دلال متعهد به پیدا کردن طرف معامله یا واسطه‌گری انعقاد عقد می‌شود و آمر ملزم به پرداخت اجرت می‌گردد.

نکته ۷۶۶: دلالی عقدی است معوض. با وجود معوض بودن قرارداد دلالی، عدم تعیین اجرت در قرارداد موجب بطلان عقد نیست زیرا قرارداد دلالی در موارد سکوت قانون تجارت تابع احکام عقد وکالت است و در وکالت عدم تعیین اجرت، سبب بطلان قرارداد نمی‌شود و در صورت عدم تعیین اجرت وکیل مستحق اجرت‌المثل می‌گردد برخلاف اجاره که در آن تعیین اجرت شرط صحت قرارداد است. اجرت دلال تابع قرارداد است به شرط آنکه از تعرفه مقرر در آیین نامه تجاوز نکند.

نکته ۷۶۷: پرداخت اجرت دلال اصولاً برعهده‌ی آمر است مگر اینکه طرفین (آمر و طرف مقابل او) برخلاف این قاعده تراضی کرده باشند.

نکته ۷۶۸: دلال باید در پیدا کردن طرف معامله یا واسطه‌گری انعقاد عقد از روی صداقت رفتار کند و ملزم است طرفین را از جزییات مربوط به معامله آگاه سازد در غیر این صورت به واسطه‌ی ارتکاب تقصیر در انجام تعهد قراردادی خود مسؤول جبران خسارات وارده است.

نکته ۷۶۹: دلال ضامن و مسؤول ارزش یا جنس مالی که به واسطه‌ی او مورد معامله قرار می‌گیرد نمی‌باشد مگر اینکه ثابت شود تقصیر کرده است.

نکته ۷۷۰: مسؤولیت دلال در خصوص اشیا و یا اسنادی است که ضمن انجام معامله به او سپرده می‌شود، تعهد به نتیجه است.

نکته ۷۷۱: چنانچه معامله از روی نمونه منعقد شده باشد دلال ملزم است نمونه را تا خاتمه‌ی اجرای تعهدات ناشی از عقدی که

به واسطه‌ی او منعقد شده نگهداری کند مگر اینکه دو طرف قرارداد یعنی آمر و طرف مقابل او دلال را از این تکلیف معاف کنند.
نکته ۷۷۲: دلال در صورت **اجتماع** شرایط زیر مسؤول صحت و اعتبار امضای اسنادی است که بین طرفین مبادله می‌شود:

الف. اسناد و نوشته‌جات مبادله شده راجع به معامله‌ای باشد که به واسطه‌ی دلال منعقد شده است.

ب. اسناد و نوشته‌جات از طریق دلال بین طرفین مبادله شود. یعنی سند را یکی از طرفین بدهد به دلال و دلال تسلیم کند به طرف مقابل نه اینکه طرفین مستقیماً خودشان سند را مبادله کنند.

ج. امضای اسناد و نوشته‌جات **مستقیماً** مربوط به اشخاصی باشد که به واسطه‌ی دلال معامله کرده‌اند.

نکته ۷۷۳: دلال ضامن اعتبار اشخاصی که به وساطت او معامله می‌کنند نیست و همچنین مسؤول اجرای تعهدات در قراردادی که با وساطت او منعقد شده نمی‌باشد مگر اینکه هر دو طرف معامله و یا یکی از آن‌ها را ضمانت کرده باشد.

نکته ۷۷۴: دلال در صورتی که در معامله‌ای که به واسطه‌ی او انجام گرفته ذینفع یا سهمیم باشد باید این امر را به طرف مقابل اطلاع دهد والا علاوه بر اینکه مسؤول جبران خسارت می‌باشد مجرم است و به جزای نقدی از ۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ریال محکوم می‌شود.

نکته ۷۷۵: در صورتی که دلال در معامله‌ای که واسطه‌ی آن شده است ذینفع یا سهمیم باشد در هر حال با آمر متضامناً مسؤول اجرای عقد است اعم از اینکه این نکته را به طرف مقابل اطلاع داده باشد یا نه.

نکته ۷۷۶: تفاوت ذینفع و سهمیم بودن دلال در معامله این است که در فرض ذینفع بودن دلال نفع غیرمستقیم در منعقد شدن قرارداد دارد ولی در فرض سهمیم بودن دلال در آثار ناشی از عقد سهمیم می‌شود به عنوان مثال بخشی از مالکیت مبیع به او منتقل می‌شود.

نکته ۷۷۷: دلال ملزم است علاوه بر دفاتر تجاری یک دفتر دیگر به نام دفتر دلالی تنظیم و نگهداری کند. دفتر دلالی از حیث شرایط شکلی و تنظیمی تابع مقررات راجع به دفاتر تجاری است ولی اگر شغل دلال مخصوص به معاملات بین کسبه‌ی جزء باشد دلال مزبور نیز ملحق به کسبه‌ی جزء بوده و مکلف به انجام تکالیف مختص تجار نیست.

نکته ۷۷۸: دلال می‌تواند علاوه بر دلالی به سایر موضوعات تجاری اشتغال داشته باشد. یعنی هم دلالی بکند هم مثلاً تصدی به حمل و نقل داشته باشد یا در چند رشته‌ی مختلف دلالی کند.

نکته ۷۷۹: دلال زمانی مستحق دریافت اجرت می‌شود که معامله به راهنمایی و وساطت او تمام شده باشد.

نکته ۷۸۰: معامله زمانی تمام می‌شود که بین دو طرف منعقد گردد. با این تفسیر، پس از آنکه آمر و شخصی که به وساطت دلال با آمر معامله می‌کند قرارداد مورد نظر را منعقد کردند معامله تمام می‌شود و دلال مستحق اجرت می‌گردد.

نکته ۷۸۱: چنانچه قراردادی که با وساطت دلال منعقد شده اقاله و یا فسخ شود استحقاق دلال بر اجرت از بین نمی‌رود مگر اینکه فسخ شدن قرارداد مستند به فعل یا ترک فعل دلال باشد.

نکته ۷۸۲: دلالی معاملات ممنوع فاقد اجرت است. یعنی چنانچه شخصی واسطه‌ی انجام معامله‌ای گردد که به موجب قانون ممنوع است یا برای معامله‌ای که قانوناً ممنوع می‌باشد طرف معامله پیدا کند مستحق اجرت نخواهد بود.

نکته ۷۸۳: دلال برای وصول مطالبات خود از آمر بابت اجرت یا مخارج دلالی نسبت به مال موضوع معامله یا به طور کلی اشیاء و اسنادی که در اختیار اوست در مقابل آمر حق حبس ندارد برخلاف حق العمل کار و متصدی حمل و نقل.

نکته ۷۸۴: برخلاف حق العمل کار، دلال اصولاً مستحق دریافت مخارجی که برای انجام تعهد خود متحمل شده نمی‌باشد یعنی

مخارج و هزینه‌های دلالی برعهده‌ی خود دلال است نه آمر مگر اینکه طرفین برخلاف این تراضی کرده باشند. یعنی دلال و آمر توافق کنند که مخارج برعهده‌ی آمر باشد یا اینکه عرف تجاری محل دلال را مستحق مخارج بداند.

نکته ۷۸۵: دلال نمی‌تواند از طرف یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین کند یا تعهدات طرفین معامله را اجرا نماید مگر اینکه اجازه‌نامه‌ی مخصوص داشته باشد. اجازه‌ای که برای دلال جهت پرداخت دین یا قبض وجه اعطا می‌گردد باید مخصوص و مکتوب باشد.

نکته ۷۸۶: دلال از معامله با خود ممنوع است مگر اینکه آمر فروش کالا را به قیمت معینی به دلال عرضه کرده باشد یا کالا دارای مظنه‌ی بورسی باشد.

نکته ۷۸۷: حق دلالی به میزان مذکور در آیین‌نامه تعیین گردیده نه حق هر دلال. بنابراین اگر دلال‌ها دو نفر باشند هر کدام مستحق دلالی در حدود تعرفه نخواهد بود بلکه حق مزبور در آیین‌نامه بین آنها تقسیم خواهد شد.

حق العمل کاری

نکته ۷۸۸: حق العمل کاری قراردادی است رضایی است و مانند عقد دلالی جایز است و در موارد سکوت قانون تجارت تابع مقررات وکالت است.

نکته ۷۸۹: حق العمل کاری قراردادی عهدی و معوض است زیرا آمر باید به حق العمل کار اجرت بپردازد البته مانند دلالی و برخلاف اجاره عدم تعیین اجرت سبب بی‌اعتباری قرارداد حق العمل کاری نیست و در این صورت حق العمل کار، مستحق اجرت‌المثل خواهد بود.

نکته ۷۹۰: تعیین اجرت در قرارداد حق العمل کاری براساس تراضی طرفین تعیین می‌شود و برخلاف دلالی تعرفه‌ی رسمی در این خصوص مطرح نیست.

نکته ۷۹۱: در حق العمل کاری نمایندگی با واسطه یا به عبارت دیگر ناقص است. یعنی با انعقاد قرارداد توسط حق العمل کار برای اصیل حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد ابتدا به عهده و برای حق العمل کار به وجود می‌آید و سپس در مرحله‌ی دوم نماینده حقوق و تکالیف مزبور را در ازای انجام تعهدات قراردادی به وسیله‌ی (اصیل) آمر به شخص اخیرالذکر منتقل می‌کند.

نکته ۷۹۲: حق العمل کار برخلاف وکیل به اسم خود قرارداد منعقد می‌کند و همین امر موجب می‌شود خود او در برابر طرف قرارداد مسؤول انجام تعهدات قراردادی باشد.

نکته ۷۹۳: حق العمل کار در امور گمرکی به شخص اعم از حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که تشریفات گمرکی کالای متعلق به شخص دیگری را به وکالت از طرف آن شخص در گمرک انجام بدهد. با توجه به مراتب فوق ماهیت حق العمل کاری در امور گمرکی وکالت می‌باشد.

نکته ۷۹۴: هیچ شخصی به عنوان حق العمل کار در گمرک پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه پروانه‌ی مخصوص این شغل را از اداره‌ی کل گمرک تحصیل نموده باشد.

نکته ۷۹۵: مدت اعتبار پروانه‌ی حق العمل کاری فقط یک سال از تاریخ صدور آن است.

نکته ۷۹۶: در صورتی که دارنده‌ی پروانه، مایل به ادامه‌ی حق العمل کاری در گمرک باشد باید قبل از انقضای مدت و یا پرداخت بهای تمبر پروانه و تسلیم دفتر مخصوص حق العمل کاری تمدید آن را از گمرک صادرکننده پروانه تقاضا کند.

نکته ۷۹۷: حق العمل کار باید آمر را از اقداماتی که برای انجام معامله صورت می‌دهد مطلع سازد.

نکته ۷۹۸: حق العمل کار باید در انعقاد معامله دستورات آمر را رعایت کند. بنابراین اگر آمر برای خرید یا فروش مال قیمتی تعیین کرده باشد، حق العمل کار نمی‌تواند معامله را به کمتر یا بیشتر از این قیمت منعقد کند مگر اینکه ثابت کند برای پرهیز از ضرر بیشتر از دستور آمر تخطی کرده و کسب اجازه به موقع از آمر امکان‌پذیر نبوده است.

نکته ۷۹۹: کسب سود از قبَل معامله برای حق العمل کار ممنوع است. بنابراین از معامله هر سودی که عاید گردد، متعلق به آمر خواهد بود.

نکته ۸۰۰: حق العمل کار نباید به صورت نسبی معامله کند یا برای معامله پیش‌قسط دهد و در غیر این صورت مسؤول جبران زیان‌های وارده به آمر است مگر اینکه فروش نسبی در عرف معمول باشد که در این صورت حق العمل کار مجاز به معامله‌ی نسبی است مگر اینکه آمر دستور مخالف دهد.

نکته ۸۰۱: اگر حق العمل کار، مأمور به خرید است نمی‌تواند مال خود را به آمر منتقل کند مگر اینکه آمر صراحتاً معامله با خود را به او اجازه داده باشد یا اینکه مال موضوع معامله قیمت بورسی یا بازاری داشته باشد. در این صورت در فرضی که مال موضوع معامله قیمت بورسی دارد چنانچه حق العمل کار با خود معامله کند باید قیمت زمان معامله با خود یا به اصطلاح قانون تجارت قیمت زمان انجام وکالت را به آمر تأدیه کند.

نکته ۸۰۲: در صورتی که حق العمل کار در مواردی که مجاز به معامله با خود است با خود معامله کند حق مطالبه‌ی اجرت و مخارج را خواهد داشت.

نکته ۸۰۳: حق العمل کار در مقابل آمر مسؤول اجرای تعهدات طرف مقابل نیست. به این معنا که اگر مأمور فروش باشد، در مقابل آمر مسؤول پرداخت قیمت معامله نخواهد بود مگر اینکه از طرف مقابل ضمانت کرده باشد یا عرف تجاری محل حق العمل کار را مسؤول قلمداد کند.

نکته ۸۰۴: حق العمل کار به موجب ماده ۳۶۹ زمانی مستحق دریافت اجرت می‌شود که معامله اجرا شده باشد مگر اینکه برخلاف این امر تراضی کرده باشند یا اینکه عدم اجرای قرارداد مستند به فعل آمر باشد.

نکته ۸۰۵: چنانچه اجرا نشدن قرارداد مستند به اسباب دیگری غیر از فعل یا ترک فعل آمر باشد، حق العمل کار متناسب با اقدامات انجام شده مستحق اجرت‌المثل است (استیفای مشروع). همانند جعاله در قانون مدنی که اگر اجزاء مقصود بالاصاله باشند و جعاله منحل شود، عامل به میزان عمل خود مستحق اجرت است.

نکته ۸۰۶: حق العمل کار برای مطالبه‌ی اجرت و مخارجی که متحمل شده است در مقابل آمر حق حبس دارد برخلاف دلال.

نکته ۸۰۷: حق العمل کار می‌تواند مخارجی را که برای انجام حق العمل کاری متحمل شده از آمر مطالبه نماید. همچنین اگر به حساب و نفع آمر مساعده (پیش‌پرداخت) داده باشد این مبلغ را اصلاً و منفعتاً می‌تواند از آمر مطالبه کند برخلاف دلالی مگر اینکه طرفین برخلاف آن تراضی کرده باشند. یعنی اینکه توافق کنند مخارج برعهده‌ی حق العمل کار باشد.

نکته ۸۰۸: در رابطه‌ی حق العمل کار و طرف قرارداد، چون حق العمل کار به نام خود معامله می‌کند اصیل محسوب شده و باید تعهدات ناشی از قرارداد را اجرا کند و از این جهت تعهد او مانند تعهد اصیل است.

نکته ۸۰۹: اگر بیم فساد سریع مال‌التجاره‌ای رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار می‌تواند و اگر **منافع آمر ایجاب کند مکلف** است مال‌التجاره را با **اطلاع** مدعی‌العموم (نه اجازه مدعی‌العموم) محلی که مال‌التجاره در

آنجاست یا نماینده‌ی او به فروش برساند.

تصدی به حمل و نقل

نکته ۸۱۰: متصدی حمل و نقل در قانون تجارت با انعقاد قرارداد، ملزم و مکلف می‌شود محموله را بدون هیچ عیب و نقصی به مقصد برساند. یعنی تعهد متصدی در خصوص به مقصد رساندن محموله بدون عیب و نقص در قانون تجارت، تعهد به نتیجه است.

نکته ۸۱۱: اسباب معافیت متصدی از مسؤولیت به شرح زیر است:

الف. ثابت شود که تلف یا معیوب و ناقص شدن محموله، مربوط به جنس محموله است.

ب. در صورتی که ثابت شود تلف یا عیب و نقص محموله، مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل‌الیه است.

ج. ثابت شود تلف یا عیب و نقص، ناشی از تعلیماتی بوده است که ارسال کننده یا مرسل‌الیه به متصدی داده است.

د. ثابت شود تلف یا عیب و نقص محموله، مربوط به علل قهریه است که هیچ متصدی حمل و نقل مواظب و محتاط نیز نمی‌توانسته از حدوث آنها جلوگیری کند.

نکته ۸۱۲: در صورتی که متصدی حمل و نقل پس از انعقاد قرارداد حمل کالا را به شخص دیگری واگذار نماید، یعنی شخص دیگری را مأمور حمل کالا کند و در زمان حمل به محموله خسارت وارد شود زیان دیده صرفاً حق رجوع به متصدی طرف قرارداد را دارد و نمی‌تواند خسارت را طبق قرارداد حمل و نقل از شخصی که مأمور به حمل است مطالبه کند ولی مأمور به حمل و نقل طبق قواعد مسؤولیت مدنی در مقابل مالک مسؤول است.

نکته ۸۱۳: متصدی حمل و نقل پس از جبران زیان می‌تواند به عامل زیان (شخص مأمور حمل کالا) جهت مطالبه و وصول آنچه که به زیان دیده پرداخته رجوع کند.

موارد معافیت از مسؤولیت:

نکته ۸۱۴: **خسارات ناشیه از جنس کالا:** بعضی اوقات خسارت ناشی از جنس خود کالا است. مثلاً خشکبار کرم می‌زند یا ماهی فاسد می‌شود. چون این گونه خسارات مختص خود کالا است، مسؤولیتی برای متصدی حمل و نقل ایجاد نمی‌کند مگر اینکه متصدی حمل و نقل برای حمل آنها تعهد مخصوصی کرده باشد. مثلاً اگر بایستی ماهی با کامیون یخچالی حمل شود متصدی حمل و نقل آن را با کامیون‌های عادی فرستاده باشد.

نکته ۸۱۵: **خسارات ناشی از تقصیر ارسال کننده یا مرسل‌الیه:** فرستنده‌ی کالا باید کالا را به نحو مناسبی عدل‌بندی کند. بنابراین اگر کالای شکستنی درست عدل‌بندی نشود و در نتیجه شکسته شود، متصدی حمل و نقل مسؤول نیست مگر در مورد ماده ۳۸۱.

نکته ۸۱۶: **خسارات ناشی از تعلیمات ارسال کننده یا مرسل‌الیه:** مثلاً با وجود اینکه هوا گرم است فروشنده دستور می‌دهد ماهی یا گوشت به وسیله‌ی وسایل نقلیه عادی فرستاده شود یا با وجود اینکه هوا بارانی و طوفانی است دستور حمل بدهد و در نتیجه کالا خسارت ببیند یا اینکه کالا قبل از حمل یا بعد از رسیدن به مقصد طبق دستور فروشنده یا گیرنده کالا را در محل مخصوصی که از طرف آنها تعیین شده است بگذارد و در نتیجه کالا خسارت ببیند متصدی حمل و نقل مسؤولیتی ندارد.

نکته ۸۱۷: اگر محموله تلف شود قرارداد حمل خود به خود منفسخ می‌شود. چون اجرای قرارداد غیرممکن می‌گردد. در این باره فرقی نمی‌کند متصدی قانوناً مسؤول جبران خسارت باشد و یا مسؤولیت این امر برعهده‌ی وی نباشد. اثر انفساخ قرارداد بری شدن طرفین قرارداد از تعهدات قراردادی است و در صورتی که متصدی بابت کرایه حمل وجهی گرفته باشد باید مسترد دارد.

نکته ۸۱۸: حقوق متصدی حمل و نقل: متصدی حمل و نقل می‌تواند مانند حق‌العمل کار در صورتی که مخارجی را به نفع ارسال‌کننده در طول حمل یا پس از رسیدن محموله به مقصد متحمل شده است از ارسال‌کننده یا مرسل‌الیه مطالبه کند.

نکته ۸۱۹: متصدی حمل و نقل مانند حق‌العمل کار برای وصول اجرت و مخارج نسبت به محموله در مقابل ارسال‌کننده و مرسل‌الیه حق حبس دارد.

نکته ۸۲۰: اصولاً پرداخت اجرت متصدی حمل و نقل برعهده‌ی ارسال‌کننده است زیرا ارسال‌کننده با متصدی قرارداد بسته و بر اجرت توافق کرده‌اند و با توجه به اینکه مرسل‌الیه با متصدی حمل و نقل طرف قرارداد نیست لذا تکلیف قانونی یا قراردادی برای پرداخت اجرت به متصدی حمل و نقل ندارد ولی چنانچه بخواهد محموله به او تسلیم شود متصدی حمل و نقل می‌تواند تسلیم محموله را به او مشروط به پرداخت اجرت و مخارج کند یعنی در مقابل او حق حبس دارد.

نکته ۸۲۱: اگر مرسل‌الیه مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می‌نماید قبول نکند، حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت **مگر اینکه مبلغ متنازع‌فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.**

نکته ۸۲۲: زمان پرداخت اجرت متصدی حمل و نقل در نوبت اول تابع قرارداد طرفین است یعنی ارسال‌کننده و متصدی حمل و نقل. چنانچه قرارداد طرفین در این خصوص ساکت باشد، متصدی حمل پس از رسیدن کالا به مقصد مستحق اجرت می‌شود مگر اینکه ارسال‌کننده قبل از رسیدن محموله به مقصد رد آن را تقاضا کند. یعنی آن را استرداد کند که در این صورت استرداد کالا منوط است به پرداخت اجرت متصدی حمل و نقل.

نکته ۸۲۳: قانون تجارت برای دعوی مسؤولیت مدنی (دعوی خسارت) علیه متصدی حمل و نقل مرور زمان یک ساله مقرر کرده است. این مرور زمان لازم‌الاجرا و قابل استناد است. مرور زمان مذکور در دعوی مطالبه‌ی عین محموله قابل استناد نیست. به بیان دیگر غیر از دعوی مسؤولیت مدنی سایر دعاوی که ارسال‌کننده یا مرسل‌الیه علیه متصدی حمل و نقل طرح می‌کنند فاقد مرور زمان است.

ورشکستگی

نکته ۸۲۴: مقررات ورشکستگی فقط مختص به **تجار** است اعم از حقیقی یا حقوقی (شرکتها و حتی تعاونی‌ها). توقف از سوی غیرتاجر تحت عنوان افلاس رسیدگی می‌شود (اعسار). وفق ماده ۵۱۲ ق.آ.د.م از تاجر، دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. کسبه‌ی جزء مشمول مقررات ورشکستگی نیستند و باید درخواست اعسار کنند.

نکته ۸۲۵: تاجری که مدعی اعسار نسبت به هزینه‌ی دادرسی می‌باشد باید برابر مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد. کسبه‌ی جزء مشمول این ماده نخواهند بود.

نکته ۸۲۶: تأثیر صدور حکم ورشکستگی شرکت بر شرکای شرکت: ورشکستگی شرکت تضامنی، ملازمه‌ی قانونی با ورشکستگی شریک ندارد مگر آنکه شرکت منحل شود و طلبکار به شریک مراجعه نماید و شریک از پرداخت طلب عاجز باشد و شخصاً نیز تاجر باشد و طلبکار طرح دعوی نماید و دادگاه توقف شریک تاجر را احراز نماید و حکم به ورشکستگی شریک دهد.

نکته ۸۲۷: صرف عدم پرداخت دین، موجب توقف است و استمرار عدم امکان پرداخت تا زمان صدور حکم ملاک نیست.

نکته ۸۲۸: توقف در پرداخت دیون اعم از دیون مدنی یا تجاری ضابطه‌ی ورشکستگی می‌باشد اما توقف در پرداخت دینی را می‌توان ملاک توقف قرار داد که مسلم و منجز باشد اعم از آنکه دین مربوط به امور تجاری یا غیرتجاری باشد. در نتیجه اگر دینی موجب باشد توقف از پرداخت سالبه به انتفاع موضوع است و دینی هم که محل اختلاف باشد و محتاج رسیدگی قضایی باشد، عدم پرداخت آن موجب توقف نمی‌باشد مگر آنکه ادعای تاجر رد شده و دین وی ثابت شود و تاجر از پرداخت آن و اجرای حکم استنکاف ورزد.

نکته ۸۲۹: توقف در تعهدات غیر مالی مانند تعهد به انجام امری نمی‌تواند ضابطه‌ی توقف باشد اما در صورتی که تاجر از انجام تعهد مانند شرط فعلی که ضمن عقد بوده خودداری کرده و وفق ماده ۲۳۸ قانون مدنی، محکوم به پرداخت مابه ازای مالی آن شده باشد- یعنی دادگاه حکم به انجام تعهد به وسیله‌ی متعهد له و به هزینه‌ی متعهد داده باشد- و تاجر از تأدیه و پرداخت محکوم به استنکاف ورزد، می‌تواند اماره ای بر توقف وی باشد.

نکته ۸۳۰: شرط پذیرش دعوی ورشکستگی، توقف در زمان معامله یا زمان سررسید بدهی است نه زمان طرح دعوا. در نتیجه اگر تاجر در زمان سررسید یا معامله متوقف باشد و پس از آن در حین رسیدگی امکان پرداخت داشته باشد، قانوناً حکم ورشکستگی صادر می‌شود و تاجر می‌تواند متعاقباً درخواست اعاده‌ی اعتبار کند. البته در رویه قضایی چنین امری واقع نمی‌شود.

نکته ۸۳۱: تاریخ توقف تاریخ وقفه در ادای دیون است و محدودیتی ندارد و می‌تواند یک ماه یا یک سال یا ۱۰ سال قبل از تاریخ رسیدگی دادگاه باشد و طلبکاران می‌توانند نظر خود را راجع به این تاریخ بیان کنند و وفق ماده ۵۳۸ ق.ت.پس از انقضای مدتی که برای تشخیص و تصدیق طلب طلبکاران تعیین می‌شود دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکاران راجع به تعیین تاریخ توقف قبول نمی‌شود.

نکته ۸۳۲: اگر ورشکستگی راجع به تاجر متوفی باشد و دادگاه تاریخی را جهت توقف اعلام نکرده باشد، تاریخ فوت، تاریخ توقف محسوب می‌شود.

نکته ۸۳۳: اعلام توقف از سوی ورثه‌ی تاجر و طلبکاران و دادستان اختیاری است اما از سوی خود تاجر، اجباری است.

نکته ۸۳۴: وفق قانون تاجر باید ظرف سه روز از توقف، توقف خود را به دادگاه اعلام و صورت حساب دارایی و دفاتر تجاری خود شامل تقویم کلیه اموال و قروض و مطالبات و صورت نفع و ضرر و مخارج شخصی را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. ضمانت اجرای تخلف از این حکم، می‌تواند منجر به صدور حکم ورشکستگی شود (ورشکستگی به تقصیر اختیاری = دادگاه مخیر به محکوم نمودن تاجر به ورشکستگی به تقصیر می‌شود).

نکته ۸۳۵: در مورد شرکت‌ها این وظیفه برعهده‌ی مدیران شرکت است. توجه کنید که این اعلام ماهیتاً اقرار نیست بلکه برعکس ممکن است بر اساس سوء نیت تاجر، اظهار به امری باشد که به نفع خود و به ضرر دیگری (یعنی طلبکاران) باشد در نتیجه دلیل قطعی نیست و دادگاه باید دقیقاً بررسی کند.

نکته ۸۳۶: وفق ماده ۱۴۵ ق.آ.د.م در صورتی که خواهان دعوای مدنی از اتباع بیگانه باشد باید به درخواست خوانده ایرانی تأمین مناسب بسپارد ولی در خصوص دعوای علیه متوقف به استناد بند ۵ همان ماده چنین الزامی وجود ندارد و خوانده‌ی دعوای توقف-تاجر ایرانی- نمی تواند از خواهان تبعه خارجه- طلبکار- درخواست تأمین اتباع بیگانه کند.

نکته ۸۳۷: وفق مواد ۲۱ و ۲۲ ق.آ.د.م دادگاه صالح برای رسیدگی دادگاه حقوقی محل اقامت تاجر است و در مورد شرکت‌ها مرکز اصلی شرکت ملاک است.

نکته ۸۳۸: دادخواست از سوی طلبکاران، به طرفیت تاجر طرح می‌شود و اگر تاجر وفق وظیفه قانونی خود اقدام به اعلام توقف نموده باشد باید دعوای را به طرفیت طلبکاران و دادستان طرح کند.

نکته ۸۳۹: این دعوای غیرمالی است. پس هزینه طرح دعوای معادل ۵۰ هزار ریال می‌باشد.

نکته ۸۴۰: وفق ماده ۴۹۶ ق.آ.د.م دعوای ورشکستگی قابل ارجاع به داور و همچنین قابل رسیدگی در شوراهای حل اختلاف نیست.

نکته ۸۴۱: وفق ماده ۴۵۸ ق.ت نسبت به تمام دعوای که هیأت طلبکارها در آن ذینفع می‌باشند، مدیر تصفیه با اجازه‌ی عضو ناظر می‌تواند دعوای را به صلح خاتمه دهد اگر چه دعوای مزبوره راجع به اموال غیرمنقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

نکته ۸۴۲: وفق ماده ۴۵۹ اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد، صلح لازم‌الاجراء نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح‌نامه تاجر ورشکسته احضار می‌شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند. اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیرمنقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ورشکستگی به تقصیر اجباری:

نکته ۸۴۳: بند (۱) ولخرجی و بی کفایتی در مخارج شخصی یا مخارج خانه تاجر ورشکسته در ایام عادی

نکته ۸۴۴: بند (۲) ریسک غیرمنطقی و بی حساب تاجر

نکته ۸۴۵: بند (۳) خرید گران برای معلوم نشدن کمبودهای تجاری وی یا فروش ارزان برای به دست آوردن نقدینگی یا قرض گرفتن یا صدور برات سازشی یا وام‌های با نرخ بهره بالا یا گرفتن ربا.

نکته ۸۴۶: بند (۴) ترجیح دادن یکی از طلبکارها پس از تاریخ توقف بر سایر طلبکاران و پرداخت طلب وی.

ورشکستگی به تقصیر اختیاری:

نکته ۸۴۷: بند (۱) برعهده گرفتن تعهدات مالی دیگری بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید. با توجه به اینکه پذیرش اینگونه تعهدات با وضع وی فوق العاده و خارج از اصول تجاری می‌باشد مانند قبول ضمانت موجب نقل ذمه بدون اجازه‌ی مضمون عنه.

نکته ۸۴۸: بند (۲) پس از سه روز از تاریخ توقف، آن را با وجود سوء نیت به دادگاه اعلام نکرده است.

نکته ۸۴۹: بند (۳) در صورتی که دفتر نداشته یا دفتر او ناقص و یا بی‌ترتیب بوده و یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد. البته مشروط به اینکه در این موارد مرتکب تقلب نشده باشد.

ورشکستگی به تقلب:

نکته ۸۵۰: بند (۱) مفقود کردن دفاتر تجاری (عمدی و به قصد تقلب).

نکته ۸۵۱: بند ۲) از میان بردن صوری قسمتی از دارایی تاجر از طریق مواضعه و معاملات صوری.

نکته ۸۵۲: بند ۳) مخفی کردن قسمتی از دارایی به وسیله‌ی تاجر.

نکته ۸۵۳: بند ۴) بیشتر نشان دادن متقلبان‌ی بدهی به وسیله‌ی تاجر برای کم کردن سهم غرمایی (غرما یعنی طلبکاران).

نکته ۸۵۴: اگر از بین بردن تمام یا قسمتی از دارایی تاجر توسط یکی از اقوام ورشکسته و بدون مشارکت مشارالیه باشد به مجازات مقرر در ماده ۵۵۲ ق.م.ا محکوم می‌شود یعنی در حکم سرقت است اما اگر این امر از سوی سایر نزدیکان - غیر از اقوام - باشد و یا اقوام با مشارکت ورشکسته این اقام را بکنند مشمول مجازات مقرر در ماده ۵۵۱ ق.ت محکوم می‌شوند یعنی در حکم ورشکستگی به تقلب است.

صدور حکم ورشکستگی و آثار آن:

نکته ۸۵۵: محجوریت تاجر و متعاقباً منع مداخله وی در کلیه امور مالی: ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است.

نکته ۸۵۶: ممنوعیت های تاجر شامل اموال موجود و همچنین اموالی که بعد از صدور حکم به دست می‌آید می‌باشد چه ارادی و چه قهری (ارث)

نکته ۸۵۷: تاجر از مداخله در امور مالی دیگران ممنوع نیست.

نکته ۸۵۸: تاجر از مداخله در امور غیر مالی خود و دیگران ممنوع نیست.

نکته ۸۵۹: ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به موجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت از مداخله در کلیه اموال خود ممنوع است و مدعی خصوصی نیز در صورتی که به اموال او دسترسی داشته باشد، به واسطه‌ی اینکه دارایی ورشکسته متعلق حق همه‌ی طلبکاران است حق مداخله نداشته و باید برای استیفای حقوق خود به اداره‌ی تصفیه مراجعه نماید.

نکته ۸۶۰: اگر حکمی مالی علیه تاجر صادر شده باشد و در مهلت تجدیدنظر، حکم ورشکستگی وی نیز صادر شود وفق ماده ۳۳۷ ق.آ.د.م، مهلت جدید تجدیدنظرخواهی، از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار در مورد ورشکسته به‌مدیر تصفیه شروع می‌شود.

نکته ۸۶۱: وفق ماده ۳۳ ق.ا.م هرگاه محکوم علیه بازرگان بوده و در جریان اجرای حکم مالی، ورشکسته شود مراتب از طرف مدیر اجرا به اداره‌ی تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام می‌شود تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام شود.

نکته ۸۶۲: وفق ماده ۴۲۱ همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می‌شود. بر همین مبنا وفق ماده ۴۲۲ اگر تاجر ورشکسته سفته صادر کرده باشد یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته باشد؛ سایر اشخاصی که مسؤول تأدیه وجه فته طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین نمایند.

نکته ۸۶۳: ضامن وی از این حکم مستثنی است و وفق ماده ۴۰۵ ق.ت قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو اینکه به واسطه‌ی ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجل او حال شده باشد. توجه کنید در این ماده از چک سخنی به میان نیامده و دلیل آن این است که از نظر قانون تجارت چک سندی حال و بی وعده است در نتیجه به محض صدور باید کارسازی (پرداخت) شود.

بطلان برخی معاملات از تاریخ صدور حکم (موضوع ماده ۴۲۳ ق.ت)

نکته ۸۶۴: الف. صلح محاباتی - صلح معوضی که عوض آن ناچیز است - هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از این که راجع به عین منقول یا غیرمنقول یا منافع یا حقوق مالی باشد.

نکته ۸۶۵: ب. تأدیه کردن هر قرض اعم از حال یا موجد به هر وسیله که به عمل آمده باشد.

نکته ۸۶۶: ج. هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود منظور معاملاتی مثل رهن است که هر دو شرط مقید شدن و به ضرر طلبکاران را دارد.

نکته ۸۶۷: وفق رای وحدت رویه: ماده ۴۱۷ قانون تجارت حکم ورشکستگی تاجر را موقتاً قابل اجرا شناخته است. در بند ۲ و بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت هم تصریح شده که تأدیه هر قرض تاجر ورشکسته اعم از حال یا موجد به هر وسیله که به عمل آمده باشد و هر معامله که مالی از اموال منقول و غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود، باطل و بی اثر است.

نکته ۸۶۸: در هر مورد که بعد از تاریخ توقف، حکمی علیه تاجر متوقف در مورد بدهی او به بعضی از بستانکاران وی صادر و اجرا شود، کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات مربوط که متضمن ضرر سایر طلبکاران تاجر ورشکسته می باشد مشمول ماده ۴۲۳ قانون تجارت بوده و باطل و بی اعتبار است.

نکته ۸۶۹: استماع دعاوی استرداد: در دعاوی استرداد، خواهان دعوی در زمره طلبکاران نیست بلکه مالک و خواهان عین است و استرداد آن را از دادگاه می خواهد.

نکته ۸۷۰: تاجر حق العمل کار بوده جهت فروش مال خواهان - موضوع مواد ۵۲۹ و ۵۳۱ قانون تجارت - و در حین ورشکستگی، مال التجاره نزد تاجر ورشکسته بوده و مادام که عین آنها کلاً یا جزئاً نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.

نکته ۸۷۱: هرگاه مال التجاره معامله شده و بین خریدار و تاجر ورشکسته قیمت آن پرداخت نشده باشد، از طرف صاحب مال (فروشنده) قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر یا خریدار باشد. به طور کلی هر مال متعلق به دیگری در نزد تاجر ورشکسته، قابل استرداد است.

نکته ۸۷۲: تاجر حق العمل کار جهت خرید بوده است - موضوع ماده ۵۳۰ ق.ت - و مال التجاره ای به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است، اگر قیمت آن پرداخت نشده باشد از طرف فروشنده و اگر پرداخت شده باشد از طرف خریدار قابل استرداد است.

نکته ۸۷۳: فروش مال به تاجر موضوع ماده ۵۳۳ قانون تجارت: فردی مال التجاره ای به تاجر ورشکسته فروخته لیکن هنوز جنس به تاجر تسلیم نشده و نه به کسی که به حساب او بیاورد (تاجر خود اصیل در معامله بوده)، آن کسی می تواند به اندازه ای که وجه را نگرفته از تسلیم آن امتناع کند. یعنی حق حبس دارد (ماده ۵۳۳ قانون مدنی در خصوص خيار تفلیس).

نکته ۸۷۴: اگر مال فروخته شده و به متصدی حمل داده شده باشد تا آن را به تاجر برساند و در این حین تاجر ورشکسته شود، فروشنده می تواند استرداد آن را از متصدی حمل بخواهد (مادام که به تاجر تسلیم نشده است) و استرداد کننده باید وجوهی را که به طور علی الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و نقل و کمیسیون و بیمه تأدیه شده به طلبکارها بپردازد اما اگر تاجر مالی را که به وسیله متصدی حمل برای وی ارسال شده است به وسیله ی بارنامه فروخته باشد و فروش صوری نباشد، دعوی استرداد پذیرفته نیست.

نکته ۸۷۵: طبق ماده ۴۲۴ قانون تجارت: معاملات تاجر به قصد فرار از دین یا برای اضرار به طلبکاران باشد و متضمن ضرری بیش از یک چهارم قیمت باشد در این صورت معامله در ظرف دو سال از تاریخ انعقاد قابل فسخ می‌باشد.

نکته ۸۷۶: وفق ماده ۴ ق.ن.ا.م.م هر کس با قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم الاجرا و کلیه محکومیت های مالی، مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقیمانده ای اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهار ماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال گیرنده باشد عین آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از اموال انتقال گیرنده بابت تادیبه ای دین استیفا خواهد شد.

نکته ۸۷۷: وفق ماده ۲۱۸ مکرر ق.م. هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده و دلایل اقامه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه می‌تواند قرار توقیف اموال وی را به میزان بدهی او صادر نماید که در این صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت.

نکته ۸۷۸: وضعیت معاملات بین تاریخ توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی: سه نص قانونی در این باره وجود دارد:

۱. ماده ۴۲۳ قانون تجارت

۲. ماده ۵۵۷ قانون تجارت

۳. ماده ۴۲۶ قانون تجارت (این ماده در هر سه دوره شمول دارد)

نکته ۸۷۹: اصل تساوی بستانکاران: این اصل در خصوص بستانکاران عادی رعایت می‌شود یعنی در طبقه ای طلبکارانی که در ردیف غرمای با وثیقه و حق تقدم نیستند.

نکته ۸۸۰: بر مبنای اصل منع اعمال حقوق کاهش دهنده ای دارایی، ماده ۴۲۳ قانون تجارت که ناظر به ورشکستگی عادی و به تقصیر است بیان نموده است.

نکته ۸۸۱: از آنجا که تاریخ توقف در صحت قراردادهای تاجر موثر است، تعیین تاریخ توقف نقش تعیین کننده ای در بطلان یا صحت قراردادها و در نتیجه اموال تاجر خواهد داشت.

نکته ۸۸۲: تاریخ توقف با اعتراض ذینفعان قابل تغییر است.

نکته ۸۸۳: در صورتی در حکم دادگاه، تاریخ توقف تعیین نشده باشد، تاریخ توقف همان تاریخ حکم خواهد بود.

نکته ۸۸۴: در صورتی که امور تصفیه در اداره ای تصفیه صورت گیرد تابع قانون اداره ای تصفیه امور ورشکستگی و در موارد سکوت، تابع قانون تجارت است ولی در محل هایی که اداره ای تصفیه تشکیل نشده و امور تصفیه توسط مدیر تصفیه و عضو ناظر صورت می‌گیرد تابع قانون تجارت است.

نکته ۸۸۵: بر مبنای اصل منع اعمال حقوقی کاهش دهنده ای دارایی، ماده ۵۵۷ ق.ت. ناظر بر ورشکستگی به تقلب مقرر نموده است: کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد، نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است و طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که به موجب قرارداد باطل دریافت نموده به اشخاص ذیحق مسترد نماید.

نکته ۸۸۶: طبق ماده ۴۲۶ قانون تجارت: چنانچه معامله تاجر صوری یا مسبوق به تبانی باشد، باطل و کن لم یکن می‌باشد.

- نکته ۸۸۷:** وضعیت معاملات دوره سوم: طبق ماده ۴۱۸ قانون تجارت معاملات تاجر در این دوره، باطل است.
- نکته ۸۸۸:** وفق رای وحدت وریه شماره ۱۵۵ - ۱۳۴۷/۱۲/۱۴: طلبکاران ورشکسته اعم از این که وثیقه داشته باشند یا نه حق مطالبه خسارت تاخیر تادیه ایام بعد از تاریخ توقف را ندارند.
- نکته ۸۸۹:** وفق رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور: چون ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به موجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت از مداخله در کلیه اموال خود ممنوع است و مدعی خصوصی نیز در صورتی که به اموال او دسترسی داشته باشد به واسطه این که دارایی ورشکسته متعلق حق همه طلبکاران است حق مداخله نداشته و باید برای استیفای حقوق خود به اداره تصفیه مراجعه نماید و نمی تواند ورشکسته را به استناد آن توقیف کرد. بنا بر این تصمیم شعبه سی ام دادگاه جنحه تهران صحیح و مطابق با موازین قانونی است.
- نکته ۸۹۰:** طلبکارانی که در دوره اول و دوم طلبکار شده اند داخل در صف غرما می شود اما طلبکاران دوره سوم (اشخاصی که پس از اعلان حکم ورشکستگی از تاجر طلبکار شوند) داخل در صف غرما نمی شوند. این طلبکاران باید منتظر بمانند تاجر بدهی طلبکاران دیگر را بپردازد اگر چیزی ماند بعداً طلب خود را وصول نمایند.
- نکته ۸۹۱:** عملیات تصفیه و تقسیم: این عملیات شامل پرداخت بدهی های تاجر و وجوه مطالبات و انجام تعهدات و تقسیم اموال باقیمانده است.
- نکته ۸۹۲:** عملیات تصفیه از طریق دو مجرا صورت می گیرد: ۱- مدیر تصفیه ۲- عضو ناظر (البته در شهرهایی که اداره تصفیه است این امور کلاً توسط اداره تصفیه انجام می شود).
- نکته ۸۹۳:** مدیر تصفیه شخصی است که از سوی دادگاه برای انجام امور تصفیه ورشکسته تعیین می شود.
- نکته ۸۹۴:** وفق نظامنامه راجع به مواد ۴۴۰ و ۴۴۱ و.... اشخاصی که با تاجر ورشکسته قرابت نسبی یا سببی تا درجه چهارم دارند یا طلبکار ورشکسته هستند نباید به مدیریت تصفیه معین شوند اما قانون ممنوعیتی برای مدیران شرکت در نظر نگرفته است. بنابراین آنها می توانند به سمت مدیر تصفیه انتخاب شوند.
- نکته ۸۹۵:** پس از تعیین مدیر تصفیه اولین وظیفه وی تهیه صورتی از طلبکاران احتمالی تاجر ورشکسته است.
- نکته ۸۹۶:** تهیه صورت مزبور پس از پایان مهلت ۲۰ روزه اعتراض به تاریخ توقف می باشد (موضوع ماده ۵۳۸ ق.ت).
- نکته ۸۹۷:** صورت مزبور را مدیر تصفیه با مراجعه به صورت قروضی که تاجر متوقف مطابق ماده ۴۱۴ قانون تجارت می دهد و یا بر طبق دستور ماده ۴۴۹ در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارایی خود را تسلیم ننموده باشد تنظیم می کند.
- نکته ۸۹۸:** پس از آنکه صورت طلبکاران احتمالی موافق ماده فوق تنظیم گردید، مدیر تصفیه به وسیله اعلان در مجله رسمی و لااقل یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر **به فاصله پنج روز**، به طلبکاران احتمالی اخطار می کند که در مدت های ذیل خود را معرفی کرده و اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.
- نکته ۸۹۹:** مدت های مذکور از این قرار است:
- الف. برای طلبکاران مقیم در مقر دادگاه **یک ماه** از تاریخ نشر آخرین اعلان.
- ب. برای طلبکاران مقیم در سایر نقاط ایران **دو ماه** از تاریخ نشر آخرین اعلان.

ج. برای طلبکاران مقیم در خارج سه ماه از تاریخ نشر آخرین اعلان.

نکته ۹۰۰: تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین می‌گردد تعقیب می‌شود.

نکته ۹۰۱: وفق ماده ۴۶۷ اگر طلب مسلم و قبول شد، مدیر تصفیه در روی سند عبارت "جزو دیون منظور شد" را نوشته، امضاء نموده و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می‌کند.

نکته ۹۰۲: هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع می‌باشد.

نکته ۹۰۳: وفق ماده ۴۶۴ ق.ت هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جز صورت حساب دارایی منظور شده می‌تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور به هم رسانیده و نسبت به طلبهایی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید. همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.

نکته ۹۰۴: **طلب تصدیق شده:** طلبی است که اداری تصفیه آن طلب را قبول نموده است و طلبکاران دیگر به آن اعتراض نکرده‌اند.

نکته ۹۰۵: **طلب موقت قبول شده:** طلبی است که اداری تصفیه طلب را قبول نموده ولی یک یا چند نفر از طلبکاران بدان اعتراض کرده‌اند. معترض به هزینه خود اقامه‌ی دعوی می‌کند. اگر دعوی محکوم به رد شد هزینه از کیسه معترض رفته است ولی اگر حکم به نفع خواهان صادر شود از آن طلب اعتراض شده تا حد طلب معترض به ایشان به عنوان پاداش داده می‌شود و هزینه‌ی دعوی نیز به وی مسترد می‌شود.

نکته ۹۰۶: طلبکارانی که رهنه دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می‌شوند.

نکته ۹۰۷: اعتراض به صورت مطالبات از سوی طلبکارانی که طلبشان جزء صورتی دارایی تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است و تاجر ورشکسته پذیرفته می‌شود.

نکته ۹۰۸: هرگاه در قبال طلبی اموال شخص ثالثی در رهن بوده باشد، این قسمت جزو بستانکاری های عادی ثبت خواهد شد.

نکته ۹۰۹: در صورتی که مال مورد رهن قبل از تقسیم وجوه حاصله به فروش رسیده و بستانکار به حق خود برسد صاحب مال جانشین بستانکار شناخته شده و در سهم بندی به همان نسبت شرکت خواهد کرد.

نکته ۹۱۰: مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه‌ی عضو ناظر طلب طلبکاران دارای رهنه را داده و شیء مرهون را از رهن خارج و جزء دارایی تاجر منظور کند.

نکته ۹۱۱: وفق ماده ۴۴۳ ق.ت اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه به عمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را از عضو ناظر خواهد نمود.

نکته ۹۱۲: مدیر تصفیه ظرف ۱۵ روز از تاریخ مأموریت خود خلاصه‌ای از وضعیت ورشکستگی و علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی را به تشخیص خود تهیه و به عضو ناظر می‌دهد و عضو ناظر فوراً آنرا به مدعی العموم تسلیم می‌کند.

نکته ۹۱۳: فروش اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شده و یا کسر قیمت حاصل کند و اشیایی که نگاه داشتن آنها مفید نیست و همچنین به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه‌ی عضو ناظر توسط مدیر تصفیه انجام می‌شود.

نکته ۹۱۴: مدیر تصفیه می‌تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد اموال شخص ثالث را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده‌ی عضو ناظر حکم مقتضی را می‌دهد.

نکته ۹۱۵: نسبت به تمام دعاوی که هیات طلبکاران در آن ذینفع هستند، مدیر تصفیه با اجازه‌ی عضو ناظر می‌تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگر چه دعاوی راجع به اموال غیر منقول باشد.

نکته ۹۱۶: اگر موضوع صلح قابل تقویم نباشد یا بیش از پنج هزار ریال باشد، صلح لازم الاجرا نخواهد بود مگر اینکه دادگاه آن را تصدیق کند.

نکته ۹۱۷: وجوهی که توسط مدیر تصفیه دریافت می‌شود در حساب مخصوصی در صندوق دادگستری تسلیم می‌شود. وجوه مزبور مسترد نمی‌گردد مگر به حواله‌ی عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه.

نکته ۹۱۸: مدیر تصفیه در آخرین جلسه‌ی مجمع عمومی طلبکارها که برای تصفیه عمل ورشکستگی یا قرارداد ارفاقی منعقد می‌شود صورت مخارج و حق الزحمه‌ی خود و متصدیان امر تصفیه را که از طرف عضو ناظر معین می‌شود به اطلاع طلبکارها می‌رساند صورت مخارج و میزان حق الزحمه در دفتر محکمه تودیع می‌شود و تاجر ورشکسته و طلبکارها می‌توانند اعتراضاتی که نسبت به آن دارند کتبا به مدیر دفتر در ظرف یک هفته تقدیم دارند و محکمه در جلسه‌ی اداری پس از رسیدگی به اعتراضات وارده میزان قطعی آن را معین خواهد نمود.

نکته ۹۱۹: **عضو ناظر و وظایف وی:** دادگاه ضمن حکم خود یک عضو ناظر تعیین می‌کند. وفق ماده ۴۲۸ عضو ناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آن است.

نکته ۹۲۰: مهر موم: دادگاه در حکم خود امر به مهر و موم نیز می‌دهد و مهر و موم اموال تاجر، توسط عضو ناظر انجام می‌شود. توجه کنید که در صورتی که اداره تصفیه در محل باشد این امر نیز برعهده‌ی اداره‌ی تصفیه است.

نکته ۹۲۱: وفق ماده ۴۳۴ ق.ت.مهر و موم باید فوراً به توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده‌ی عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد. در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

نکته ۹۲۲: تعیین روز و محل تشخیص مطالبات: پس از تهیه صورت طلبکاران توسط مدیر تصفیه، تعیین محل و روز و ساعت جلسه جهت تشخیص مطالبات، توسط عضو ناظر صورت می‌گیرد. همچنین امر و دستور به ابراز دفاتر طلبکارها توسط عضو ناظر صورت می‌گیرد.

نکته ۹۲۳: تصدیق طلب طلبکاران: پس از امضای مدیر تصفیه و همچنین مستثناء کردن اشیاء ذکر شده در ماده ۴۴۴ قانون تجارت از مهر و موم و رفع توقیف آنها توسط عضو ناظر صورت می‌گیرد.

نکته ۹۲۴: رسیدگی به شکایت از عملیات مدیر تصفیه: عضو ناظر باید در ظرف سه روز به شکایت واصله رسیدگی نموده و تکلیف شکایت را معلوم کند. از تصمیم عضو ناظر ممکن است به محکمه شکایت نمود.

نکته ۹۲۵: عضو ناظر می‌تواند برحسب شکایت موجه تاجر ورشکسته طلبکاری‌های او و یا به نظر خود تغییر مدیر تصفیه را از محکمه بخواهد. در صورتی که عضو ناظر در ظرف ده روز به شکایات واصله رسیدگی نکند شاکی می‌تواند به محکمه مراجعه نماید.

نکته ۹۲۶: گزارش دادن: گزارش تمامی منازعات و تسلیم گزارش خلاصه وضعیت به دادستان و گزارش برای حل اختلاف در طلب متنازع فیه و گزارش در راستای صدور رأی تصدیق قرارداد ارفاقی توسط عضو ناظر انجام می‌شود.

نکته ۹۲۷: تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله‌ی دیگری برای اعاشه نداشته باشد می‌تواند نفقه خود و خانواده‌اش را از دارایی خود درخواست کند.

نکته ۹۲۸: عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با موافقت اکثریت عددی و رقمی طلبکارانی که حق انعقاد قرارداد ارفاقی دارند، تعیین و آن را برای تصویب به محکمه ارائه می‌دهد.

نکته ۹۲۹: دعوت از طلبکاران برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی: عضو ناظر **ظرف ۸ روز** از تاریخ موعدی که طلبکاران به صحیح بودن طلب خود التزام می‌دهند (ماده ۴۶۷ ق.ت) توسط مدیر دفتر دادگاه، کلیه طلبکارانی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده جهت مشاوره در انعقاد قرارداد دعوت می‌کند.

نکته ۹۳۰: تهیه صورت مجلس از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی طلبکاران راجع به قرارداد ارفاقی.

نکته ۹۳۱: قرارداد ارفاقی: پس از تعیین و مشخص شدن دارایی تاجر ورشکسته – اعم از مثبت و منفی – طلبکاران می‌توانند با ارفاق به تاجری که ورشکستگی وی معلول تقلب نیست قرارداد ارفاقی منعقد کنند تا اجازه‌ی ادامه کار و تجارت به تاجر داده شود.

نکته ۹۳۲: قرارداد ارفاقی اولین عقدی است که پس از توقف و صدور حکم ورشکستگی، تاجر آن را منعقد می‌کند.

نکته ۹۳۳: با تاجری که به عنوان ورشکستگی به تقلب **تحت تعقیب** است می‌توان قرارداد ارفاقی تنظیم نمود اما با تاجری که به عنوان ورشکستگی به تقلب **محکوم** شده است **نمی‌توان** قرارداد ارفاقی تنظیم نمود.

نکته ۹۳۴: وفق ماده ۴۷۶ قرارداد ارفاقی پس از اجرای مراسم مقرر در قانون امکان پذیر است. مجمع عمومی در محل و روز و ساعت تعیین شده توسط عضو ناظر حضور پیدا می‌کنند.

نکته ۹۳۵: اشخاص و اکثریت لازم جهت تشکیل و رسمیت جلسه تنظیم قرارداد ارفاقی:

۱. شخص تاجر ورشکسته شخصا باید حضور داشته باشد مگر در صورت عذر موجه که می‌تواند وکیل اعزام کند.

۲. عضو ناظر که سمت ریاست جلسه را نیز دارد.

۳. حداقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکاران – یا وکیل آنها – با داشتن حداقل سه چهارم کل مطالبات تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول شده.

نکته ۹۳۶: ترتیب جلسه: مدیر تصفیه گزارش وضعیت ورشکستگی و اقدامات و عملیات صورت گرفته را در جلسه مطرح می‌کند و به امضای وی و عضو ناظر می‌رسد و از کلیه مذاکرات عضو ناظر صورت مجلسی تنظیم می‌کند.

نکته ۹۳۷: اجرای قرارداد ارفاقی: قرارداد ارفاقی برای اینکه لازم الاجرا و معتبر شود باید به تصدیق محکمه برسد.

نکته ۹۳۸: تصدیق محکمه پس از پایان مدت اعتراض به قرارداد ارفاقی انجام می‌شود (یعنی ظرف یک هفته پس از تنظیم قرارداد ارفاقی).

نکته ۹۳۹: اعتراض به قرارداد ارفاقی: کلیه طلبکارانی که حق شرکت در قرارداد ارفاقی را دارند می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ انعقاد قرارداد ارفاقی به آن اعتراض کنند. اعتراض به قرارداد ارفاقی به **مدیر تصفیه و خود تاجر** (هر دو) ابلاغ می‌شود.

نکته ۹۴۰: اگر اعتراض وارد باشد دادگاه اعتراض را تصدیق نموده و قرارداد ارفاقی کلاً بلااثر می‌شود ولی اگر اعتراض را وارد نداند، قرارداد ارفاقی را تصدیق می‌کند و از این زمان قرارداد مذکور معتبر می‌شود.

نکته ۹۴۱: **اثر تصدیق قرارداد ارفاقی:** با تصدیق این قرارداد، نسبت به طلبکارانی که قرارداد را تصدیق نموده اند قطعی می‌شود. به علاوه با تصدیق قرارداد ارفاقی تاجر از حجر خارج می‌شود و دفاتر و حسابهای تاجر به وی مسترد شده و تاجر فعالیت تجاری خود را از سر می‌گیرد.

نکته ۹۴۲: تصدیق قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکاران معترض و مخالف قرارداد ارفاقی بی اثر است و تاجر باید سهم این گونه طلبکاران را از دارایی زمان توقف پرداخت کند و اینگونه طلبکاران حقی نسبت به دارایی آتیه تاجر ندارند مگر پس از تأدیه تمام طلب طلبکاران موافق و حاضر در قرارداد ارفاقی.

نکته ۹۴۳: اگر طلبکاران مخالف و معترض، ظرف ۱۰ روز از تصدیق قرارداد ارفاقی در دادگاه، آن را امضاء کنند مانند طلبکاران گروه اول می‌شوند.

نکته ۹۴۴: **طرق منتهی شدن قرارداد ارفاقی:** ۱- بطلان ۲- فسخ ۳- ورشکستگی مجدد

نکته ۹۴۵: **فسخ قرارداد ارفاقی:** چنانچه تاجر به شرایط قرارداد ارفاقی عمل نکند، برای فسخ قرارداد می‌توان علیه وی اقامه دعوی کرد.

نکته ۹۴۶: **ابطال قرارداد ارفاقی:**

۱. تاجر ورشکسته به تقلب اعلام شود.

۲. بعد از انعقاد قرارداد ارفاقی معلوم گردد تاجر در میزان دارایی یا قروض خود حيله و تقلب به کار برده و میزان واقعی را بیان ننموده است.

نکته ۹۴۷: **ورشکستگی مجدد** (موضوع مواد ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ ق.ت): در این فرض مجدداً عملیات تصفیه آغاز می‌شود و طلبکاران موافق قرارداد ارفاقی و طلبکاران جدید، در صف غرما قرار می‌گیرند و اگر در مدت قرارداد ارفاقی، تاجر مقداری از دیون خود را پرداخته باشد بدیهی است که این مقدار، از دیون طلبکاران کسر می‌شود.

نکته ۹۴۸: پس از فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دادگاه عضو ناظر و مدیر تصفیه جدید تعیین می‌کند اما محتمل است آنها همان اعضای سابق باشند.

نکته ۹۴۹: پس از ابطال قرارداد ارفاقی دادگاه مدیر تصفیه و عضو ناظری تعیین می‌کند؛ **مدیر تصفیه** باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت کند که در **ظرف یک ماه** اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند.

نکته ۹۵۰: **اعاده اعتبار:** بازگشت اعتبار و شهرت تاجر.

نکته ۹۵۱: **اعاده اعتبار حقی یا حقیقی:** هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار می‌نماید.

نکته ۹۵۲: **اعاده اعتبار حکمی یا قانونی:** در دو حالت اعاده اعتبار حکمی وجود دارد:

الف. تاجر صحت عمل خود را در **ظرف ۵ سال** از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی اثبات نماید و □ مفاد و شرایط قرارداد ارفاقی را عمل نموده و وجوهی را که به موجب قرارداد به عهده گرفته پرداخت نماید.

ب. زمانی کلیه طلبکاران به اعاده اعتبار تاجر رضایت دهند یا کلیه طلبکاران ذمه تاجر را بری نمایند.

نکته ۹۵۳: اگر اعاده اعتبار رد شود **پس از ۶ ماه** از تاریخ **قطعیت** مجدداً قابل طرح است. به عبارت دیگر صدور حکم مبنی بر رد اعاده اعتبار مثل رد ادعای اعسار اعتبار امر مختومه ندارد.

نکته ۹۵۴: عدم قابلیت درخواست اعاده اعتبار: تاجری که ورشکسته به تقلب بوده + تاجری که به مجازات سرقت، کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده باشد مادام که از جنبه‌ی جزایی اعاده حیثیت نکرده‌اند از جنبه‌ی تجارتی نمی‌توانند تقاضای اعاده اعتبار کنند.

نکته ۹۵۵: اعتراض به دادخواست اعاده اعتبار: هر طلبکاری که طلب خود را کاملاً دریافت نکرده می‌تواند در **مدت یک ماه** به وسیله‌ی اظهار نامه به دادخواست اعاده اعتبار اعتراض کند به ضمیمه‌ی اسناد مثبت طلب.

نکته ۹۵۶: تجدیدنظرخواهی از حکم اعاده اعتبار: مدعی عدم اعاده اعتبار و مدعی العموم و طلبکارهای معترض می‌توانند **ظرف ۲۰ روز** از اعلام حکم اعاده اعتبار تجدیدنظرخواهی کنند.

نکته ۹۵۷: اداره تصفیه امور ورشکستگی: سازمانی دولتی است که تحت نظارت قوه قضاییه قرار دارد و دارای کارمندان تصفیه و ابزارهایی است که امر تصفیه را تنظیم و تسهیل می‌کند.

نکته ۹۵۸: در نقاطی که اداره‌ی تصفیه امور ورشکستگی دایر شده است، امر تصفیه به وسیله‌ی این اداره و طبق مقررات قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی و آیین‌نامه آن، انجام می‌پذیرد.

نکته ۹۵۹: تصفیه شرکت‌ها توسط اداره‌ی تصفیه: در هر حوزه که تشکیل اداره تصفیه اعلام شود امور ورشکستگی که تا آن تاریخ خاتمه نیافته تحویل اداره‌ی تصفیه گردیده و مدیران تصفیه و کارمندان ناظر باید از هر گونه اقدام خودداری نمایند.

نکته ۹۶۰: عملیات ورشکستگی شرکت‌هایی که تصفیه آنها در موقع اعلام تشکیل اداره تصفیه خاتمه نیافته است، طبق مقررات قانون اداره تصفیه و آیین‌نامه ادامه خواهد یافت.

نکته ۹۶۱: رسیدگی به پرونده‌های دریافت شده از دادگاه صادر کننده حکم: پس از اینکه رییس اداره‌ی تصفیه پرونده را دریافت کرد پرونده را به یکی از کارمندان اداره‌ی تصفیه ارجاع می‌دهد تا وی امر تصفیه را همانطور که یک مدیر تصفیه انجام می‌دهد، طبق مقررات و آیین‌نامه اداره‌ی تصفیه و نیز طبق قوانین تجارت انجام دهد.

نکته ۹۶۲: کارمند اداره تصفیه، مشمول مقررات رد دادرسی است. موارد رد همان موارد ذکر شده در آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

نکته ۹۶۳: اقدامات اولیه: شامل صورت برداری و مهر و در مهر و موم نمودن اموال مستثنیات دین، مهر و موم نمی‌شوند اما در صورت دارایی درج می‌شوند.

نکته ۹۶۴: اداره‌ی تصفیه اقدام به بستن و مهر و موم نمودن انبارها، مغازه‌ها، کالاهای و کارخانه‌ها می‌نماید مگر اینکه بتواند تحت نظارت خود آنها را اداره نماید.

نکته ۹۶۵: اداره‌ی تصفیه اقدام به مهر و موم اموال تاجر می‌کند مگر اینکه بتواند آنها را تحت نظارت خود اداره کند.

نکته ۹۶۶: اداره به طرق ممکن اقدام به حفاظت اموال می‌کند و آنها را مهر و موم کرده تا وقتی که لازم بداند مهر و موم باقی می‌ماند.

نکته ۹۶۷: مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته قرار می‌گیرد ولی جزء صورت اموال قید می‌گردد.

نکته ۹۶۸: **توقیف تاجر:** تاجر متوقف طبق ماده ۲۱ ق.ا.ت مکلف است خود را در اختیار اداره تصفیه قرار دهد. در صورت اقتضاء اداره‌ی تصفیه می‌تواند اقدام به جلب او بنماید.

نکته ۹۶۹: تاجر متوقف مکلف است در مدت تصفیه خود را در اختیار اداره بگذارد مگر این صریحاً از این تکلف معاف شده باشد.

نکته ۹۷۰: در صورت اقتضا اداره‌ی تصفیه می‌تواند راساً اقدام به جلب نماید. چنانچه توقیف تاجر متوقف لازم باشد اداره‌ی تصفیه می‌تواند قرار توقیف او را از دادگاه بخواهد.

نکته ۹۷۱: رفع توقیف از تاجر به دستور اداره‌ی تصفیه به عمل می‌آید.

نکته ۹۷۲: همچنین در صورتی که تاجر فرار کرده یا قسمتی از اموال خود را مخفی کند امین صلح می‌تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم اموال تاجر کند و بلافاصله اقدامات خود را به مدعی العموم اطلاع دهد.

نکته ۹۷۳: تفتیش مراسلات: به موجب ماده ۱۰ ق.ا.ت: اداره‌ی تصفیه می‌تواند از اداره‌ی پست و گمرک بخواهد که در مدت تصفیه کلیه برگ‌ها و بسته‌هایی که به عنوان متوقف ارسال گردیده برای آن اداره بفرستد.

نکته ۹۷۴: اداره تصفیه می‌تواند رأساً تصمیم گرفته و از تعطیل شدن تجارتخانه ورشکسته جلوگیری کرده و به او اجازه‌ی ادامه‌ی کار دهد.

نکته ۹۷۵: تصفیه بر دو نوع می‌باشد: عادی و اختصاری.

نکته ۹۷۶: تصفیه اختصاری: بر طبق ماده ۲۳ قانون تصفیه اگر به نظر اداره‌ی تصفیه حاصل فروش اموالی که صورت آنها را برداشته کافی برای پرداخت هزینه ورشکستگی نباشد اداره‌ی مزبور اقدام به تصفیه اختصاری می‌نماید مگر اینکه برخی از طلبکاران، ظرف مدت ۱۰ روز درخواست تصفیه عادی را نموده و هزینه آن را هم بپردازند.

نکته ۹۷۷: در تصفیه‌ی اختصاری، متصدی پرونده به انتشار آگهی مبادرت می‌نماید و در آن اعلام می‌دارد که هر کس ادعایی علیه ورشکسته دارد ظرف چهل روز به اداره‌ی تصفیه اعلام نماید.

نکته ۹۷۸: سپس به هر ترتیب که منافع بستانکاران اقتضاء کند - بدون رعایت تشریفات - اقدام به فروش اموال و تقسیم وجوه حاصله می‌نماید و ختم عمل تصفیه را اعلام می‌دارد.

نکته ۹۷۹: در مورد تصفیه‌ی اختصاری بستانکاران برای تشکیل جلسه دعوت نمی‌شوند مع ذلک هرگاه اداره مقتضی بداند ممکن است به وسیله تشکیل جلسه جلب نظر آنها را بنماید ولی در صورتی که ورشکسته پیشنهاد قرارداد ارفاقی نموده باشد در این مورد باید جلسه بستانکاران دعوت شود.

نکته ۹۸۰: در صورت نبودن خریدار به بهای ارزیابی شده اقدام به مزایده مجدد به عمل نیامده و اداره‌ی تصفیه به نحو مقتضی اقدام به فروش آن خواهد نمود.

نکته ۹۸۱: تقسیم وجوه حاصله طبق مدلول مواد ۴۶ و ۴۷ قانون به عمل آمده و سند عدم کفایت دارایی صادر می‌شود ولی صورت تقسیم برای مراجعه اشخاص ذینفع در اداره‌ی تصفیه گذارده نشده و تقسیم موقت سهام نیز به عمل نخواهد آمد

نکته ۹۸۲: **تصفیه‌ی عادی:** در صورتی که دارایی شخص ورشکسته کافی برای پرداخت هزینه‌ی ورشکستگی باشد و یا یکی از طلبکاران هزینه‌ی آن را بپردازد، تصفیه طبق تشریفات اداره‌ی تصفیه و قانون تجارت انجام می‌پذیرد.

نکته ۹۸۳: **آگهی:** به طلبکاران می‌شود تا برای تشخیص و تصدیق طلب مراجعه کنند.

نکته ۹۸۴: رونوشت آگهی به واحدهای اجرایی حوزه ورشکسته و دادسراها و دادگاه‌هایی که دعاوی تاجر در آن مطرح است و همچنین شرکت‌های بیمه‌ای که تاجر احتمالاً در آن اقدام به بیمه نموده است ارسال می‌شود.

نکته ۹۸۵: وفق ماده ۳۸ قانون اداره تصفیه پس از رسیدگی به مطالبات، بستانکارانی که طلبشان تصدیق یا موقتاً قبول شده به وسیله‌ی اختاریه دعوت می‌شوند و اگر درخواست قرارداد ارفاقی شده باشد در دعوت نامه قید می‌شود. اگر قرارداد ارفاقی تنظیم نشود اداره‌ی اقدام به تقسیم و فروش اموال می‌کند.

نکته ۹۸۶: وفق ماده ۸۸ قانون مالیات‌های مستقیم، تقسیم دارایی اشخاص حقوقی منحل شده قبل از تحصیل مفاد حساب مالیاتی یا بدون سپردن تامین معادل میزان مالیات مجاز نیست.

نکته ۹۸۷: آخرین مدیران شخص حقوقی در صورت عدم تسلیم اظهارنامه یا تسلیم اظهارنامه خلاف واقع و مدیران تصفیه در صورت عدم رعایت مقررات و ضامن یا ضامن‌های شخص حقوقی و شرکا ضامن موضوع قانون تجارت متضامناً و کلیه کسانی که دارایی شخص حقوقی بین آنان تقسیم گردیده به نسبت سهمی که از دارایی شخص حقوقی نصیب آنان شده است مسئول پرداخت مالیات و جرایم و زیان دیرکرد متعلقه به شخص حقوقی خواهند بود.

نکته ۹۸۸: **فروش اموال:** اموال متوقف به ترتیب مزایده فروخته می‌شود مگر هیأت طلبکاران با اکثریت عددی که دارنده‌ی سه چهارم مطالبات هستند رضایت دهند یا وقتی که مال در بورس یا در بازار قیمت معین دارد.

نکته ۹۸۹: اموال دارای وثیقه را نیز نمی‌توان به طریق غیر مزایده فروخت مگر اینکه رضایت بستانکارانی که نسبت به آن حق وثیقه دارند جلب شود.

نکته ۹۹۰: اموال فاسد شدنی و اموالی که در معرض تنزل قیمت هستند و اموالی که دارای قیمت مشخص بازاری هستند به طریق مزایده فروش نمی‌روند. ضمناً اموال را باید به طریق نقدی فروخت مگر آنکه فروشنده ظرف سه ماه ثمن را بپردازد.

نکته ۹۹۱: چنانچه کارکنان اداره‌ی تصفیه یا کسانشان تا درجه‌ی دوم از طبقه‌ی دوم نسبت به دارایی ورشکسته به نفع خود طرف معامله واقع شوند معامله‌ی آنها باطل و متخلف تعقیب انتظامی می‌شود.

نکته ۹۹۲: در این صورتمجلس باید نام اشخاصی که مباشر مزایده بوده و همچنین تاریخ و محل و مدت مزایده و بالاترین بهای هر شیئی در آن قید شود و صورتمجلس را رییس یا کارمند اداره تصفیه امضاء می‌نمایند.

نکته ۹۹۳: کسانی که در مزایده‌ی مال غیر منقول شرکت می‌کنند باید صدی پنج بهای مال غیر منقول ارزیابی شده را تا روزی که برای مزایده مقرر شده به صندوق اداره‌ی تصفیه بسپارند.

نکته ۹۹۴: هرگاه پرداخت بها در موعد مقرر انجام نگیرد یا آن که پیشنهاد دهنده حاضر به اجرای تعهد خود نگردد خسارت وارده از مبلغ سپرده برداشت خواهد شد.

نکته ۹۹۵: بعد از مزایده‌ی مال مورد مزایده به موجب سند رسمی به برنده مزایده یا بستانکار منتقل می‌شود. این سند را سند انتقال اجرایی می‌نامند و دارای تمام اوصاف سند رسمی مالکیت است و در نهایت نیز در دفتر اسناد رسمی انتقال انجام و ثبت می‌شود.

نکته ۹۹۶: اداره تصفیه باید برای تقسیم موقت سهام بر طبق ماده ۴۸ قانون اداره‌ی تصفیه صورت تقسیم موقت تهیه نموده و اعلام نماید که صورت تقسیم در ظرف مدت ده روز در دسترس بستانکاران گذارده خواهد شد.

نکته ۹۹۷: هرگاه دعوای مربوط به بستانکاری در موقع تقسیم موقت سهام به نتیجه نرسیده باشد سهمی که برای او منظور شده کنار گذارده می‌شود و همچنین بستانکارانی که طلب آنها موجد است قبل از رسیدن موعد به آنها پرداخته نخواهد شد مگر آن که برای برگشت فرع قانونی از طلب خود رضایت دهند

نکته ۹۹۸: صورت تقسیم نهایی وقتی تنظیم می‌شود که کلیه دعاوی مربوط به دارایی و بدهی ورشکسته قطعی شده باشد و برای تنظیم صورت قطعی لازم نیست منتظر مازاد مذکور در ماده ۴۵ قانون اداره تصفیه گردید.

نکته ۹۹۹: امور ورشکستگی باید از تاریخ وصول حکم آن به اداره ظرف ۸ ماه تصفیه شود. البته رییس دادگاه استان می‌تواند این مدت را تمدید نماید.

نکته ۱۰۰۰: پس از تقسیم اموال خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد.